هفت صبح

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۶ دی ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۹۵۰
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

H A F T - E - S B L Y

بررسی ۶ خودروی هیبریدی وارداتی از شرق آسیا

پاکسازی هوای تهران با خودروهای هیبریدی ممکن است؟ صفحه ۰۵ رابخوانید

چه کسی گفته سیلی زدن آدم نمی کشد؟

برخی متهمان که نام قاتل روی پیشانی‌شان جا خوش کرده فقط با زدن یک سیلی آدم کشته‌اند

● بازرگانان، روحانیت و ماجرای تنباکو / قصه های گمشده - پاورقی روزهای فرد ● لوازم‌خانگی با طراحی چشم‌نواز / معرفی ۱۵ لوازم‌خانگی برقی که به‌خاطر ظاهرشـــان متفاوت به‌نظر می‌رسند ● عملیات حذف مالیات ناگهانی! / همه نکاتی که باید درباره حساب بانکی شخصی و تجاری بدانید ● نشانه‌هایی از اصلاحات گسترده در قوانین کشور / قوه قضائیه می‌خواهد قانون اجرای احکام، قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون جرایم رایانه‌ای را اصلاح کند ● وقتی فاتح هور را شناختم... / درباره علی هاشمی و ضررهای ورزش برای سلامتی و ارزش درخت و گلادیاتور ۲ ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

مسترجان چاکرتیم، دیگر آواز نخوان!

یادداشت‌هایی از ابراهیم افشار، حمید رستمی، محمد طالبیان و... صفحه ۱۶

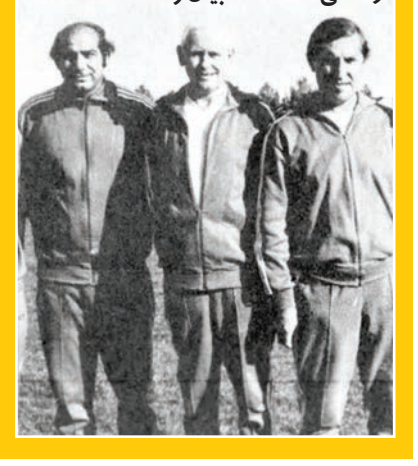

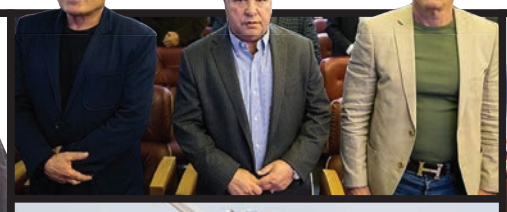

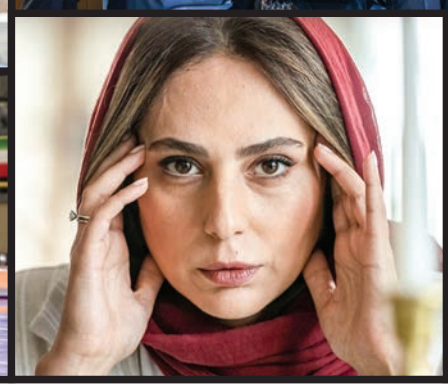

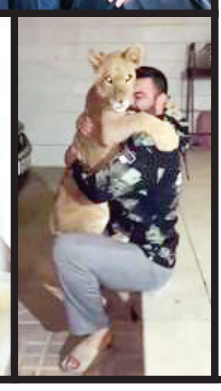

در خانه همسایه چه خبر بود؟

ترندهای کشورهای مجاور ایران در سال ۲۰۲۴

در بسته آخر هفته بخوانید:

● چرا سیاستمداران از اشک می‌گریزند؟
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های اجتماعی هفته

● هیجان و اشتیاق و تعهد
درباره بازیگرهایی که به حرفه خود عشق می‌ورزند

● یک تیم افسانه‌ای واقعی
تیم تاریخ پرسپولیس بدون دایی و مهدوی کیا! مگه میشه؟

● رقابت برای آقای گلی شرم آور
واقعا زشت است که جدی‌ترین مدعیان آقای گلی نیم‌فصل اول فقط ۵ گل زده‌اند

هموطن! کمی سبک شروع کن

درباره عواقب تب دویدن، کوهنوردی و به طور کلی زندگی ورزشی که از تیک‌تاک و اینستاگرام آمده

فاطمه رجبی | مواد لازم برای تولیدمحتوای اینستاگرامی یک عدد شـــیکر (همان قمقمه خودمان)، یک کفش کتانی غلط‌انداز و لباس‌ورزشی ترجیحا نایکی یا آدیداس است. شما این روزها با این ترکیب جادویی می‌توانید برای مدت زیادی در حال دویدن و از کوه و تپه بالا رفتن تولیدمحتوا کنید بدون اینکه نشان دهید بعدتر در یکی از این تولیدمحتواها چه اتفاقی برای کمر، زانـــو و بقیه اعضا و جوارح‌تان افتاده اســـت. داریم درباره تب ورزش کردن سنگین حرف می‌زنیم که این روزها به‌شدت در شـــبکه‌های اجتماعی ترند شده. خیلی‌ها رفته‌اند سمت دویدن و خیلی‌های دیگر کوهنوردی و طبیعت‌گردی و... را به شـــکل جدی در برنامه‌شـــان قرار داده‌اند. این تب به ایران و ایرانی هم محدود نیست و اتفاقا اول در کشورهای دیگر شروع شد و به ایران رسید اما این تب که ناگهان مردم را گرفتار می‌کند چه تبعاتی دارد؟ باید خوشحال باشیم که ناگهان اقبال عمومی به سمت ورزش اینقدر زیاد شده؟

متخصصان فیزیولوژی می‌گویند تا چند سال پیش، مردانی که با دوستانشان هفته‌ای یک‌بار فوتبال بازی می‌کردند خیلی به مراجعه‌کننده‌های انبوه این روزها شبیه بودند. مردانی که یک هفته، ۱۰ روز هر طور می‌خواســـتند، زندگی می‌کردند بدون تحـــرک و فعالیت ورزشـــی خاصی بعـــد کفش‌های غیراستاندارد میخی‌شان را می‌پوشیدند و یکی از پرفشارترین و پرتنش‌تریـــن ورزش‌های دنیـــا را انجـــام می‌دادند یعنی فوتبال. دست‌کم هر چند هفته یک‌بار هم یکی از آنها به دلیل پاره‌شدن رباط صلیبی یا شکستگی انگشت و ترک‌خوردگی ساق از جمع جدا می‌شد اما حالا نه فقط مردانی که هفته‌ای یک‌بار برای نشـــان دادن قدرت بدنی «همچنان خوبشان» ســـراغ فوتبال می‌روند، مشـــتری دائمی مراکز فیزیولوژی هستند بلکه گروه‌های دیگری که ناگهان تصمیم می‌گیرند با دوستانشان بروند بدوند یا کوهنوردی و اسکواش و تنیس را امتحان کنند به این جمعیت اضافه شده‌اند.

دکتر همایون مولایی در مورد این تب یک‌شبه ورزشکارشدن می‌گوید: «ورزش برای هر سن و هر وضعیتی خوب است. این یک اصل کلی و عمومی است که ما به هیچ وجه آن را زیر سوال نمی‌بریم آن هم در کشور ما که متوســـط تحرک افراد بسیار بسیار پایین است و فرهنگ ورزش در زندگی روزمره ما جایی ندارد مخصوصا زنان که از فقر عمومی تحرک رنج می‌برند پس تا اینجا بگوییم که ما نه‌تنها با ورزش کردن مشـــکلی نداریم بلکه آن را جزء ضروری زندگـــی افراد می‌دانیم اما آنچه که به نظر می‌رسد، می‌تواند مشکل محســـوب شود سبک ورزشی جدیدی است که در اینستاگرام خیلی تبلیغ می‌شود یکی از آنها دویدن است. دویدن خلاف آنچه به نظر می‌رسد ورزشی است که هم تجهیزات خوبی نیاز دارد و هم مهارت و آمادگی بدنی بالا. من می‌توانم تقریبا به شـــما قول بدهم که از هر ۱۰ نفری که ناگهان سراغ دویدن به عنوان ورزش می‌روند بعد از دو ماه دچار مشکلات جدی می‌شوند. دویدن مانند هر ورزش دیگری به مربی و تجهیزات نیاز دارد. شما علاوه بر کفش کاملا مناسب نیاز دارید که مســـیر درستی انتخاب کنید، سرعت و شـــیب و وضعیت بدنتان موقع دویدن کاملا رصد بشود مثلا کسی که سابقه ورزشی خوبی ندارد اگر در شیب هر چند ملایم بدود با خطر جدی مشکلات زانو مواجه می‌شود مشکلاتی که می‌توانند تا سال ها با شخص باشند و او را از ورزش‌های عادی و سبک هم محروم کنند.» ادامه در صفحه ۰۳

موج واقع گرایی در میان اصولگرایان؟

مروری بر مهم‌ترین اظهارات چهره‌های محافظه کار درباره دوراهی‌های سیاسی دولت که راه را برای پزشکیان کمی تا اندازه‌ای هموارتر کرده است

نگین باقری | در اتفاقات و تحولات سیاسی گروه‌های رادیکال بودند که بر اهداف بنیادگرایانه خود پافشـــاری می‌کردند و آماده بودند که کل مذهب و مـــاورا را گروگان ایده‌های خود قرار دهند. حتی برخی ســـخنرانان مجلس هم بودند که بر نوعی نگاه بسیار تند که در سال‌های پس از انقلاب به ندرت در سطح اول سیاسی کشور ظاهر می‌شد پافشاری کنند. اما در اتفاقی جالب بخش‌هایی از اصولگرایان عملگرا در مورد برخی مشکلات اقتصادی و زیربنایی کشور نقطه نظرهای جدیدی را اتخاذ کرده‌اند. در واقع به نظر می‌رســـد پس از سال‌ها در آستانه یک تفاهم عمومی در مورد مشکلات زیربنایی کشور، دغدغه‌های دیپلماتیک و قبول کردن ســـبک‌های مختلف زندگی (البته در چارچوب قانون اساسی) از سوی چهره‌های سیاسی هستیم. این مسئله در مورد ناترازی انرژی، مسئله قانون حجاب، ماجرای فیلترینگ و حوادث سوریه خودش را نشان داده و اگر منجر به ضعف و سستی در سیاست‌های کلی کشور نشود می‌تواند قدم بزرگی در خروج کشور از برخی مشکلات ریشه دار یک دهه گذشته باشد.

۱- در فرایند پروژه رفـــع فیلترینگ چهره‌های اصولگرایی هم بودند که مخالفت خـــود را با ادامه مســـیر فیلترینگ نشـــان دادند. چهره‌هایی از هسته‌های سفت و سخت بدنه محافظه‌کاران که به نظر می‌رســـد این روزها نســـبت به هم‌طیف‌های خود سمت‌وســـوی واقعگرایانه‌تری نســـبت به مطالبـــه مـــردم گرفته‌اند.این چهره‌ها نـــه فقط درباره فیلترینگ بلکه در گره‌های دیگر مثل تحریم، لایحه حجاب و اف‌ای‌تی‌اف هم از نقطه قدیمی خـــود فاصله گرفته‌اند و روی بازتری نسبت به تغییرات شرایط نشان داده‌اند.

● این اولین بار نبـــود که موضوع رفـــع فیلترینگ به اتاق جلسات نهاد ریاســـت‌جمهوری می‌رســـید اما قطعا برای اولین بار بود که رای اکثریت به نفع آزادســـازی دو سکوی مجازی برمی‌گشـــت. احتمالا اگر هنوز چهره‌های اصولگرا نسبت به فیلترینگ سرگردان بودند، هنوز هم همین قدم کوچک هم برداشته نشده بود. اگر چند ماه پیش، گزارش یکی از رســـانه‌ها درباره آرای اعضای شـــورای‌عالی فضای مجازی منتشـــر نمی‌شـــد، این هفته شـــاهد فعالیت‌های سعیدرضاعاملی برای برداشته شدن فیلترینگ نبودیم. در روزهای گذشته با بالا گرفتن این شایعه که عاملی از موافقان فیلترینگ است، این روحانی و استاد رشته ارتباطات بارها مقابل میکروفن خبرنگاران و دوربین رسانه‌ها نشست و در پی توضیح خود استدلال آورد که نه قبلا و نه امروز موافق مسدودســـازی فضای مجازی نبوده است. حتی تا یک روز پیش از جلسه تعیین‌کننده شورای‌عالی فضای مجازی او به صداوسیما رفت و مقابل سکان‌دار سابق اینترنت نشست. یعنی مقابل ابوالحســـن فیروزآبادی، دبیر سابق این شورا که از قضا سال‌ها پیش از فیلترینگ دفاع می‌کرد. آنها حالا هردو واضحا نظر می‌دادند که فیلترینگ باید برداشته شود. فارغ از همه انتقادهایی که این سال‌ها به مواضع سعیدرضا عاملی می‌شد، مصاحبه‌های اخیر او با سایت انصاف نیوز و مناظره در صدا و سیما کمک کرد تا بالاخره یکی از آجرهای این سد چند ساله برداشته و این دیواره فیلترینگ یک قدم به فروپاشی نزدیک‌تر شود.

● ابوالحسن فیروزآبادی در همه مصاحبه‌ها و مناظره‌هایی که فقط در همین ۱۰ روز گذشته داشته تاکید کرده که قبلا موافق فیلترینگ بوده اما حالا نه. او جعبه‌سیاه اینترنت کشور است که دو سال پیش از سمت خود در شورای‌عالی فضای مجازی استعفا داد. یعنی ۵ ماه بعد از فیلترینگ اینستاگرام و واتساپ. او معمولا به‌سختی راضی به مصاحبه می‌شود اما در همین یک هفته دو مصاحبه مفصل داشت که در آن درباره سرنوشت اینترنت حرف می‌زد. مصاحبه‌هایی که اگرچه در آنها نام موافقان فیلترینگ را نداد امـــا نام مخالفان را گفت. مثلا گفت مدیرعامل شرکت همراه اول قبلا در دسته موافقان فیلترینگ می‌گنجید اما حالا مخالف آن است.

● ضرغامی در همه ماه‌های گذشته با مواضع انتقادی نسبت به نه فقط فیلترینگ، بلکه نســـبت به لایحه حجاب مواجه شده اســـت. مثلا همین دو هفته پیش درباره حجاب گفته بود: «مردم را اذیت نکنیم. انقلاب نکردیم که زور بگوییم» استدلال او درباره اینترنت هم همین است که برای حجاب می‌آورد. او بارها با این جملات بین بدنه اصولگرایان ظاهر شـــده که «قانونی که اکثریت و غالب مـــردم، عملا آن را نپذیرند و به آن عمل نکنند، خود به خود منتفی است.»

● محمد ســـرفراز اصولگرای دیگر این جمع است. از زبان او که از قضا رئیس اسبق صدا و ســـیما هم بوده این جمله شنیده می‌شد که نه تنها می‌خواهد فیلترینگ برداشته شود بلکه می‌گوید این کار به یکباره انجام شود. یعنی گام به گام و قدم به قدم نباشد.

● چهره‌های شـــاخص دیگری هم بودند که در رای‌گیری اخیر به فیلترینگ «نه» گفتند اما اســـم آنها علنی نیامده است. اینطور که دبیر سابق شورای‌عالی گفته هر سه سران قوه مخالف فیلترینگ هستند. در جلسه دو روز پیش شورا هم به گفته ضرغامی، رئیس قوه قضاییه و رئیس قوه مقننه موضع یکسانی با رئیس دولت داشته‌اند.

● عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی هم روحانی متنفذی اســـت. او در این مدت بارها با لایحه حجاب مخالفت کرده. یک بار شـــهریورماه بـــا طرح نور و ماشین‌های گشت ارشـــاد مخالفت کرد. یک بار هم بعد از انتشار جزئیات لایحه حجاب. بخشی از مخالفت او البته به این خاطر است که این شورا زودتر از مجلس و قوه قضاییه ســـندی برای حجاب نوشـــته بوده که آیت‌الله خسروپناه می‌گوید باید سند آنها اجرا شود؛ نه لایحه حجاب. اما بهانه هرچه که باشد در هر صورت آنچه در ویترین رسانه می‌شود دید مخالفت این روحانی با مسئله لایحه حجاب بوده.

البته به جز این چهره‌های بی ســـر و صداتـــری هم از بدنه اصولگرایان بودند که در هول و ولای اجرای لایحه حجاب مواضع مشـــابهی گرفتند. برای مثال پرویـــز امینی و ناصر ایمانی کارشناس و فعال سیاسی اصولگرا هستند که موافق اجرای این لایحه نبودند. ایمانی حتی پیشنهاد داده بود که این لایحه نباید اصلاح، بلکه باید به طور کلی متوقف شود.

● غلامرضا مصباحی مقدم: مخالفـــان اف‌ای‌تی‌اف هم در سال‌های گذشته سد محکمی تشکیل داده بودند. اما مهرماه بعد از نشســـت خبری مسعود پزشـــکیان و حرف‌هایی که وزیر اقتصاد او درباره این موضوع زده بود مجمع تشخیص مصلحت نظام ســـیگنال مثبت خود را برای بررسی دوباره موضوع پیوســـتن ایران بـــه FATF نشـــان داد. دولت هم دوباره پرونده را به این نهاد ارســـال کرد. مهم‌ترین اظهار نظر را هم آیت‌الله مصباحی مقدم، روحانی و سیاســـتمدار اصولگرا داشـــت که گفته بود: «آقای پزشکیان خودشان عضو مجمع تشخیص مصلحت هستند و در جلسات حضور پیدا می‌کنند، از FATF دفاع خواهد کرد و مجمع هم آن را تصویب می‌کند». ادامه در صفحه ۰۳

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

شنیدن سکوت

امروز جامعه مـــا بیش از هر زمـــان دیگری به آرامش نیـــاز دارد؛ اما وقتی از آرامش ســـخن می‌گوییم، ناخودآگاه به کســـانی فکر می‌کنیم که توان گفتن دارند. آن‌ها که می‌توانند نظرات خود را آشکارا بیان کنند، حرف بزنند، نقد کنند و حتی با اعتـــراض فریاد بکشـــند. صدای این گروه، بلند و شنیدنی است، چون تریبون‌های شـــبکه‌های اجتماعی در دستشـــان است. اما آیا آرامش تنها نیاز این گروه اســـت؟ در جامعه امروز، صدایی که می‌شـــنویم محدود به همان کسانی است که در بستر شبکه‌های اجتماعی فعال‌اند. اما فراتر از این دایره، جمعیت عظیمی هســـتند که در ســـکوت زندگی می‌کنند. این سکوت، نه به‌خاطر بی‌نیازی است و نه به‌خاطر رضایت؛ بلکه ناشـــی از نبود امکان و توان برای بیان خواسته‌هاست. کســـانی که در هیاهوی رســـانه‌ها گم شـــده‌اند، نـــه پیام‌هایشـــان در توئیتر ترند می‌شـــود و نه در اینستاگرام دیده می‌شـــوند. کســـانی که پول خرید آیفون را در هیچ شرایطی ندارند و نرخ گمرکی تغییری در شرایط زندگیشان ایجاد نمی‌کند. آن‌هایی که برایشـــان فرقی نمی‌کند پیام‌هایشان را در ایتا ارسال کنند یا واتساپ. آن‌هایی که لنگ اجاره خانه‌اند و واردات خودرو برایشان توفیری ندارد. بچه‌هایی که مصرف‌کننده هر چیزی هســـتند که پیش پایشان گذاشته می‌شود و امکان اظهار نظر ندارند.

ما امـــروز می‌خواهیم صدابلندهـــای جامعه را راضی کنیـــم. در واقع دغدغه آرامش بیشـــتر متوجه کسانی شده است که در مرکز توجه‌اند. ما فراموش کرده‌ایم کـــه بخش بزرگی از جامعه حتی به فضای شـــبکه‌های اجتماعی دسترسی کامل ندارند یا اگر هم دارند، فقط مصرف‌کننده منفعل‌اند، نه مشارکت‌کننده فعال. این افراد، چه از نسل‌های قدیمی‌تر باشـــند و چه از نسل‌های جوان‌تر، اغلب نادیده گرفته می‌شوند. در حالی که نیاز به آرامش در میان این گروه‌ها شاید عمیق‌تر، فوری‌تر و دغدغه‌های ایشان از اولویت بیشتری برخوردار باشـــد. جامعه ما به دو بخش تقسیم شده است: بخش کوچکی که در شبکه‌ها فعال اســـت صدای بلند دارد و بخش بزرگی که تنها تماشاگر است و ســـکوت می‌کند. نگران‌کننده، این اســـت که دغدغه‌های بخش اول، به‌عنوان دغدغه عمومی جامعه فرض می‌شود. صدایی که در شبکه‌ها بلند است، به معیار سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات تبدیل می‌شـــود. اما آیـــا واقعاً این صدا نماینده کل جامعه اســـت؟ قطعا نه. یکی از مشکلات ما این است که دغدغه‌های فعالان شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت از طریق شبکه‌ها به مثابه دغدغه عمومی تحمیل می‌شـــود. این فرایند، گاهی موجب می‌شـــود مســـائل اصلی فراموش شوند و موضوعاتی که شاید در اولویت نباشـــند، به موضوع روز تبدیل شوند. از سوی دیگر، کســـانی که خارج از ایـــن فضاها زندگی می‌کنند، خـــود را در دنیایی متفاوت می‌بینند. آن‌ها احســـاس می‌کنند که نه کسی صدایشان را می‌شنود و نه کســـی دغدغه‌هایشان را درک می‌کند. ادامه در صفحه ۰۳

SMS
Telegram
WhatsApp

0920 200 17 07

شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی
از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

تنش خاموش در خاورمیانه

مقامات ایرانی، سوری و ترکیه‌ای در مورد بحران سوریه چه گفتند؟

ماجرا از گفت‌وگویی کوتاه در تلویزیون ایران با عباس عراقچی شروع شد. وزیر خارجه ایران سه‌شنبه شب در این گفت‌وگو گفت که فعلا برای قضاوت درباره آینده سوریه زود است. عوامل مؤثر زیادی وجود دارد که آینده این کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد. او در ادامه حرف‌هایش بار دیگر با تاکید گفت: به نظر من الان قضاوت کردن زود است. هم برای ما و هم برای دیگرانی که فکر می‌کنند که به هر حال در آنجا پیروزی‌های به دست آمده است. ظاهرا این حرف وزیر خارجه ایران به مذاق سوریه و ترکیه خوش نیامده است.

اتهام بی‌اساس به ایران

وزیر خارجه دولت انتقالی سوریه که ۳۷ ساله بوده و ظاهرش متناسب مقامات کشور ترکیه است، در این کشور هم در مقطع فوق‌لیسانس رشته علوم سیاسی، روابط بین‌الملل درس خوانده و به نظر بسیاری بازوی کریه در دولت انتقالی محسوب می‌شود، در توئیتی مستقیما ایران را خطاب قرار داد. اسعد الشیبانی، وزیر امور خارجه منصوب‌شده توسط ابومحمد الجولانی سرکرده تحریرالشام در سوریه، ایران را به کسترش هرج‌ومرج در این کشور متهم کرد. او در صفحه شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ایران باید به خواست مردم و همچنین حاکمیت و یکپارچگی سوریه احترام بگذارد. او که زمانی مسئول هماهنگی میان همچنین حاکمیت و یکپارچگی سوریه احترام الجولانی و سرکردگان داعش و القاعده بوده، گفت: ما به آن‌ها درباره گسترش هرج‌ومرج در سوریه هشدار می‌دهیم و آن‌ها را درباره عواقب بیانیه‌های اخیر مسئول می‌دانیم. این اظهارات درحالی مطرح شده که ایران اما همواره اعلام کرده از مردم سوریه حمایت کرده و حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه از جمله سوریه، خط‌قرمز آن است.

اردوغان از غافله عقب نماند

اردوغان، رئیس دفتر رهبری ترکیه که حالا خود را کلیددار سوریه می‌داند و تغییر در قدرت را بردی برای آنکارا می‌شمارد هم از غافله عقب نماند و بدون اینکه نامی از ایران و روسیه ببرد، مدعی شد که تنها هدف ما ایجاد صلح، آرامش و ثبات قدرتمند در منطقه با اولویت سوریه است. اردوغان طی سخنانی در نشست حزب عدالت و توسعه در پارلمان ترکیه در آنکارا با اشاره به آخرین تحولات در سوریه تاکید کرد: شاهد مدیریت عالی روند توسط دولت جدید سوریه هستیم. ما نیز به این روند کمک خواهیم کرد. اما بخش دیگری که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته، وقتی بود که اردوغان مدعی شد: نیت کسانی که سه هفته است در سوگ رفتن اسد عزادار شده‌اند از هم‌اکنون برای ما آشکار است.

واکنش ایران به ادعاهای سوریه و ترکیه

روز چهارشنبه و بعد از تنش‌های چراغ‌خاموش میان مقامات سه کشور ایران، سوریه و ترکیه، «فاطمه مهاجرانی» سخنگوی دولت در مورد بازگشایی سفارت ایران در سوریه و تحولات اخیر سوریه گفت: مشخص نیست برخی کشورها به چه شکل و با چه هدف و توجیهی، ناگهان رویکردشان را در خصوص سوریه تغییر دادند. ایران با توجه به عملکرد و سیاست های جریان‌های حاکم بر سوریه، تصمیم‌گیری خواهد کرد. همان‌طور که مستحضرید، درحال حاضر وضعیت سوریه روشن نیست.

گزارش خارجی

شراکت ایران و روسیه عمیق‌تر شده است

رسانه المانیتور با اشاره به محورهای رایزنی بلندپایه اخیر هیات روس با مقامات ایران در سفر به تهران، مطرح کرد که ۲ کشور به رغم پابرجا بودن فشار تحریم‌های غرب، حجم تبادلات تجاری دوجانبه خود را افزایش داده و شراکت آن‌ها نیز با توجه به ملاحظات راهبردی عمیق‌تر شده است.

» سفر هیات بلندپایه روس به تهران برای مذاکره با مقامات ایران در برهه تعیین‌کننده‌ای انجام شده که دو طرف تحت تحریم‌های خارجی قرار داشته و تحولات منطقه باعث شده بیش از پیش به یکدیگر نیاز داشته باشند.

» «ویتالی ساویلف» و «الکسی اووچوک» معاونان نخست‌وزیر روسیه، روز دوشنبه برای رایزنی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و محمدرضا عارف، معاون اول او به تهران رفتند. یکی از موضوعات اصلی در دستورکار آن‌ها وضعیت گسترگاه بین‌المللی شمال-جنوب، مسیری ۷ هزار و ۲۰۰ کیلومتری بود که هدف برقراری اتصال میان روسیه، هند، ایران، جمهوری آذربایجان، آسیای مرکزی و اروپا را دنبال می‌کند.

» سفر هیات بلندپایه روس به تهران برای مذاکره با مقامات ایران در برهه تعیین‌کننده‌ای انجام شده که دو طرف تحت تحریم‌های خارجی قرار داشته و تحولات منطقه باعث شده بیش از پیش به یکدیگر نیاز داشته باشند.

» «ویتالی ساویلف» و «الکسی اووچوک» معاونان نخست‌وزیر روسیه، روز دوشنبه برای رایزنی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و محمدرضا عارف، معاون اول او به تهران رفتند. یکی از موضوعات اصلی در دستورکار آن‌ها وضعیت گسترگاه بین‌المللی شمال-جنوب، مسیری ۷ هزار و ۲۰۰ کیلومتری بود که هدف برقراری اتصال میان روسیه، هند، ایران، جمهوری آذربایجان، آسیای مرکزی و اروپا را دنبال می‌کند.

» سفر هیات بلندپایه روس به تهران برای مذاکره با مقامات ایران در برهه تعیین‌کننده‌ای انجام شده که دو کشور به رغم پابرجا بودن فشار تحریم‌های غرب، حجم تبادلات تجاری دوجانبه خود را افزایش داده و شراکت آن‌ها نیز با توجه به ملاحظات راهبردی عمیق‌تر شده است.

» سفر هیات بلندپایه روس به تهران برای مذاکره با مقامات ایران در برهه تعیین‌کننده‌ای انجام شده که دو طرف تحت تحریم‌های خارجی قرار داشته و تحولات منطقه باعث شده بیش از پیش به یکدیگر نیاز داشته باشند.

» «ویتالی ساویلف» و «الکسی اووچوک» معاونان نخست‌وزیر روسیه، روز دوشنبه برای رایزنی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و محمدرضا عارف، معاون اول او به تهران رفتند. یکی از موضوعات اصلی در دستورکار آن‌ها وضعیت گسترگاه بین‌المللی شمال-جنوب، مسیری ۷ هزار و ۲۰۰ کیلومتری بود که هدف برقراری اتصال میان روسیه، هند، ایران، جمهوری آذربایجان، آسیای مرکزی و اروپا را دنبال می‌کند.

» سفر هیات بلندپایه روس به تهران برای مذاکره با مقامات ایران در برهه تعیین‌کننده‌ای انجام شده که دو طرف تحت تحریم‌های خارجی قرار داشته و تحولات منطقه باعث شده بیش از پیش به یکدیگر نیاز داشته باشند.

» «ویتالی ساویلف» و «الکسی اووچوک» معاونان نخست‌وزیر روسیه، روز دوشنبه برای رایزنی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و محمدرضا عارف، معاون اول او به تهران رفتند. یکی از موضوعات اصلی در دستورکار آن‌ها وضعیت گسترگاه بین‌المللی شمال-جنوب، مسیری ۷ هزار و ۲۰۰ کیلومتری بود که هدف برقراری اتصال میان روسیه، هند، ایران، جمهوری آذربایجان، آسیای مرکزی و اروپا را دنبال می‌کند.

چهره روز

چد توصیه از زبان رئیس‌جمهور

مسعود پزشکیان بعد از ظهر روز چهارشنبه ۵ دی ۱۴۰۳ به منظور انجام سفری دوروزه در قالب سفرهای استانی به خراسان‌شمالی سفر کرد و با حضور در اختتامیه سی‌ویکمین اجلاس سراسری نماز با بیان این که «تک‌تک اذکاری که در نماز می‌گوییم برای من معنای خاصی دارند»، اظهار کرد: صراط‌مستقیم که هرروز در نماز می‌گوییم به چه معنا است؟ اگر این اذکار را هرروز بگوییم و معنای آن را ندانیم چه فایده‌ای دارد؟ و اگر به آن عمل نکنیم چه سودی برده‌ایم؟

» اگر در مدیریت کشورمان متعهد عملکرد خودمان باشیم و با همه براساس انصاف برخورد کنیم یعنی نماز را اقامه کردیم و گرنه اگر شب و روز نماز بخوانیم اما این کارها را نکنیم فایده‌ای ندارد.

» صراط‌مستقیم یعنی دروغ نگوییم، وعده غلط ندهیم، به حق و مال مردم تجاوز نکنیم و براساس عدالت و انصاف عمل کنیم. صراط‌مستقیم یعنی وحدت کنیم، مسلمانان قبایل و قومیت‌ها را کنار بگذارند و همه باهم وحدت کنند تا هدایت شویم.

» تفرقه یعنی عذاب عظیم و راه نجات یعنی ما وفاق و وحدت داشته باشیم و از تفرقه پرهیز کنیم. صراط‌مستقیم یعنی مسلمانان دست به دست هم دهند و تفرقه نکنند و باهم حرکت کنند. در نماز هم که این‌ها را میگوییم و اقامه نماز یعنی باید در جامعه همین حرف‌ها را پیاده کنیم. اما وقتی ما این حرف‌ها را می‌زنیم و به آن عمل نمی‌کنیم و در ضلالت هستیم، مشکلات حل نمی‌شود.

» ضلالت یعنی من تابع نفس باشم، منیت و قومیت و حزب من بر اجرای حق مانع شود. دستور کتاب خدا وقتی اجرا نمی‌شود که من تابع هوای نفس هستم و غیرمنصفانه با مردم و جامعه برخورد می‌کنم. ضلالت زمانی بر ما حاکم می‌شود که حقوق دیگران را نادیده می‌گیریم. نماز می‌خوانیم که این کارها را نکنیم.

» من اگر در جایی مسئول هستم باید مسیر حق را بروم و وقتی وعده دادم عمل کنم و پای حرفی که می‌زنم باشم. ما اگر در مدیریت کشورمان متعهد عملکرد خودمان باشیم و وقتی حرف می‌زنیم جز حق نگوییم و با همه براساس انصاف برخورد کنیم یعنی نماز را اقامه کردیم اما اگر این کارها را نکنیم ولی شب و روز نماز بخوانیم، خواننده و نخواننده آن به نظرم فرقی نمی‌کند.

» باید دست از قومیت و خویشاوندی برداریم و حق را دنبال کنیم و همان می‌شود ملاک و راهی که باید برویم. من به عنوان یک مدیر نمی‌پذیرم از یک کافر و اجنبی عقب‌تر باشم.

همه آنچه باید در مورد رئیس‌دفتر رهبر انقلاب بدانیم

مهسا مژدهی | آیت‌الله محمد محمدی گلپایگانی روز چهارشنبه در مصاحبه‌ای کوتاه با خبرگزاری ایلنا در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه جانبازان از وضعیت اقتصادی کشور و گرانی ارز ناراضی هستند، گفت: در پاسخ به سوال شما باید بگویم که باید توجه داشته باشید ما در وضعیت عادی در کشور نیستیم و سال‌هاست که گرفتار تحریم‌ها هستیم و برای صادرات نفت مشکل داریم و حتی دارو به ما نمی‌دهند. او ادامه داد: این وضعیت سابقه داشته و از قدیم هم همین بوده، اما در شرایط تحریم امروز سر یا ایستاده‌ایم و قدرتمندیم و اگر قدرت نظامی نداشتیم تا الان ما را خورده بودند. رئیس دفتر رهبری تاکید کرد: در این شرایط اقتدار کشور، این مشکلات هم وجود دارد و باآخره مسلمانی خرج دارد و به این سادگی نیست.

این سخنان گلپایگانی که رئیس دفتر رهبر انقلاب است توجه زیادی را به خود جلب کرد. آیت‌الله محمد محمدی گلپایگانی در سال ۱۳۲۲ در گلپایگان متولد شده و از سال ۱۳۶۸ تاکنون ریاست دفتر رهبر جمهوری اسلامی ایران را برعهده دارد. او فرزند ابوالقاسم محمدی گلپایگانی، امام‌جمعه پیشین گلپایگان، است. پس از وقوع انقلاب، گلپایگانی ابتدا مسئول دفتر مشاورت رهبری در پایگاه هوایی ارتش در اصفهان بود و در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ به‌عنوان مشاور دفتر امام‌خمینی در نیروی هوایی ارتش فعالیت می‌کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۹۸ آیت‌الله محمدی گلپایگانی را در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. ناطق نوری در خاطراتش در مورد محمدی گلپایگانی می‌گوید: آقا قبلا در عقیده‌ی سیاسی نیروی هوایی ارتش با ایشان مرتبط بودند و ایشان را خوب می‌شناختند و در عمده سفرهایی که آقا داشتند آقای محمدی گلپایگانی همراه ایشان بودند. از اخلاق و خلقیات ایشان، آشنایی و آگاهی کامل داشتند. اما دلیل اصلی که باعث شد آقا ایشان را به بقیه کاندیداها ترجیح دهند این است که هیچ‌کس نمی‌تواند ایشان را به جناح خاصی نسبت دهد. امروز بعد از ۱۵ سال کسی نمی‌تواند بگوید آقای گلپایگانی متلا چپی است یا راستی؟ اصلا نمی‌شود ایشان را جناحی دانست. بنابراین با توجه به شرایط که از دفتر وجود دارند و مباحثی که در دفتر وجود دارد کسی نمی‌تواند ادعا کند که دفتر خطی برخورد کرده است. بد نیست بدانید یکی از دختران رهبر انقلاب با پسر محمدی گلپایگانی ازدواج کرده است. پیش از این محمد محمدی گلپایگانی در پاسخ به این سوال که چگونه پسر او و دختر آیت‌الله خامنه‌ای ازدواج کردند گفت من نامه کوتاهی خدمت ایشان نوشتم که پسر من چنین خصوصیاتی دارد.

گزارش روز

پیشنهاد ویژه عارف: پارلمان‌های کوچک استانی

طرح قدیمی برای تمرکززدایی از تهران دوباره روی میز قرار گرفته‌است

دیروز معاون اول رئیس‌جمهور حرف‌هایی درباره افزایش اختیارات استان‌ها زده که موافقان و مخالفان آن را به معنای حرکت در مسیر فدرالی‌شدن دولت برداشت کرده‌اند. این موضوع اولین بار پیشنهادی بود که از سمت علی لاریجانی مطرح شده بود. توصیه‌ای که حالا محمدرضا عارف آن را با کلماتی دیگر به زبان آورده. عارف دیروز دقیقا چه گفته است؟

» دیروز اولین جلسه شورای عالی اداری در دولت بود که به این بهانه محمدرضا عارف درباره موضوع جدیدی حرف زد. موضوع محوری این سخنرانی، تاکید او به کاهش تصدی‌گری دولت بوده. موضوعی که دولت‌ها سال‌هاست درباره آن حرف می‌زنند. ادامه بحث به اینجا رسیده که باید بروکراسی های نظام‌اداری را کم کنیم. تصدی‌گری‌های دولت را کاهش دهیم و تمرکز را از دولت بزداییم و به استانداران واگذار کنیم. اینجا بوده که او گفته استانداران در واقع رئیس‌جمهورهای استان‌هایشان هستند. آنها باید پیشنهادهایی به ما بدهند تا دولت چگونه اختیارات خود را واگذار کند. از زبان عارف می‌خوانید که گفته است: «یکی از بحث‌های مهم و جدی، تمرکززدایی است که دولت چهارده‌هم نظرش در این باره است و اگذاری امور اجرایی به استاندار است.»

» ادامه حرف‌های او این بوده: «البته که می‌دانیم مقتضیات هر استان با دیگری متفاوت است و مقتضیات استان مرزی که باید با کشورهای همسایه قرارداد ببندد و مراوده داشته باشد با استانی دیگر در مرکز متفاوت است. از دید دولت چهارده‌هم استاندار در استان باید صاحب رأی و تصمیم باشد و یک پارلمان کوچک در استان شکل بگیرد.» تاکید او بر شکل‌گیری پارلمان‌های کوچک استانی و البته بقیه اظهارات باعث شد که بسیاری از کاربران اصطلاح دولت فدرالی را درباره اظهارات او به کار ببرند.

شهرداری‌ها قانونگذاری کنند، نه مجلس

» عارف همچنین این موضوع را به مجلس و شهرداری هم کشانده و گفته است: «برنامه ما در دولت وفاق، واگذاری امور شهر به شهرداری‌هاست و شورای شهر باید مرجع قانونگذاری شهر باشد، در اولین دوره تشکیل شوراها، امید زیادی به این شیوه به‌وجود آمد که شورای شهر در حدی باشد که برای شهر قانونگذاری کند و نمایندگان مجلس، دیگر دنبال آب و برق و مشکلات شهر و روستای شهر نباشند و ملی فکر کنند اما متأسفانه شرایط بدتر از آن زمان است و شورای شهر در جایگاه قانونگذاری که توقع می‌رفت قرار ندارد.»

» بخش‌های مهم اظهارات دیگر او این بوده است: «مرجعیتی که باید استاندار داشته باشد را شورای نگهبان از وزیر می‌خواهد و وزیر مسئول همه امورات در نظر گرفته شده است که باید مسأله به نحوی حل شود و اکنون زمان مناسبی است که این اختیارات به استان‌ها محول شود.»

» «دولت، در این دوره تا مرزها و دروازه‌های استان می‌آید و از آن به بعد، جز در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی که در دولت تصمیم‌گیری می‌شود، استان خودش تصمیم می‌گیرد.»

» عارف به یک تجربه قدیمی از کوچک‌سازی دولت هم اشاره کرده و گفته است: «در برنامه سوم با وجود توفیقات نسبی در کاهش تصدی‌گری موفق نبودیم، اظهار داشت: موانع قانونی در تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی وجود داشت که امروز خوشبختانه با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ تقریباً همه موانع درمورد کاهش تصدی‌گری از بین رفته و راه باز است.»

پیشنهاد لاریجانی: دولت دو قسم شود

» اظهارات عارف شباهت زیادی با آنچه داشت که علی لاریجانی بیشتر از ۲۰ سال قبل پیشنهاد داده بود. او سال پیش هم در یک دیدار عمومی با کارآفرینان استانی آن موضوع را یادآوری کرد و گفت: «بیست سال پیش ایده‌ای را مطرح کردم و آقایان مخالف بودند، الان هم این نظر را دارم که ایران یک کشور بسیار بزرگ است و نمی‌تواند اینقدر متمرکز اداره شود. متمرکز اداره کردن کشور غلط است و باعث می‌شود نخبگان استانی احساس مشارکت نکنند. مصالح منطقه‌ای را مرکزنشینان به‌خوبی نمی‌دانند و مناطق بهتر می‌دانند. طبق قانون اساسی فعلی وزرا در مقابل رئیس‌جمهور و مجلس مسئولند، بنابراین شما به وزیر بگو اختیارات را بده به استاندار می‌گوید نمی‌توانم. چرا؟ جواب می‌دهد برای اینکه باید پاسخگوی ملت باشم. پس مدیر کل من باید آنجا نظر بدهد. خب مدیر کل هم حرف استاندار را گوش نمی‌دهد می‌گوید من باید پاسخگوی وزیرم باشم. لذا استاندار انقدری که تسلط داشته باشد با شیوخیت مسائل را حل می‌کنند. حرفشان نفوذ ندارد. به نظرمن باید دولت را دو قسم کنیم، یک قسم وزرای ستادی و یک قسم وزرای منطقه‌ای. وزرای منطقه‌ای مسئول چند استان می‌شوند، از مجلس هم رای اعتماد می‌گیرند. مدیران کل هم باید زیر نظرشان باشند. وزرای ستادی هم لازم نیست هم برنامه‌ریز باشند هم تا عمق کشور نظارت اجرایی داشته باشند.»

گلری

۸ مسعود پزشکیان شامگاه سه‌شنبه همزمان با شب میلاد حضرت عیسی بن مریم، به منزل دو شهید مسیحی دوران دفاع‌مقدس کشورمان رفت و با خانم نینا هارطونیانس نخجوان تپه، همسر شهید اوشانوان عیوضیان و خانم هاسمیک میرزایان هارطونیان قره‌چه داغی مادر شهید گالیک طوماتیان دیدار و گفت‌وگو کرد.

۸ هواپیمای مسافربری آذربایجان با ۶۷ سرنشین که از باکو پایتخت آذربایجان به گروزنی در منطقه چچن روسیه در حرکت بود، چهارشنبه ۵ دی ۱۴۰۳ در نزدیکی شهر آکتائو در دریای خزر قزاقستان سقوط کرد. علت سانحه برای هواپیما ظاهرا بر اثر برخورد با دسته‌ای از پرندگان بوده است.

۷ مسابقات کشتی فرنگی بزرگسالان انتخابی تیم ملی، چهارشنبه ۵ دی ۱۴۰۳ با حضور ۳۴ تیم از سراسر کشور در ورزشگاه ۶هزار نفری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی شیراز در حال برگزاری است. این مسابقات تا جمعه ۷ دی ۱۴۰۳ ادامه دارد. عکس از احمدرضا مداح، فارس.

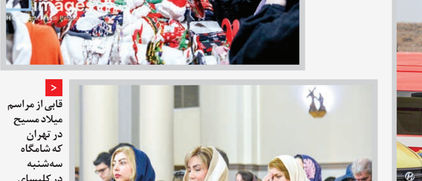

< رونق بازار وسایل کریسمس در خیابان میرزای‌شیرازی پایتخت. عکس از محمدمهدی پورعرب، ایرنا.

< قابی از مراسم میلاد مسیح در تهران که شامگاه سه‌شنبه در کلیسای گریگور مقدس ارامنه و حضرت یوسف کاتولیک کلدانی برگزار شد. عکس از ژوانا ابدیان، ایرنا.

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

» **جبهه پایداری در مورد رفع فیلتر به پزشکیان چه نوشت؟** گزیده نامه جبهه پایداری به رئیس‌جمهور را بخوانید: دشمنان انقلاب اسلامی و محور مقاومت و همچنین عده‌ای خودفروخته داخلی در طول همه این سال‌ها همت خود را بر تضعیف روحیه و شکست جبهه مقاومت و ملت عزیز ایران قرار داده‌اند و از آن مهم‌تر، در صدد تأثیر بر دستگاه فکری و محاسباتی مسئولان ارشد نظام جمهوری اسلامی از جمله جنابعالی هستند و در این راستا تلاش دارند تا با ارائه تحلیل‌های ناامیدکننده ابتدا مقاومت را در سطح تصمیم‌گیران دچار تزلزل نموده و در ادامه کمر این را بشکنند. اصرار آنها بر آزادی بدون قید و شرط سکوهای خارجی در فضای مجازی کشور نیز همین هدف را دنبال می‌کند و این در حالیست که در خود کشورهای غربی هم فعالیت آن سکوها بدون قید و شرط و بدون اعمال حکمرانی و نظارت دولت‌ها امکان‌پذیر نیست. تجربه تاریخی و آموزه‌های دینی ما بر این نکته تأکید دارند که تنها راه پیروزی بر دشمن مقاومت و ایستادگی است و هزینه‌های سازش نسبت به هزینه‌های مقاومت به مراتب بالاتر است. چنانکه آن را در تابلوی عبرت تحولات امروزی سوریه مشاهده می‌کنیم. بنابراین از جنابعالی که آشنای به مبانی فکری امیرالمومنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه هستید، انتظار می‌رود که کشور را تحت تأثیر غرب‌گرایانی که در صدد درگیر کردن دولت و ملت در یک پروسه بی‌نتیجه هستند، گرفتار نکنید و اجازه ندهید با افتادن در دام مذاکرات فرسنت‌سوز با رئیس‌جمهور و مشکلات کشور، به‌ویژه مشکلات معیشتی مردم از دست برود. همانگونه که در این یکصد سال اخیر شاهد بودیم غرب و آمریکا به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند و دولت‌های یاوند و ترامپ در این جهت تفاوتی نمی‌کنند. تجربه دولت‌های گذشته حکایت از این دارد که اعتماد به غرب بی‌فایده است و مذاکره برای مذاکره، جز معطل کردن ظرفیت‌های کشور و به تاخیر انداختن در رفع موانع و حل مشکلات مردم، هیچ سودی برای کشور و مردم ندارد. بنابراین باید مذاکره در شرایطی انجام شود که افق روشن برای احقاق حقوق ملت ایران در آن دیده شود. وزیر کار آمدن ترامپ تکرار همان دوران سیاه حاکمیت او بر آمریکا و پاره کردن تعهدات قبلی است. بنابراین اتفاق جدیدی در حال وقوع نیست و باید برای پیشرفت کشور از ظرفیت‌های موجود کشور و منطقه و کشورهای همسو و مستقل جهان بهره برد.

» سعاد علاوه بر ریاست‌جمهوری، رئیس شورای عالی امنیت ملی هستید و باید برای پاسخ به تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک این کشور و انتقام خون شهدای پدافند هوایی که توسط صهیونیست‌ها و با پشتیبانی آمریکایی‌ها به شهادت رسیده‌اند، اقدام کنید. لذا انتظار می‌رود که به جای اسناد پیام یأس و ضعف، از موضع قوت و با اتکال به قدرت لایزال الهی خون‌خواه شهیدان راه قدس باشید. (انتخاب)

» **نظر سعید جلیلی درباره اعتراضات سال ۱۴۰۱؟** گزیده سخنان سعید جلیلی در هشتاد و دومین جلسه حکمت سیاسی اسلام در قرآن:

در دو سال گذشته به ویژه در سال ۱۴۰۱، یکی از شعارهای مهمی که دشمن بر روی آن تمرکز داشت، ادعای طرفداری از زن بود. علت این عملکرد غربی‌ها نسبت به قضایا تا سال ۱۴۰۱ در کشورمان و تمرکز آن‌ها بر روی مسئله زن و حقوق زن را می‌توان ضعف آن‌ها نسبت به این مسئله و قوت اندیشه اسلام و انقلاب اسلامی در مسئله زن دانست. امروز تمدن غرب در بسیاری از موضوعات و به خصوص مسئله زن، به بن‌بست رسیده است و مشخص شده که این تمدن، حقوق زنان را نادیده گرفته و کرامتشان را مکوب می‌کند.

» کتاب «امپراطوری توهم» که توسط یک نویسنده آمریکایی نوشته شده است، عنوان می‌شود که آنچه به عنوان حقوق زن در کشورهای غربی مطرح می‌شود، توهمی بیش نیست. به عنوان مثال، کشور سوئیس که به عنوان یکی از کشورهایی که تجسم تمدن غرب است و چنین ادعاهایی را به خوش‌بینی کرده که یکشنبه در مجلس شورای اسلامی ایران تایید شد. مسکو امیدوار است که با اجرایی‌شدن این توافق، سالانه ۳۰۰ میلیون دلار در تعرفه‌های گمرکی خود صرفه‌جویی کند.

» شراکت تهران و مسکو به واسطه برخی محاسبات راهبردی، عمیق‌تر شده و موجب تقویت همکاری‌های نظامی آن‌ها شده است.

» **چد توصیه از زبان رئیس‌جمهور** روز چهارشنبه و بعد از تنش‌های چراغ‌خاموش میان مقامات سه کشور ایران، سوریه و ترکیه، «فاطمه مهاجرانی» سخنگوی دولت در مورد بازگشایی سفارت ایران در سوریه و تحولات اخیر سوریه گفت: مشخص نیست برخی کشورها به چه شکل و با چه هدف و توجیهی، ناگهان رویکردشان را درخصوص سوریه تغییر دادند. ایران با توجه به عملکرد و سیاست های جریان‌های حاکم بر سوریه، تصمیم‌گیری خواهد کرد. همان‌طور که مستحضرید، درحال حاضر وضعیت سوریه روشن نیست.

» **محکوم شدند!** احکام پرونده فساد مالی فرزندان معاون اول سابق قوه قضائیه صادر شد.

پس از برگزاری جلسات دادگاه رسیدگی به اتهامات فرزندان معاون اول سابق قوه قضائیه به ریاست قاضی فرخ نیا که از اسفند سال ۱۴۰۲ آغاز شده بود، رأی نهایی متهمان این پرونده صادر شد. در این دادگاه به اتهام ۲۸ تن از متهمان این پرونده از جمله دو تن از فرزندان معاون اول قوه قضائیه به اتهام تشکیل شبکه اعمال نفوذ و پولشویی در پرونده‌های کلان اقتصادی رسیدگی و برای ۲۵ نفر از آنها حکم صادر شد که احکام متهمین اصلی پرونده به شرح زیر است:

ا. م به اتهام‌های سوءاستفاده از روابط خصوصی، اعمال نفوذ غیرقانونی، مشارکت در موجبات ارتشا و پولشویی در چندین پرونده، به مجموعا ۱۷ سال و ۹ ماه حبس تعزیری، ۸۲۵ میلیون جزای نقدی محکوم شد. م.م بابت سوءاستفاده از روابط خصوصی و مشارکت در اقفره پولشویی، مجموعا به ۸ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

م.ح نیز به دلیل سوءاستفاده از روابط خصوصی و مشارکت در پولشویی در پرونده‌های بزرگ، به مجموعا ۱۳ سال و ۹ ماه حبس تعزیری، پرداخت بیش از ۱۱۴ میلیارد تومان جزای نقدی و مصادره اموال شامل ارز، سکه و خودرو لوکس محکوم شد. بر اساس کیفرخواست ارائه‌شده در دادگاه، در این پرونده متهمان مجموعه‌ای را برای اعمال نفوذ بر پرونده‌های قضایی از جمله پرونده‌های کلان اقتصادی تشکیل داده بودند و با سوءاستفاده از افراد صاحب‌منصب، در ازای اعمال نفوذ در پرونده‌ها، وجوه کلانی به صورت ارز و سکه دریافت می‌کردند. یکی از موارد اتهامی در پرونده فرزندان، معاون اول سابق رئیس‌قوه‌قضائیه مربوط به سوءاثر در ماجرای واگذاری ورزشگاه شهدای قیطریه به یک برج‌ساز معروف در تهران بوده که سهم فرزندان معاون اول سابق قوه، ۲۰ درصد یعنی معادل ۱۴۰ میلیارد تومان بود. یکی دیگر از موارد اتهامی مهم این پرونده، اعمال نفوذ در پرونده ابر بدهکار بانکی سخن به میان می‌آید.

جلیلی گفت: در کنار این مباحث، باید توجه داشت که این توجه غربی‌ها به مسائل زنان، در شرایطی اتفاق افتاد که این کشورها پس از دو جنگ جهانی، برای پیشرفت صنعتی و اقتصادی خود، نیاز به نیروی کار بیشتری داشتند و به بهانه حقوق زنان، آن‌ها را وارد فضای کار کردند و این نگاه ابزاری به زن در غرب، تا به امروز ادامه داشته است.

گاهی مشاهده می‌کنیم که برخی ادعای ایمان دارند اما در برخی از مباحث، مقهور غربی‌ها می‌شوند! امروز تمدن غرب نگران است که اندیشه اسلام بتواند با الگوهایی که ارائه می‌دهد، بنیان‌های غلط آن‌ها در موضوعات مختلف را به چالش بکشد.

» **فرزندان معاون اول قوه قضائیه به ۲۵ سال حبس محکوم شدند!** احکام پرونده فساد مالی فرزندان معاون اول سابق قوه قضائیه صادر شد.

پس از برگزاری جلسات دادگاه رسیدگی به اتهامات فرزندان معاون اول سابق قوه قضائیه به ریاست قاضی فرخ نیا که از اسفند سال ۱۴۰۲ آغاز شده بود، رأی نهایی متهمان این پرونده صادر شد. در این دادگاه به اتهام ۲۸ تن از متهمان این پرونده از جمله دو تن از فرزندان معاون اول قوه قضائیه به اتهام تشکیل شبکه اعمال نفوذ و پولشویی در پرونده‌های کلان اقتصادی رسیدگی و برای ۲۵ نفر از آنها حکم صادر شد که احکام متهمین اصلی پرونده به شرح زیر است:

ا. م به اتهام‌های سوءاستفاده از روابط خصوصی، اعمال نفوذ غیرقانونی، مشارکت در موجبات ارتشا و پولشویی در چندین پرونده، به مجموعا ۱۷ سال و ۹ ماه حبس تعزیری، ۸۲۵ میلیون جزای نقدی محکوم شد. م.م بابت سوءاستفاده از روابط خصوصی و مشارکت در اقفره پولشویی، مجموعا به ۸ سال حبس تعزیری محکوم شده است.

م.ح نیز به دلیل سوءاستفاده از روابط خصوصی و مشارکت در پولشویی در پرونده‌های بزرگ، به مجموعا ۱۳ سال و ۹ ماه حبس تعزیری، پرداخت بیش از ۱۱۴ میلیارد تومان جزای نقدی و مصادره اموال شامل ارز، سکه و خودرو لوکس محکوم شد. بر اساس کیفرخواست ارائه‌شده در دادگاه، در این پرونده متهمان مجموعه‌ای را برای اعمال نفوذ بر پرونده‌های قضایی از جمله پرونده‌های کلان اقتصادی تشکیل داده بودند و با سوءاستفاده از افراد صاحب‌منصب، در ازای اعمال نفوذ در پرونده‌ها، وجوه کلانی به صورت ارز و سکه دریافت می‌کردند. یکی از موارد اتهامی در پرونده فرزندان، معاون اول سابق رئیس‌قوه‌قضائیه مربوط به سوءاثر در ماجرای واگذاری ورزشگاه شهدای قیطریه به یک برج‌ساز معروف در تهران بوده که سهم فرزندان معاون اول سابق قوه، ۲۰ درصد یعنی معادل ۱۴۰ میلیارد تومان بود. یکی دیگر از موارد اتهامی مهم این پرونده، اعمال نفوذ در پرونده ابر بدهکار بانکی

مورد پرونده

چه کسی گفته سیلی زدن آدم نمی‌کشد؟

برخی متهمان که نام قاتل روی پیشانی‌شان جا خوش کرده فقط با زدن یک سیلی آدم کشته‌اند

فاطمه شیخ‌علیزاده | نام قاتل شاید در ذهن خیلی‌ها با تصویر یک آرادل قدزاره کش خیلی خطرناک را تداعی کند اما حقیقت این است که بسیاری از کسانی که با اتهام قتل در بند هستند، افرادی معمولی هستند از جنس خود ما!

همین کسانی که با یک اتفاق ساده از کوره در رفته‌اند و نتوانسته‌اند جلوی خشمشان را بگیرند. غافل از اینکه وارد کردن یک سیلی هم می‌تواند جان یک انسان را بگیرد و مهر قتل روی پرونده قضایی بنشاند.

سیلی مرگبار به مرد معتاد در کمپ ترک اعتیاد اوایل شهریور سال ۱۴۰۲، ماموران حراست یکی از بیمارستان‌های پایتخت در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت از مرگ مرد جوانی خبر دادند که مدرک شناسایی به همراه نداشت. در بررسی‌های بعدی مشخص شد افرادی که مرد جوان را به بیمارستان منتقل کرده‌اند کارکنان کمپ ترک اعتیادی در غرب پایتخت هستند.

در تحقیق از کارکنان کمپ، هویت مرد جوان به نام هوشنگ به دست آمد و آنها مدعی بودند که مرد جوان برای ترک به کمپ منتقل و حالش وخیم شده و او را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. طولی نکشید که متخصصان پزشکی‌قانونی اعلام کردند هوشنگ بر اثر ضرب‌وجرح و جراحات وارده جانش را از دست داده است.

تحقیقات تیم جنایی نشان می‌داد هوشنگ که اعتیاد به موادمخدر داشته توسط همسایه‌ها برای ترک به کمپ منتقل شده است. یکی از افرادی که در کمپ بستری بوده نیز به ماموران گفت: هوشنگ روز حادثه، روی تخت فرد دیگری خوابید که این موضوع باعث شد آنها به نام سیدا در حالی که چاقو در دستش بود از من خواست داخل ماشین او برویم و صحبت کنیم. داخل ماشین درباره خواهرم حرف زد که ناگهان پدرم رسید و با او درگیر شد. آنجا بود که تازه

دستور زبان عشق

پایانِ شبِ من باش، چون جای درنگی نیست
جز عشق برای ما، پایانِ قشنگی نیست..!

سید مهدی موسوی

پیامبر صلی الله علیه و آله:

اَلذَّنبُ شومٌ عَلي غَيرِ فاعِلِه اِن عَيَّرَهُ اِبتُلِيَ بِهِ وَاِن اَغتابَهُ أثِمَ وَاِن رَضِيَ بِهِ شارَكَهُ

گناه براي غير گناهكار نيز شوم است، اگر گنهكار را سرزنش كند به آن مبتلا مي‌شود، اگر از او غيبت كند گنهكار شود و اگر به گناه او راضي باشد، شريك وي است.

نهج الفصاحه ص ۴۹۳، ح ۱۶۲۳

واگویه‌های انتظار

جالب است / ثبت احوال
همه چیز را / در شناسنامه‌ام نوشته است
بجز احوال‌ام!

حسین پناهی

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۴۱ | طلوع خورشید ۱۲:۰۷ | اذان ظهر ۱۲:۰۶ | غروب خورشید ۱۶:۵۷ | اذان مغرب ۱۷:۱۷

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۹۵۰ | پنجشنبه | ۶ دی ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

وقتی فاتح هور را شناختم...

درباره علی هاشمی و ضررهای ورزش برای سلامتی و ارزش درخت و گلادیاتور ۲

۱ امروز روایتی را شـنیدم از علی هاشمی. عنوانش فاتح هور اسـت. او معمـار فتح جزایر مجنون در سـال ۱۳۶۳ بود و بعدها در سـال ۱۳۶۷ در جریان حمله عراق برای بازپس گیری جزایر مفقودالاثر می‌شود و سال‌ها بعد در سال ۱۳۸۹ پیکرش به ایران بازگردانده می‌شود. چه جوان‌هایی. چه جوان‌هایی. چه جان‌هایی.

۲ قرار بود گزارش صفحه یک درباره برخی ورزش‌ها به شکل تخصصی به عوارض ۵ ورزش پرطرفدار بپردازد. راسـتش متنـی را خواندم درباره عوارض بی‌پایـان ورزش کوهنوردی که از یک سـن به بعد غیرقابل کنترل می‌شـوند. نکاتی را هم قبلا خوانده بـودم درباره عوارض ورزش یوگا بخصوص در اعضایـی از بدن مثل لگن و گردن، دوست پزشکم بارها به من گفته بود که دونده‌هایی که هر روز خودشان را ملزم به دویدن‌های طولانی و بالای چهار پنج کیلومتر می‌کنند همیشـه با عوارضی روبه‌رو هسـتند که آنها را راهی فیزیوتراپی و ارتوپدی می‌کند. دوستانی دارم که مدام عوارض سخت اسکی را به من یادآور می‌شـوند و این که هردوسال یک بار با شکستگی و پیچ خوردن و این طور عوارض دست به گریبانند، دوست پزشک دیگری دارم که پرونده‌ای بلندبالا دارد از عواقب بدنسازی‌های باشگاهی برای آماتورها و دیسک کمر و سیاتیک که عین نقل و نبات بین ورزشـکاران این رشته توزیع می‌شود.

یکی دیگر از دوسـتان پزشـکم به جد معتقد اسـت ورزش در حال حاضر بزرگ‌ترین دشمن سلامتی در ایران است!

۳ من می‌فهمم که این همه حساسیت روی سـگ و گرگ و خرس و پلنگ هسـت ولی در مورد درختان این شگفت‌انگیزترین پدیده‌های خلقت این قدر سـهل‌انگارانه برخورد می‌شود. مدام درخت قطع می‌شود و از جا کنده می‌شود و کسی هم پاسخ چندانی نمی‌دهد. دیروز فیلم دلخراشی از نابودی یک سرو کهنسال در استان البرز دیدیم که دلخراش بود.

۴ فیلم گلادیاتور ۲ را دیدم. نقش قهرمان فیلم و جانشـین راسـل کرو را اندرو مسکال بازی می‌کند امـا چهره اصلی و جـذاب فیلم مطمئنا پـدرو اسـکال در نقش یک سـردار رومی اسـت. از فیلم بد زیاد شـنیده بودم اما جذاب بود و به راحتی می‌تواند شـرایط پخش از پلتفرم‌های عمومی نمایش فیلم را در کشور داشته باشد.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا... بنـده در مـورد آشـپزی، صاحب این ادعا هسـتم که هِر رو از بِر تشـخیص نمیدم و عموما بـرای جلوگیری از تلف شـدن، مزاحم رسـتوران‌های اطراف میشـم و به دلیل این مزاحمت‌هـای هـر روزه، رسـتوران‌های اطـراف، بنده رو بهتـر از هر کسـی در جهان می‌شناسن. علی‌الخصوص یکیشون که خیلی مزاحمش میشـم، بنده رو به عنـوان عضوی از خونـواده‌ش پذیرفته. دیگه سـلام علیک و احوال پرسـی‌های مـن با متصـدی گیرنده سفارش غذا، فراتر از یک مشتری عادیه و آمار ورودی خندق بلای بنده رو ریز بـه ریز داره... مثلا اگر بـرای تنوع یـه روز به جـای پیتزا، هـوس چلوکبـاب بکنـم، فـرداش باید به ایشـون جواب پس بدم و همین که شـماره من رو می‌بینه، گوشـی رو برمیـداره و میگه: - «به به... آقاااا... غیبت داشتی. دیروز و پریروز چی خوردی؟» / «هسـتم در خدمتتون. خونه نبودم. جایی مهمون بودم.» / «ا... هر دو روز رو؟» / «بله دیگه... شرمنده در جریان نذاشتمتون.» در زندگـی‌ام فقـط به ایشـون جـواب پس نمـی‌دادم کـه کجـا رفتـم و کِـی اومدم کـه اون هـم بـه تقدیـرم اضافـه شـده. حـالا این‌ها مشـکلی نیسـت. بالاخـره یه جوابی بهـش میدم و میگذره. خیلی سـخت نیسـت، عـادت دارم... مشـکل اونجایی به وجـود میاد کـه سـفارش غیر عـادی بدم. مثـلا چنـد روز پیـش، زنـگ زدم و گفتم: - «آقا مخلصیم... دو تا پیتزا پپرونی یه نفره لطف می‌کنی؟ فقط سـریع اگه ممکنه...» / «اوهو... اوهو... چی شده؟» / «عرض کردم دو تا پپرونی یه نفره.» / «به‌به... به سلامتی. دو تا؟ آقا تبریک... آقا تبریک...» / «آقا... یکی از دوسـتان مهمانم هسـتند.» / «بله قربااان... آدم برای دشمنش که پپرونی سفارش نمیده. ما هم می‌دونیم برای یکی از دوستانه. آقا مبارکه... فقط توروخدا ما رو فراموش نکنی‌ها. هفته‌ای یه بار هم که شده لااقل یه زنگ به ما بزن حالمونو بپرس.» / «چی میگی بابا... من...» / «دیگه از این به بعد غذای خونگی و قرمه سـبزی و قیمه و کرفس واینا. دیگه کی میاد سراغ پیتزا... دیگه کی همبرگر میخوره؟ والا...» / «آخـه اصـلا...» / «الان دو تا پپرونی میدم بهتون قربااان... چششش... چششش... بازم تبریک میگم. خوشبخت بشین.» / «آخه اصلا این دوست من، کلا پسـره... الو؟... الو؟...» فرداش کـه زنـگ زدم و یک عـدد همبرگر خواسـتم، با یـک لحـنِ شـاکی‌ای گفت: - «ا... بـه هم خـورد؟» / «جان؟...» / «نشـد. نه؟» / «چی؟...» / «تو اصلا این کاره نیسـتی بابا. الان می‌فرسـتم برات...» / «الو؟... الو؟...» اما مصیبـت اصلـی امـروز رقم خـورد که سـه نفر از دوسـتانم تشـریف آورده بودن... - «آقا مخلصیم. دو تا پپرونی، دو تا مخصوص. نوشـابه هم که لطف میکنی.» / «یا خدااا... یا خدااا... » / «با منی؟» / «با ننه باباش اومده؟» / «جان؟... با من داری صحبت می‌کنی؟» / «آخه بیکار بودی خودتو گرفتار کردی؟ تو این وانفسا... با این قیمت‌ها... حالا شاکی‌ان یا اوضاع ردیفه؟» / «آقا این سفارش منو ثبت می‌کنی بالاخره یا نه...» / «الان می‌فرستم... یا خدااا... یا خدااا...» خلاصه از موقعی که دوسـتام رفتن، نشستم پای اینترنت وشروع کردم به یاد گرفتن فنون هنر آشـپزی. ولی هر چی جلوتر رفتم، بیشتر نفهمیدم و بیشـتر مطمئن شـدم که اینکاره نیستم... بالاخره بعد از فکر کردن‌های بسیار، به این نتیجه رسیدم که رستوران رو عوض کنم.

قصه های گمشده - ۱۰۰ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

آرش خوشخو

بازرگانان، روحانیت و ماجرای تنباکو

نهضت تنباکو را به‌عنوان اولین ضرب شسـت روحانیت و مردم به نظام سلطنتی و استعمار در تاریخ، ثبت کرده‌اند. در کلیات امر هیچ مشکلی وجود ندارد. حقیقت اسـت که روحانیت ایران به‌خصوص مراجع به رهبری آیت‌الله میرزا رضا شیرازی بلایی به سـر انحصارگرایان انگلیسی آوردند که هم دولت و هم نمایندگان انگلیس را سراسیمه ساخته بود. انگلیسی‌ها نمی‌توانستند این حد از نفوذ روحانیت بـر توده‌های مردم را ارزیابی کنند. چهل سـال بود که از بسیج مردم برای جنگ ترکمانچای توسط روحانیت گذشته و آن ماجرا که خب پایان خفت‌باری هم داشت از حافظه تاریخی صاحب‌نظران محو شده بود و در نتیجه این حجم از بسـیج توده‌های مردم بر اثر فتوای یک روحانی برایشان غیرمنتظره بود. معروف است که حتی در دربار ناصری هم، زنان حرمسرا قلیان‌ها را به فرمان میرزا رضا شکسته بودند.

اما این داستان عجیب و شورانگیز یک عقبه‌ای دارد که شاید به این اندازه طربناک نباشد.

ناصرالدین شـاه در سال ۱۲۶۸ شـروع کرد به واگذاری امتیازات متعدد به انگلیسی‌ها. سرگرد تالبوت با تشویق لرد سالیسبوری شرکت رژی را تاسـیس کرد و حق انحصـار تنباکوی ایران را به‌دسـت آورد. اما این اولین سری امتیازات انحصاری ایران به انگلیس نبود. ۱۹ سـال قبل هم دولت ناصری برای تامین کمبود بودجه سفر به اروپا قراردادهای انحصـاری درباره تلگراف، خط‌آهن، جنگل‌ها، معـادن و این‌طور چیزها را به بارون دو رویتر، تاجر یهودی مشـهور واگذار ساخته بود. قراردادهایی بسـیار کلان و بسیار بی‌شرمانه و بسیار وسیع‌تر که خب در آن سال‌ها با واکنش خاصی از سـوی مـردم و روحانیت روبه‌رو نشده بود.

چه شد که انحصار تنباکو این‌طوری مردم و علما را به خشـم آورد؟ به این دلیل که در ذیل تاریخ رسمی و اشـاره به واکنش سـخت روحانیت و مردم، عامدانه از یک طبقه بسیار موثر آن دوران ایران چشم‌پوشـی شـده و آن طبقه بازرگانان و بازاریان بوده اسـت. این درحالی اسـت که قرارداد تالبوت به زارعین وعده خرید عادلانه و پرداخت‌های نقدی را نوید می‌داد. یادمان باشد که توتـون و تنباکو از مهم‌تریـن اقلام تجاری و صادراتی ایران بود و حـدود ۲۰۰هزار نفر به کشـت، خرید و فروش آن اشـتغال داشتند. با این حال بازرگانان ایرانی اولین مخالفان عمده این مسئله بودند. به‌خصوص تاجرانی که نسب آذری داشتند و سال‌ها به تجارت با روسیه تزاری مشغول بودند. «نخستین اعتراض‌ها را تاجران دخانیات آغاز کردند که تجارتشان مستقیما در معرض تهدید کمپانی رژی بود. در آغاز عده‌ای از بازرگانان به همراه امین‌الدوله نزد شاه رفتند و به انحصار تجارت تنباکو اعتراض کردند. همچنین در ماه مارس (اسفند/فروردین) ۱۸۹۱م/۱۲۶۹ ش، ضمن دادخواستی خطاب به ناصرالدین‌شاه اعلام کردنـد که حاضرند مبلغـی بیش از حق امتیاز بابت مالیات به او بپردازنـد و او امتیاز را لغو کند. روز ششـم مارس (۱۵ اسفند) تاجران توتون و تنباکو در حرم شـاه‌عبدالعظیم بست نشستند و طی دادخواستی اعلام کردند به هیچ عنوان با رژی کنار نخواهنـد آمد. این اعتراض موجب شـد که دولت به انگیزه دلجویی از آنان مهلت شـش‌ماهه‌ای برای فروش ذخایر توتون و تنباکوی تاجران قائل شود. با این حال مهلت فوق نیز نمی‌توانست خسارات ناشی از واگذاری امتیاز را جبران سازد. در این بین روس‌ها نیز که در منطقه ساوجبلاغ به کشـت تنباکو اشتغال داشـتند به امتیاز فوق اعتـراض کردند و آن را ناقض عهدنامه ترکمانچای خواندند و خواستار لغو آن یا عقد قرارداد مشابهی شدند.

اعتراضات بازرگان‌ها اوج گرفـت. اما تیرآخر را محمدکاظم ملک‌التجار، بازرگان اصالتا تبریزی و پسـر ملک‌التجار اصلی که ناجی سـلطنت ناصرالدین‌شاه بود، شلیک کرد. او به بیت آیت‌الله میرزارضا شیرازی می‌رود و او رادر جریان ماجرا می‌گذارد و اعتراضاتی کـه در تهران و اصفهان و تبریز از سـوی برخی علما شـکل گرفته بود. پافشـاری محمدکاظم ملک‌التجـار منجر به یک تلگرام هشدار ازسـوی میرزا رضا می‌شود. ناصرالدین‌شاه از کارپرداز ایران در بغداد خواست تا میرزا را نسـبت به قرارداد توجیه نماید. وی برای جلب‌نظر میرزا دلایلـی از این قبیل ارائه نمود: ضـرورت نزدیکی به دول بـزرگ برای رهایی از روسـیه تزاری، لـزوم تقویت بودجه و قشـون، ترمیم مالیات‌ها و بازتـاب نامطلوب فسـخ قرارداد نزد جهانیان. اما میرزا در پاسخ، ضمن رد توجیهات مذکور بر ایـن نکته تأکید نمود که باید فقط به نیروی ملت مسلمان تکیه کرد و سپس تهدید نمود که اگر دولت از عهده برنمی‌آید من به خواست خدا آن را برهم می‌زنم و سـپس فتوای تحریم تنباکو از سوی او صادر می‌شود. به دستور میرزا محمدحسن آشتیانی این فتوا در تهران و دیگر شهرها تکثیر و منتشر شد و حتی اندرون حرم شاه نیز استعمال آن را حرام دانسـتند. تهدید و ارعاب مأموران رژیم سودی نبخشید، حتی دولت شایع کرد که فتوا مجعول است، اما این ترفند نیز مؤثر نبود. شاه دو هفته پس از صدور حکـم تحریم، الغای انحصار داخله توتون و تنباکو را اعلام داشت.

سایت‌نگار

مقایسه توله شیر و پیروز، پیشتازی آنورا و ماجرای کودکان بابلی

هفته پیش بود که حمید یاری رئیس سازمان لیگ کشتی اعلام کرد که تیم کشتی آزاد سایپا در حالی عنوان قهرمانی لیگ برتر کشتی ایران را کسـب کرده که در مجموع برای دو مسابقه نیمه‌نهایی و فینال به زائوربک سیداکوف، شامیل ممدوف و ابراهیم کادیف در مجموع ۴۸ هزار دلار (تقریبا ۳.۷ میلیارد تومان) پرداخت کرده تا قهرمان جهان و المپیک گرانترین کشتی گیر لیگ باشد. حالا و پس از گذشـت یک هفته مبلغ قرارداد کامران قاسم پور ستاره ایرانی کشتی آزاد برای لیگ برتر فاش شده و او را بدل به گرانترین کشتی گیر لیگ کرده.

قرارداد کامران قاسمپور با باشگاه ستارگان ساری برای حضور در لیگ برتر، ۳.۵ میلیارد تومان برای یک مسابقه بوده اما در نهایت در دو مسـابقه برای این تیم شرکت کرده تا در مجموع به ازای هر دقیقه، دریافتی ۲۹۱ میلیون تومانی داشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کامران قاسمپور کشتی گیری بوده که برای یک مسـابقه ۳.۵ میلیارد تومان درخواست کرده و با این مبلغ هم با تیم ستارگان ساری به توافق رسـید. البته کامران قرار بود یک کشتی بگیرد اما به درخواست کادرفنی تیم ستارگان ساری در مسابقه دوم روی تشک رفت. با این حال باید او را به خاطر دریافت این ۳.۵ میلیارد تومان گران‌ترین کشتی گیر لیگ دانست.

خبرگزاری آسوشیتدپرس چهارشنبه گزارش کرد که در پی سقوط یک هواپیمای مسافربری جمهوری آذربایجان در شـهر آکتائو قزاقستان، تاکنون دسـت‌کم ۳۲ نفر از ۶۷ سرنشین آن جان سالم به در برده و احتمالاً بیش از ۳۰ نفر کشته شده‌اند.

به گزارش خبرآنلاین به نقل از ایرنا، وزارت امور اضطراری قزاقستان اعلام کرد که سرنشینان هواپیما شامل پنج خدمه بوده و دستکم ۲۹ نفر در بیمارستان بستری شده‌اند.

خبرگزاری روسی اینترفکس به نقل از امدادرسانان گزارش داد که چهار جسد پیدا شده و طبق ارزیابی‌های اولیه هر ۲ خلبان در این سانحه جان باختند. شرکت هواپیمایی آذربایجان پیش‌تر اعلام کرده بود که هواپیمای امبرائر ۱۹۰ در سه کیلومتری آکتائو ناچار به فرود اضطراری شده بود. وزارت امور اضطراری قزاقستان در ابتدا اعلام کرد که ۲۵ نفر از سقوط هواپیما جان سالم به در برده‌اند، اما سپس و با ادامه عملیات جستجو و نجات در محل سقوط، تعداد قربانیان احتمالی کاهش یافت و تعداد نجات یافتگان را به ۲۷، ۲۸ و سپس به ۲۹ نفر تغییر داد.

جمهوری اسلامی نوشت: برای مدت چند سال، ویزاهای بی‌حساب و کتاب روزانه چند هزار برای آنها صادر می‌شد، مرزها به رویشـان باز بودند، همه‌گونه تسهیلات در داخل ایران برایشـان فراهم بود، علیرغم تهدیدهای امنیتی-اجتماعی که برای جامعه فراهم می‌کردند و می‌کنند از بیشترین حمایت‌های رسمی برخوردار شـدند و عده‌ای نیز مأمور تطهیر گروه تروریسـتی تکفیری طالبان شـدند و قلم‌ها و زبان‌های خود را برای تنزیه این گروه به‌شدت متحجر و ضدایران به‌کار گرفتند. عجیب‌تر اینکه تطهیرکنندگان طالبان، هشـداردهندگان نسـبت به خطر قدرت گرفتن این گروه تروریستی در مرزهای شـرقی کشورمان را متهم به جنگ‌طلبی کردند و خواستار بستن زبان‌ها و شکستن قلم‌هایشان شدند!

از این‌ها عجیب‌تر اینکه عده‌ای کاتولیک‌تر از پاپ، برای توجیه افکار نادرسـت و رفتار خلاف خود، به اسلام متوسل شدند و با تفسـیر انحرافی بعضی تعالیم قرآنی و فقهی و اعتقادی دین خدا، اعلام کردند سرزمین‌های اسلامی متعلق به همه مسلمانان است، مرزها بی‌معنا هستند، مهاجرت یک فرمان قرآنی است و کسی حق ندارد به مردم کشورهای دیگران بگوید وارد ایران نشوید و یا موظف هستید فلان مقررات را رعایت کنید.

اخیراً هم امام جمعه یکی از شهرها [کاشان] با تکرار همین سـخنان بی‌مبنا، آتش تند اتباع غیرمجاز افغانستان را تندتر کرده و کار به جایی رسیده که بعضی از این افراد با صراحت اعلام می‌کنند ما ایران را متعلق به خودمان می‌دانیم، در هر نقطه‌ای از ایران لازم بدانیم سـکونت می‌کنیم، کار و شغل مناسب هم باید در اختیارمان گذاشته شود و از تمام امتیازات و خدمات هم باید برخوردار باشیم. آنها برخلاف اتباعی که وقتی به کشورهای دیگر می‌روند مجرد هستند و حق ندارند اعضـای خانواده‌های خود را به آنجا ببرند، تمام فامیل خـود اعم از زن و فرزند و پسرعمه و دخترخاله و حتی همسایه‌های خود را به ایران می‌آورند و در اینجا هم تا می‌توانند زاد و ولد می‌کنند و در مواردی زایشگاه‌ها را دربست به تصرف خود درمی‌آورند و در حال شکل دادن به بزرگ‌ترین قومیت در ایران هستند. عجیب اسـت که طرفداران وطن اسلامی بدون مرز می‌بینند طالبان به‌شدت مرزهایش را کنترل می‌کند، با اینحال توصیه می‌کنند مرزهای ایران را به روی آنها باز کنید!

طی دو روز گذشـته فیلمی از بازی امیر علی اکبری با یک توله شیر در فضای مجازی منتشر شد که بازتاب و واکنش‌های زیادی داشت.

امیر علی اکبری در گفت‌وگو با تسنیم در این باره گفت: به صورت اتفاقی یکی از دوستانم، این شیر را از یک کشور دور وارد کرده بود و این شیر متولد ایران هم نبود. دوستم به خاطر مشغله کاری، امکان رسیدگی به این شیر را نداشت و حیوان داشت مریض می‌شد.

وی اضافه کرد: از دوسـتم تقاضا کردم این حیوان را به من بسپرد تا به او رسیدگی کنم. یکی، دو ماه به این شیر رسـیدگی و بزرگش کردم. وقتی این حیوان از آب و گل در آمد و احساس کردم دیگر خطر مرگ ندارد با دوستم تحویل محیط زیست دادیم. فایتر کشورمان در مسابقات MMA گفت: این داستان برای یکی، دو ماه پیش است، اما تازه وایرال شده است. فکر می‌کنم در مورد نگهداری از این حیوان رسالتم را بهتر از محیط زیست انجام دادم، چرا که محیط زیست «پیروز» را کشت، اما من این حیوان را زنده نگه داشتم، بزرگش کردم و تحویل محیط زیست دادم. در حال حاضر اگر محیط زیست حیوان گربه‌سان دارد؛ می‌توانم کمک‌شان کنم، چون عاشق گربه‌سانان هستم.

علی اکبری در مورد اینکه در حال حاضر دیگر این شـیر نزد او نیست، گفت: یک ماه است که تحویل دادیم، اما این فیلم تازه وایرال شده است. شیر را خیلی دوست داشتم و دلم می‌خواست چند صباحی با این حیوان همدم باشم و خواست خدا بود که اتفاقی به من خورد. تَر و خشک و بزرگش کردم و واکسن زده تحویل محیط زیست دادم.

مرتضی جوادی آملی، رئیس بنیاد علوم وحیانی اسراء، و پسر آیت‌الله جوادی آملی در پاسخ به این سؤال که «با توجه به مطرح شـدن مباحث مختلف پیرامون بحث قانون عفاف و حجاب در جامعه، به نظر شما به این مبحث باید چگونه نگاه شود؟» اظهار داشت: مسئله حجاب یک مسئله اسلامی است؛ بنابراین جامعه‌ای که بر اساس اندیشه‌های الهی مدیریت می‌شود، باید از لحاظ جایگاه فقه اسلامی به این مسئله پرداخته شود.

جنس مسئله حجاب، یک جنس فرهنگی و یک جنس علمی است، اگر کسی نظر مخالفی در این زمینه دارد، ابتدا باید در فضای علمی مطرح و کارشناسـی شود و احیانا اگر نظراتی تأیید شد، کم کم زمینه‌اش برای حضور در قانون بیاید.

قبل از این که دستگاه فقهی ما نظر نهایی را در زمینه حجاب و در زمینه قانون عفاف و حجاب از مراجع بزرگوار بگیرد و به عنوان یک کار فرهنگی بخواهد ارائه کند، اقدام قانونی، یک اقدام نارس خواهد بود؛ چرا که مباحث قضایی و مباحث امنیتی و مباحث انتظامی را در کنار این گونه بحث‌ها آوردن، یعنی به یک مسئله فرهنگی، لباس امنیتی پوشاندن است و این باعث می‌شود که نظام علمی مختل شود؛ باید با نظام علمی به صورت علمی برخورد شود.

استاد مرتضی جوادی آملی اضافه کرد: بعد از اینکه واقعا دستگاه فقه این مسئله را کاملا بررسی و جایگاه آن را مشخص کرد، بعد می‌تواند به عنوان قانون هم روی آن کار کرد؛ البته قانون یک وقت مبتنی بر آرای مردم است که این جا نیاز نیست کارهایی که گفته شد انجام شود، اما اگر قانون مبتنی بر آرای فقهی شد، این جا نیازمند این اسـت که اول کارهای فقهی انجام شود و بعد به آن پرداخته شود.

اریک ترامپ، پسر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا به شوخی با انتشار تصویری در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) سـه کانادا، جزیره گرینلند و کانال پاناما را در سبد خرید پدرش از آمازون نشان داد.

مجید نقشی، وکیل امیرحسین مقصودلو معروف به تتلو در پاسخ به اخبار مبنی بر نقض حکم موکلش در دیوان عالی کشور گفت: «این خبر جدیدی نیست و حکم چند ماه پیش نقض شده است. جلسه دادگاه هفته گذشته برگزار شد و ما دفاعیات خود را ارائه کردیم. اکنون منتظر صدور رای هستیم.» وی در ادامه افزود: «امیدواریم که رای تا هفته آینده صادر شود. امیرحسین مقصودلو در حال حاضر در زندان تهران بزرگ به سر می‌برد.»

این وکیل پایه یک دادگسـتری بیان کرد: جلسـه رسیدگی به اتهام «سـب‌النبی» و برخی پست‌های اینستاگرامی مربوط به ایشان در حال برگزاری است. این پست‌ها متعلق به ایشان نبوده و پیج‌هایی که به آن‌ها اشاره می‌شود، فیک بوده و ارتباطی با تتلو نداشته است.

وی تاکید کرد: تا زمانی که پیج اصلی تتلو دارای تیک آبی بود، آن پیج متعلق به او بود، اما پس از آن پیجی نداشته است.

در پاسخ به سوالی درباره ویدئوهای زنده‌ای که تتلو در آن‌ها حضور داشته، وکیل وی اظهار کرد: «تتلو با این پیج‌های فیک لایو نگذاشته است، چرا که اساساً این پیج‌ها متعلق به او نبوده‌اند.»

مهر نوشت: ترکیبی از نظرات ۴۱۵ منتقد سینمایی که در لیست‌های مختلف بهترین فیلم سال از ونیتی‌فر تا سایت اند ساوند جای گرفته‌اند نشان می‌دهد تحسین‌شده‌ترین فیلم‌های سال این فیلم‌ها هستند:

۱. آن ورا [آنورا] (شان بی کر [بیکر]) ..... ۱۵۸ منتقد
۲. مواد (کورالی فارگیت) ..... ۱۱۴ منتقد
۳. چالشگران (لوکا گوادانینو) ..... ۱۱۰ منتقد
۴. تلماسه: قسمت دوم (دنی ویلنوو) ..... ۹۰ منتقد
۵. بروتالیست (بریدی کوربت) ..... ۸۹ منتقد
۶. پسران نیکل (رامل راس) ..... ۸۱ منتقد
۷. درخشش تلویزیون را دیدم (جین شوئنبرون) ..... ۷۷ منتقد
۸. همه آنچه به عنوان نور تصور می‌کنیم (پایالا کاپادیا) ..... ۷۰ منتقد
۹. کنکلاو (ادوارد برگر) ..... ۵۸ منتقد
۱۰. فوریوسا (جورج میلر) ..... ۵۷ منتقد
۱۱. حقایق سخت (مایک لی) ..... ۵۶ منتقد
۱۲. یک درد واقعی (جسی آیزنبرگ) ..... ۵۴ منتقد
۱۳. سینگ سینگ (گری کودار) ..... ۴۸ منتقد
۱۴. عشق دروغ می‌گوید (لیوان رز) ..... ۴۱ منتقد
۱۵. انتظار پایان جهان را نداشته باشید (رادو جود) ..... ۴۱ منتقد
۱۶. شرور (جان ام. چو) ..... ۴۰ منتقد
۱۷. شر وجود ندارد (ریوسوکه هاماگوچی) ..... ۴۰ منتقد
۱۸. نوسفراتو (رابرت اگرز) ..... ۳۸ منتقد
۱۹. ربات وحشی (کریس سندرز) ..... ۳۸ منتقد
۲۰. جنگ داخلی (الکس گارلند) ..... ۳۷ منتقد
۲۱. جانور (برتراند بونلو) ..... ۳۶ منتقد

بخشی از یادداشت مشرق نیوز: متاسفانه چند سالی است که اینفلوئنسرها در فضای مجازی ایران به چهره‌های مرجع فرهنگی و سبک زندگی در کشور تبدیل شده‌اند و پای برخی هم به صداوسیما و سینما باز شده اسـت. این ورود بی‌ضابطه به عرصه هنر، برخی را ترغیب کرده تا ره صدساله را یک‌شبه طی کنند و در اینستاگرام به شهرت برسند. البته اگر بی‌انصافی نکنیم، برخی از همین اینفلوئنسرها پس از شهرت، تحت آموزش اساتید هنرمند قرار گرفتند و روند ورود آنها به عرصه هنر کمی معقولانه‌تر طی شد که این در تغییر تولید محتواهای آنها نیز قابل درک است.

اما وقتی زمزمه‌های به گوش رسیده حاکی از این است برخی از این اینفلوئنسرها و بلاگرهای پرمخاطب با چند استوری تبلیغاتی، ماهانه چندصد میلیون تومان درآمد کسب می‌کنند، چرا جوانان بی‌تجربه و بی‌خبر از اصول و فنون طنزپردازی و تولید محتوا، چشـم و گوششان برای این درآمدها تیز نشود؟

تاکنون اگر نقدی به محتواهای زرد و ساختارشـکن شـده بود، تنها به اشخاص دخیل و نقش‌آفرین در محتواها پرداخته می‌شـد؛ اما اگر کمی ریزبین باشیم و به ریشه‌های این معضلات دقت کنیم، مجموعه‌ای از علت‌های کوچک و بزرگ را می‌بینیم که دست‌به‌دست هم دادند تا دسـت‌اندرکاران تولید این محتواها انگیزه پیدا کرده و به عواقب آن بی‌توجه باشـند. امروز تاثیرات برخی محتواهای فضای مجازی تا جایی گسترده شده که کاربران شـبکه‌های اجتماعی که تا چند سـال پیش چنین اعتراضاتی از آنها انتظار نمی‌رفت، صدای خود را بلند کرده و از شوخی‌های ناموسی کودکان دبستانی با هم‌کلاسی‌های خود گلایه می‌کنند!

یک نقد اصولگرایانه علیه سریال‌های پلیسی فیلم نت: فیلم‌نت در سریال مرداب گامی دیگر در وارونـه نمایی تصویر پلیس برداشـت و در این مجموعه مامور رشـوه‌بگیر به کلکسیون روند تصویرسازی از پلیس در محصولات این سکو اضافه شد.

اما در سریال گردن‌زنی با تصویر متفاوت و عجیبی از پلیس مواجه هستیم. امیر شمس (امین شعرباف) شخصیت مرکزی پلیس - کارآگاه این سریال به عنوان افسر پرونده قتل نیما دادگر (کیسان دیباج) باران متین (الیکا ناصری) انتخاب می‌شود.

در هسته تصمیمات پلیسی، هرگونه آشنایی با خانواده مقتول موجب می‌شود پرونده مرتبط به افسر مربوطه ارجاع نشود. شمس قبل از سپرده شدن پرونده قتل با خانواده متین رفت و آمد بسیار صمیمانه‌ای داشته و خواستگار دختر این خانواده بوده است. طبیعی است که تحت هیچ شرایطی در روال مامور، پرونده‌ای مرتبط با این خانواده به او سپرده نخواهد شد.

در نبود عدم نظارت و غیرانطباقی بودن این رویداد، پرونده به پلیسـی سـپرده می‌شود که روزگاری دلباخته عروس به قتل رسیده خانواده دادگر بوده است.

با پیشـرفت قصه، درخواهیم یافت که این پلیس قبل از دلدادگی به باران دلباخته مونا دادگر یکی دیگر از اعضای دادگاه پرونده قتل بوده اسـت. سریال تصویری از پلیس ارائه می‌دهد که بیش از آنکه به دنبال حل پرونده باشد، روابط عاطفی و عاشقانه این پلیس را در مثلث عشقی ترسیم شده دنبال می‌کند.

فیلم کوتاهی در شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های پرمخاطب فضای مجازی مازندران دست به دست می‌شود که از آن به عنوان «آموزش رقص در مدرسه» یاد شد. در پی انتشار این فیلم که دانش آموزان پسر دسته جمعی در حیاط مدرسه در حال رقص هستند، آموزش و پرورش بابل اطلاعیه ای را در کانال اطلاع رسانی خود در فضای مجازی بارگذاری کرد.

در جوابیه این اداره آمده اسـت که آموزش و پرورش بابل در باره فیلم منتشر شده در یکی از مدارس شهرستان پیرو گزارش دریافتی با عنوان «برگزاری جشن نامتعارف در یکی از مدارس دولتی پسرانه شهرستان بابل»، به اطلاع می‌رسـاند همزمان با دریافت این گزارش، موضوع فوری مورد بررسی قرار گرفت.

اطلاعیه ادامه داده است که پس از احضار و ابلاغ تذکر به مسئولان مدرسه، موضوع برای انجام پیگیری‌های دقیق‌تر به مسئولان نظارتی ارجاع شد که به طور قطع بر اساس ضوابط و مقررات، اقدام‌های لازم انجام خواهد شد.

آموزش و پرورش بابل تاکید کرده که مطابق سـند تحول بنیادین همواره در راستای تحقق اهداف عالی و تربیتی گام برداشته اسـت و در کنار آموزش دغدغه پرورش صحیح دارد و در صورت بروز هرگونه اخلال در این مسیر، فوری رفع، اصلاح و برای بهبود آن اقدام خواهد کرد.

شهرسـتان ۶۰۰ هزار نفری بابل ۹۰ هزار دانش آموز دارد که در حدود ۶۰۰ مدرسه تحصیل می‌کنند.

بررسی ۶ خودروی هیبریدی وارداتی از شرق آسیا

پاکسازی هوای تهران با خودروهای هیبریدی ممکن است؟

متین شیری | امسال را می‌توان بدترین سال از نظر آلودگی هوا، بحران تامین بنزین و همچنین تولید خودرو دانست. تمام این مسائل همانند یک چرخه به یکدیگر متصل هستند و دلیل آن چیزی نیست به جز سوءمدیریت منابع و انرژی. حاکمیت یکی از اصلی‌ترین راه‌های حل این سه‌گانه را در واردات خودروهای هیبریدی و برقی دیده است؛ اما سوال این است که برق خودروهای برقی در شرایطی که به شکل روزانه برق صنایع و منازل قطع می‌شود و همچنین تعداد جایگاه‌های شارژ انگشت‌شمارند؛ قرار است که چگونه تامین شود. در چنین شرایطی بهترین انتخاب برای مصرف‌کننده و حاکمیت بین این دو نوع خودرو، خودروی هیبریدی است، چرا که هم مصرف سوخت بسیار کمتری دارد و هم نیازی به شبکه برق کشور برای تامین انرژی خود ندارد. خودروهای هیبریدی از تکنولوژی‌های روز دنیا در هر دو موتور احتراقی و برقی خود بهره می‌برند که نتیجه آن کاهش مصرف بنزین کشور است. تنها چالش این خودروها پس از گذشت چندسال هزینه تعویض باتری‌های آن‌هاست که می‌توان گفت حتی اگر دولت روی این موضوع یارانه هم بدهد، حرکت نسبتا به‌صرفه و ارزشمندی را انجام داده است.

تویوتا لوین ۱۸۰۰ هیبریدی

قیمت: نسخه هیبریدی عادی دو میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان

تویوتا لوین ۱۸۰۰ هیبریدی توسط شرکت برساوش – رهام تجارت پاک وارد بازار ایران شده و خدمات پس از فروش آن توسط شرکت ایرتویا ارائه می‌شود.

تویوتا لوین هیبریدی از پیشرانه ۱/۸ لیتری تنفس طبیعی با کد 8ZR-FXE و یک موتور برقی استفاده می‌کند. این ترکیب قدرتی معادل ۱۳۷ اسب‌بخار و گشتاوری برابر با ۱۸۵ نیوتن‌متر تولید می‌کند که می‌توان گفت مقبول است. این خودرو مجهز به گیربکس e-CVT است که توانایی انتقال قدرت به چرخ‌های جلو را دارد. مصرف سوخت ترکیبی این خودرو در حدود ۴/۳۲ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است و مصرف انرژی آن در حالت هیبریدی ۱۴/۷ کیلووات ساعت در هر ۱۰۰ کیلومتر برآورد می‌شود.

تویوتا لوین هیبریدی با طراحی مدرن و خطوط برجسته بدنه ظاهر خاص و جذابی دارد. جلوپنجره یکپارچه و دستگیره‌های مخفی درهای عقب به زیبایی و جذابیت خودرو افزوده‌اند. این خودرو به امکانات پیشرفته‌ای همچون دوربین دید عقب، کروز کنترل تطبیقی، سیستم هشدار برخورد از جلو، ترمز اضطراری خودکار، نمایشگر ۹ اینچی، اپل کارپلی و اندروید اتو مجهز است. این ویژگی‌ها تجربه‌ای ایمن، راحت و لذت‌بخش از رانندگی را برای راننده و سرنشینان فراهم می‌آورند.

هوندا HR-V هیبریدی

قیمت: یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان

هوندا HR-V هیبریدی توسط شرکت آذریوردسال وارد بازار ایران خواهد شد. این خودرو از پیشرانه هیبریدی i-MMD بهره می‌برد که شامل یک موتور بنزینی ۱/۵ لیتری و یک موتور برقی است. این ترکیب قدرتی معادل ۱۳۱ اسب‌بخار تولید می‌کند. مصرف سوخت آن در حالت ترکیبی ۴/۳ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است و مصرف انرژی آن ۱۴/۷ کیلووات ساعت در هر ۱۰۰ کیلومتر برآورد می‌شود. خودرو از باتری لیتیوم-یونی با ظرفیت ۱۳/۸ کیلووات ساعت بهره می‌برد که به عملکرد بهینه و مصرف انرژی کارآمد کمک می‌کند.

این خودرو از طراحی مدرن و جذاب برخوردار است. خطوط برجسته بدنه، جلو پنجره یکپارچه و دستگیره‌های مخفی درهای عقب ظاهری شیک و منحصر به فرد به آن داده است. اسپویلر صندوق عقب و ریل‌های سقفی یکپارچه نیز کاربردی و جذاب هستند. طراحی خودرو علاوه بر زیبایی، به راحتی و کاربردی بودن در استفاده روزمره نیز توجه ویژه‌ای دارد. هوندا HR-V هیبریدی با امکانات متعددی مانند ایربگ‌های جلو و جانبی، کروز کنترل تطبیقی، سیستم هشدار برخورد از جلو، ترمز اضطراری خودکار، نمایشگر ۹ اینچی، تهویه دوکاناله، اپل کارپلی و اندروید اتو مجهز است که تجربه رانندگی ایمن و راحت را فراهم می‌کند.

تویوتا فرانت‌لندر هیبریدی

قیمت: یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان

تویوتا فرانت‌لندر هیبریدی از پیشرانه ۲/۵ لیتری بنزینی به همراه موتورهای الکتریکی بهره می‌برد که در مجموع ۲۱۹ اسب‌بخار قدرت تولید می‌کنند. این خودرو با گیربکس CVT هشت‌سرعته و سیستم انتقال قدرت به چرخ‌های جلو، شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر را در ۷/۵ ثانیه به دست می‌آورد. مصرف سوخت ترکیبی آن ۶ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است. ظرفیت باتری ۱/۶ کیلووات‌ساعت، امکان رانندگی با نیروی الکتریکی را فراهم می‌کند.

از نظر ویژگی‌های آفرود، تویوتا فرانت‌لندر هیبریدی از سیستم چهارچرخ متحرک بهره می‌برد که به راحتی می‌تواند از چالش‌های مسیرهای ناهموار عبور کند. این خودرو به سیستم کنترل پایداری و کمک راننده در شرایط سخت مجهز است که توانایی خودرو را در مسیرهای آفرود افزایش می‌دهد. همچنین، با برخورداری از سیستم تعلیق پیشرفته و تایرهای مخصوص آفرود، فرانت‌لندر به سادگی می‌تواند اکثر مسیرهای ناهموار را طی کند. این آفرودر با طراحی کراس‌اوور کامپکت، خطوط تیز و نمایی اسپرت، جذابیت بصری بالایی دارد. این خودرو به امکاناتی مانند سیستم تهویه مطبوع، نمایشگر لمسی، سیستم صوتی با کیفیت، کروز کنترل تطبیقی، سیستم هشدار برخورد از جلو و ترمز اضطراری خودکار مجهز است که تجربه رانندگی ایمن و راحتی را برای سرنشینان فراهم می‌کند.

دانگ‌فنگ شاین‌مکس هیبریدی

قیمت: یک میلیارد و ۸۲۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان

شاین‌مکس هم در هر دو نسخه بنزینی و هیبریدی توسط ایران‌خودرو وارد می‌شود و خدمات پس از فروش این خودرو نیز با همین شرکت است. شاین‌مکس هیبریدی از یک موتور بنزینی ۱/۵ لیتری توربوشارژ و یک موتور برقی بهره می‌برد که مجموعاً ۲۰۲ اسب‌بخار قدرت را توسط یک گیربکس e-CVT به چرخ‌های جلو منتقل می‌کند. مصرف سوخت ترکیبی این خودرو ۴/۳ لیتر و همچنین مصرف انرژی آن در حالت هیبریدی ۱۴/۷ کیلووات ساعت در هر ۱۰۰ کیلومتر برآورد شده است. این خودرو از یک باتری لیتیوم-یونی با ظرفیت ۱۳/۸ کیلووات ساعت استفاده می‌کند. شاین مکس هیبریدی با مجموع برد حدود ۱۱۰۰ کیلومتر (۵۵۰ کیلومتر با موتور بنزینی و ۵۵۰ کیلومتر با انرژی باتری فول) به راحتی می‌تواند برای سفرهای طولانی مورد استفاده قرار گیرد.

طراحی این خودرو مدرن و اسپرت است و خطوط برجسته بدنه، جلوپنجره بزرگ و چراغ‌های LED جلو نمایی شیک و جذاب به آن بخشیده‌اند. از امکانات آن می‌توان به نمایشگر ۱۰ اینچی، سیستم کروز کنترل، سنسور پارک، دوربین دید عقب، اپل کارپلی و اندروید اتو اشاره کرد که راحتی و ایمنی بالایی را برای راننده و سرنشینان فراهم می‌کند.

لاماری ایما هیبریدی

قیمت: به شکل میانگین ۲ میلیارد تومان

لاماری ایما هیبریدی توسط شرکت آرین موتور پویا وارد بازار ایران می‌شود و خدمات پس از فروش آن نیز توسط همین شرکت ارائه خواهد شد.

لاماری ایما هیبریدی از ترکیب یک موتور بنزینی ۱/۵ لیتری و یک موتور برقی استفاده می‌کند که در مجموع ۱۸۳ اسب‌بخار قدرت تولید می‌کند. این خودرو مجهز به باتری لیتیوم-یونی با ظرفیت ۱۳/۸ کیلووات ساعت است. مصرف سوخت آن در حالت ترکیبی ۵/۶ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر و مصرف انرژی در حالت هیبریدی ۱۴/۲ کیلووات ساعت در هر ۱۰۰ کیلومتر برآورد می‌شود. سیستم هیبریدی این خودرو امکان رانندگی همزمان با موتورهای بنزینی و برقی را فراهم می‌کند و تجربه‌ای بهینه از مصرف سوخت را ارائه می‌دهد.

لاماری ایما هیبریدی طراحی مدرن و جذابی دارد، اما این طراحی تمایز خاصی نسبت به نسخه‌های موجود ندارد. جلوپنجره بزرگ و چراغ‌های LED جلو نمای شیک و متفاوتی به آن بخشیده‌اند. خطوط تیز و اسپرت بدنه باعث ایجاد ظاهری متفاوت و جذاب شده‌اند.

این خودرو به امکاناتی همچون نمایشگر ۱۰ اینچی، سیستم کروز کنترل، سنسور پارک، دوربین دید عقب، اپل کارپلی و اندروید اتو مجهز است که راحتی و ایمنی بالایی را برای راننده و سرنشینان فراهم می‌کند.

جیلی آزکارا هیبریدی

قیمت: دو میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان

جیلی آزکارا هیبریدی، کراس‌اوور دو دیفرانسیل وارداتی از چین، توسط شرکت فردا موتورز وارد بازار ایران شده است.

این خودرو از ترکیب یک موتور بنزینی ۱/۵ لیتری توربوشارژ با کد TGDI و یک موتور الکتریکی ۴۸ ولتی بهره می‌برد که در مجموع ۱۹۰ اسب‌بخار قدرت و ۳۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کنند. قدرت به‌دست آمده از طریق گیربکس ۷ سرعته اتوماتیک دوکلاچه به هر چهار چرخ منتقل می‌شود. مصرف سوخت ترکیبی این خودرو ۶/۱ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است و حجم باک آن ۵۸ لیتر است. باتری ۴۸ ولتی با ظرفیت ۱۳/۸ کیلووات ساعت، انرژی مورد نیاز موتور الکتریکی را تأمین می‌کند.

جیلی آزکارا با طراحی محافظه‌کارانه و نسبتا مدرن خود حضوری عادی در جاده‌ها دارد. این خودرو به رینگ‌های آلیاژی ۱۸ اینچی مجهز شده که ظاهری اسپرت و چشم‌نواز به آن بخشیده است. از جمله امکانات رفاهی و ایمنی می‌توان به شش کیسه هوای ۱۰ نقطه‌ای، سامانه کنترل پایداری الکتریکی، سامانه کنترل شروع حرکت در سربالایی، ترمز اضطراری اتوماتیک و رادار خط‌خوان اشاره کرد. همچنین، سیستم تهویه مطبوع، نمایشگر لمسی ۱۰ اینچی، کروز کنترل و سیستم صوتی با کیفیت از دیگر ویژگی‌های این خودرو هستند.

داشبورد

مدیریت در خودروسازی ایران؛ چرا همیشه درجا می‌زند؟

از تغییر مداوم مدیران تا ضعف در استراتژی‌های بلندمدت؛ چرا صنعت خودروسازی ایران همواره از جاده توسعه خارج می‌شود؟

سارا غضنفری | صنعت خودروسازی ایران، یکی از بزرگ‌ترین و استراتژیک‌ترین صنایع کشور، سال‌هاست که با مشکلات ساختاری، مدیریتی و بهره‌وری دست‌وپنجه نرم می‌کند. در حالی که کشورهایی نظیر کره‌جنوبی یا چین با بهره‌گیری از مدیریت کارآمد و استراتژی‌های توسعه محور توانسته‌اند بازارهای جهانی را تسخیر کنند، خودروسازی ایران همچنان درگیر مسائل داخلی، عدم رقابت‌پذیری و نارضایتی عمومی از کیفیت محصولات خود است. تغییرات اخیر در مدیریت شرکت‌های سایپا و پارس خودرو بار دیگر توجه‌ها را به این پرسش جلب کرده است: چرا مدیریت در خودروسازی ایران موفق عمل نمی‌کند؟

مدیریت کوتاه‌مدت؛ جاده‌ای پر دست‌انداز

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مدیریتی در صنعت خودروسازی ایران، بی‌ثباتی و تغییرات مکرر در سطوح مدیریتی است. در یک دهه اخیر، مدیران سایپا و پارس خودرو به طور متوسط کمتر از دو سال بر مسند کار باقی مانده‌اند. این دوره‌های کوتاه، فرصتی برای پیاده‌سازی سیاست‌های بلندمدت یا اصلاحات بنیادین فراهم نمی‌کند. مدیران جدید معمولاً با فشارهای بیرونی و سیاسی مواجه هستند و در نتیجه، به جای تدوین استراتژی‌های پایدار، به اقدامات موقتی برای نمایش موفقیت‌های سریع دست می‌زنند. این امر باعث می‌شود پروژه‌های کلان و زیربنایی ناتمام باقی بماند یا به شکلی ناقص اجرا شود.

مداخلات سیاسی؛ فرمانی در دستان دولت

خودروسازی ایران، به‌ویژه شرکت‌هایی نظیر ایران‌خودرو و سایپا، از استقلال مدیریتی کافی برخوردار نیستند. مدیران این شرکت‌ها عمدتاً تحت تأثیر تصمیمات دولتی انتخاب می‌شوند و اولویت‌های آن‌ها بیشتر بر اساس سیاست‌های دولت تعیین می‌شود تا نیازهای بازار یا الزامات فنی. این وابستگی به دولت، خودروسازان را از رویکردهای بازار محور دور کرده و آن‌ها را به سازمان‌هایی تبدیل کرده که بیشتر برای جلب حمایت‌های دولتی فعالیت می‌کنند تا افزایش بهره‌وری یا کیفیت محصولات. در چنین ساختاری، مدیران به جای تمرکز بر نوآوری یا بهره‌وری، درگیر مدیریت بحران‌های مقطعی و تطبیق با تصمیمات سیاسی هستند.

فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک

بررسی تجربه کشورهای موفق در صنعت خودروسازی نشان می‌دهد که توسعه این صنعت نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری بلندمدت است. شرکت‌هایی نظیر تویوتا یا هیوندای سال‌ها پیش با تدوین استراتژی‌های مدون در حوزه تحقیق و توسعه، تولید و بازاریابی توانسته‌اند جایگاه خود را در بازار جهانی تثبیت کنند. در مقابل، خودروسازی ایران فاقد یک نقشه راه مشخص برای توسعه بلندمدت است. تصمیمات مدیریتی اغلب به‌صورت واکنشی و مقطعی گرفته می‌شود و همین امر باعث می‌شود شرکت‌های خودروسازی نتوانند در رقابت با محصولات خارجی حرفی برای گفتن داشته باشند.

بحران کیفیت و نوآوری

یکی دیگر از مشکلات اساسی مدیریت در خودروسازی ایران، ناتوانی در ارتقای کیفیت محصولات و نوآوری در طراحی است. علی‌رغم قیمت‌های بالا، خودروهای تولید داخل به دلیل کیفیت پایین، ایمنی نامطلوب و مصرف بالای سوخت همواره مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. ضعف در مدیریت زنجیره تأمین و ناکارآمدی در بخش تولید، باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش کیفیت شده است. در عین حال، سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش تحقیق و توسعه، خودروسازی ایران را از مسیر نوآوری بازداشته است. مدیران به جای تمرکز بر ارتقای فناوری و کاهش وابستگی به قطعات وارداتی، به تولید مدل‌های قدیمی و کم‌کیفیت ادامه داده‌اند.

چالش‌های مالی و اقتصادی

یکی از پیامدهای ضعف مدیریت در خودروسازی ایران، بحران‌های مالی و بدهی‌های سنگین این شرکت‌هاست. مدیران اغلب به جای اصلاح ساختارهای مالی و کاهش هزینه‌های اضافی، به دریافت تسهیلات دولتی یا افزایش قیمت خودرو متوسل می‌شوند. این سیاست‌ها نه‌تنها مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه فشار بیشتری بر مصرف‌کنندگان وارد کرده و اعتماد عمومی به این صنعت را کاهش می‌دهد.

راه‌حل‌ها؛ تغییر فرمان مدیریت

برای خروج از این بن‌بست، خودروسازی ایران نیازمند تحولاتی اساسی در نظام مدیریتی خود است. در ادامه، برخی از راهکارهای پیشنهادی آورده شده است:

۱. ثبات مدیریتی: انتخاب مدیرانی با تخصص و تجربه مرتبط و ایجاد زمینه برای فعالیت بلندمدت آن‌ها می‌تواند پایه‌گذار اصلاحات زیربنایی باشد.

۲. استقلال از سیاست: خودروسازان باید از دخالت‌های مستقیم دولتی خارج شده و در چارچوب قواعد بازار فعالیت کنند.

۳. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه: افزایش بودجه‌های تحقیقاتی و توجه به طراحی و تولید محصولات نوآورانه می‌تواند این صنعت را رقابتی‌تر کند.

۴. اصلاح زنجیره تأمین: بهینه‌سازی فرآیندهای تولید و مدیریت زنجیره تأمین می‌تواند هزینه‌ها را کاهش داده و کیفیت را افزایش دهد.

۵. تعامل با شرکت‌های بین‌المللی: ایجاد همکاری‌های استراتژیک با خودروسازان خارجی می‌تواند به انتقال دانش و فناوری کمک کند.

مدیریت در خودروسازی ایران نیازمند تغییرات اساسی و فاصله گرفتن از رویکردهای سیاسی و کوتاه‌مدت است. اگرچه تغییر مدیران می‌تواند نویدبخش اصلاحات باشد اما تا زمانی که ساختارهای مدیریتی و اولویت‌ها به درستی تعریف نشود، این تغییرات تأثیر ملموسی بر وضعیت صنعت نخواهد داشت. به‌جای تغییر افراد، لازم است نگاه‌ها و سیاست‌ها تغییر کند تا چرخ‌های خودروسازی ایران بار دیگر به حرکت درآیند و این صنعت از بن‌بست فعلی خارج شود.

پورشه کاین توربو E-Hybrid؛ غول هیبریدی با عملکردی فراتر از انتظار

پورشه با معرفی مدل ۲۰۲۴ کاین توربو E-Hybrid بار دیگر مرزهای فناوری و عملکرد در کلاس شاسی‌بلندهای لوکس را جابه‌جا کرده است. کاین توربو E-Hybrid از پیشرانه V۸ توین‌توربو ۴ لیتری در کنار یک موتور الکتریکی بهره می‌برد که خروجی ترکیبی خیره‌کننده ۷۲۹ اسب‌بخار قدرت و ۷۰۰ پوند-فوت گشتاور را ارائه می‌کند. این شاسی‌بلند لوکس تنها در ۳/۵ ثانیه از حالت سکون به سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت می‌رسد. ظرفیت باتری این مدل نیز نسبت به نسخه قبلی افزایش یافته و به ۲۵/۹ کیلووات‌ساعت رسیده است که امکان پیمایش الکتریکی تا ۴۰ مایل را فراهم می‌کند. با این حال، وزن خالص این خودرو ۵۷۱۹ پوند است؛ رقمی که حتی برای یک شاسی‌بلند هیبریدی قابل توجه است. این وزن بالا، در کنار قیمت پایه ۱۵۳/۰۵۰ دلاری که در نسخه تست‌شده به ۱۹۱/۲۳۰ دلار می‌رسد، قطعاً جای بحث دارد. پورشه به لطف استفاده از فناوری‌های پیشرفته‌ای همچون فرمان‌پذیری چرخ‌های عقب و سیستم تعلیق هوشمند، توانسته تا حد زیادی وزن بالای این خودرو را در پیچ‌ها و مسیرهای پرپیچ‌وخم کنترل کند. کاین توربو E-Hybrid در حالت اسپرت پلاس، با کاهش ارتفاع و سفت‌تر شدن سیستم تعلیق، تجربه‌ای شبیه خودروهای اسپرت را ارائه می‌دهد. سواری نرم و هندلینگ دقیق این خودرو حتی با رینگ‌های ۲۲ اینچی باعث می‌شود راننده احساس کند با شاسی‌بلندی سبک‌تر از آنچه واقعاً هست، رانندگی می‌کند. همچنین، صدای اگزوز اسپرت این مدل که بخشی از پکیج سبک‌وزن (Lightweight Sport Package) است، حس و حال یک خودروی عضلانی را به شما منتقل می‌کند. هرچند سیستم هیبریدی این خودرو قابلیت کاهش مصرف سوخت را در رانندگی شهری ارائه می‌دهد، اما در مسیرهای طولانی و سرعت‌های بالا، مصرف سوخت همچنان چالشی اساسی است. در آزمایش‌های انجام‌شده، این خودرو در حالت ترکیبی توانست مصرف سوختی معادل ۲۷ مایل بر گالن را ثبت کند اما با تخلیه باتری، این رقم به ۲۲ مایل بر گالن کاهش یافت. از سوی دیگر، قیمت این مدل یکی از موانع اصلی برای مشتریان است. نسخه ۲۰۲۵ این خودرو با افزایش قیمت پایه به ۱۶۳۹۴۵ دلار می‌رسد که با اضافه شدن آپشن‌هایی مانند ترمزهای سرامیکی و پکیج سبک‌وزن، به راحتی به نزدیکی ۲۰۰ هزار دلار خواهد رسید.

وب‌گردی

جاده‌ها همچنان عاشق‌اند: بازگشت خاطره‌ها با فیات ۱۱۰۰

فیات ۱۱۰۰، این ایتالیایی افسانه‌ای با طراحی کلاسیک و روحی سرزنده، همچنان یکی از نمادهای طلایی تاریخ خودروسازی است. این مدل که زمانی خیابان‌های دنیا را با ظاهری شیک و عملکردی پیشرو فتح کرده بود، حالا به نماد عشق ماشین‌بازها به اصالت و زیبایی بدل شده است. اگر بخواهیم از دهه‌های طلایی صنعت خودرو حرف بزنیم، فیات ۱۱۰۰ بی‌گمان یکی از درخشان‌ترین ستاره‌هاست. این کلاسیک ایتالیایی که از اواسط دهه ۱۹۳۰ پا به عرصه گذاشت، به سرعت توانست به گزینه‌ای محبوب در میان خودروهای خانوادگی و عاشقان جاده تبدیل شود. طراحی خیره‌کننده فیات ۱۱۰۰، با جلوپنجره‌هایی که انگار روح و اصالت ایتالیایی را فریاد می‌زنند، در کنار موتورهای چهار سیلندر کارآمد، باعث شد این خودرو همچنان در دل کلکسیونرها زنده بماند. فیات ۱۱۰۰ نه‌تنها نماد زیبایی ساده و مینیمال، بلکه پلی به گذشته‌ای است که سرعت، هنر و استایل در آن ترکیب شده بودند. در دنیای مدرن که خودروهای الکتریکی و هوش مصنوعی فرمانروایی می‌کنند، دیدن یک فیات ۱۱۰۰ که با غرور روی جاده‌ها حرکت می‌کند، حس نوستالژی عجیبی به ارمغان می‌آورد. شاید وقت آن رسیده باشد که ماشین‌بازها یک بار دیگر در گوش جاده‌ها، داستان‌های قدیمی فیات ۱۱۰۰ را زمزمه کنند. فیات ۱۱۰۰ در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی به ایران نیز راه یافت و به سرعت محبوبیت پیدا کرد. بسیاری از خانواده‌های ایرانی این خودرو را به‌عنوان یک گزینه مقرون‌به‌صرفه، بادوام و جذاب انتخاب می‌کردند. حتی امروز نیز در خیابان‌های برخی شهرها، می‌توان نسخه‌هایی از این خودروی کلاسیک را مشاهده کرد که با عشق و علاقه توسط مالکان‌شان نگهداری می‌شود. در دنیای امروزی، فیات ۱۱۰۰ به یک جواهر کلاسیک تبدیل شده است. ماشین‌بازها و کلکسیونرهای حرفه‌ای، این خودرو را به دلیل طراحی جاودانه و مهندسی پیشرفته‌اش، به‌عنوان یکی از برترین نمادهای تاریخ خودروسازی می‌شناسند. نسخه‌های بازسازی‌شده این خودرو، در حراجی‌های بزرگ دنیا با قیمت‌های قابل توجهی معامله می‌شوند.

فیات ۱۱۰۰ یادآور روزهایی است که خودروها برای حرکت ساخته شده بودند، نه فقط برای رسیدن. این کلاسیک جذاب، همچنان می‌تواند الهام‌بخش ماشین‌بازهای امروزی باشد؛ چون جاده‌ها هیچگاه عاشق‌تر از زمانی نبودند که فیات ۱۱۰۰ روی آن‌ها می‌رقصید.

اقتصاد خانواده

معرفی دو تبلت پرفروش بازار

تبلت 11 اینچ شیائومی مدل Pad 6 و تبلت 13 اینچی ایپل مدل iPad Pro 2024 M4 Wi-Fi به گفته فعالان بازار تبلت و موبایل، از بقیه تبلت‌ها محبوب‌تر بوده‌اند. تبلت شیائومی مدل Pad 6 سال ۲۰۲۳ به بازار عرضه شده اما هنوز در بازار اعتبار دارد و یکی از پرفروش‌های بازار است. فروشنده‌ها معتقدند نمایشگر باکیفیت و نرخ نوسازی بالا، دوربین بسیار کاربردی و پردازنده قدرتمند و از طرف دیگر قیمت مناسب این محصول، باعث شده این تبلت هنوز خواهان داشته باشد. برای این تبلت یک نمایشگر بزرگ ۱۱ اینچی در نظر گرفته شده که توسط شیشه Gorilla Glass 3 محافظت می‌شود. پردازنده Qualcomm SM8250 در این تبلت باعث شده، Pad 6 در اجرای نرم‌افزارهای کاربردی و بازی‌های محبوب، عملکرد کاملا قابل‌قبولی داشته باشد. از طرف دیگر این تبلت دوربین کاربردی هم دارد و شرکت سازنده فقط برای زیبایی در این محصول دوربین طراحی نکرده است. این طور که کاربران می‌گویند، دوربین اصلی این تبلت با سنسور عریض با رزولوشن 13 مگاپیکسل و سنسور دوربین سلفی 8 مگاپیکسل از نوع فوق‌عریض برای ثبت تصاویر در نور روز و برقراری تماس‌های تصویری عملکرد بسیار خوبی دارد. باتری این محصول هم هشت هزار و 840 میلی‌آمپر ظرفیت دارد و یک روز کامل دوام می‌آورد. قیمت این تبلت در حال حاضر از 23 میلیون تومان تا 23 میلیون و 300 هزار تومان است.

تبلت 13 اینچی ایپل از نظر قیمت اصلا با رقیب خود قابل‌مقایسه نیست، چون با قیمت 97 میلیون تومان فروخته می‌شود. اما قیمت بالای این محصول نتوانسته محبوبیت آن را کم کند. چون این محصول یکی از قدرتمندترین تبلت‌های موجود در بازار است. این قدرت را هم باید مدیون پردازنده ARM باشد. همچنین، پردازش گرافیکی این تبلت تا 4 برابر سریع‌تر در تدوین ویدئو یا انجام بازی‌ها است. این نسل از ایپد پرو به شکلی طراحی شده که با جدیدترین نسل از قلم‌های هوشمند ایل مثل Apple Pencil Pro سازگاری داشته باشد و مثل گذشته می‌توان از فریم آن برای اتصال قلم استفاده کرد. دوربین اصلی این تبلت هم با یک 12 مگاپیکسل است اما با دریچه لنز عریض و اسکنر LiDAR امکانات فوق‌العاده‌ای در اختیار کاربران قرار می‌دهد. دوربین سلفی فوق‌عریض این تبلت هم 12 مگاپیکسل است که با فناوری ویژه در لبه سمت راست آیپد جای گرفته، به صورت Landscape می‌تواند، تصاویر شگفت‌انگیزی ثبت کند. این تبلت از سیم‌کارت و کارت حافظه پشتیبانی نمی‌کند، اما کاربران به دلیل کیفیت گرافیک و عملکرد پردازنده، باز هم این تبلت را در صدر جدول پرفروش‌های بازار پرداند. تبلت 13 اینچی ایپل مدل iPad Pro 2024 M4 Wi-Fi با ظرفیت 256 گیگابایت و رم 8 گیگابایت، دارای سنسور تشخیص چهره است و در بازار با قیمت 97 میلیون تومان تا 97 میلیون و 500 هزار تومان فروخته می‌شود.

لوازم‌خانگی با طراحی چشم‌نواز

معرفی ۱۵ لوازم‌خانگی برقی که به‌خاطر ظاهرشان متفاوت به‌نظر می‌رسند

گروه بازار | در بازار لوازم‌خانگی برخی از گزینه‌ها دارای محبوبیت زیادی هستند. طراحی چشم‌نواز، غیرمعمول بودن نوع ساخت و رنگ‌های پاستیلی و روشن از مواردی است که می‌تواند این دستگاه‌ها را تبدیل به گزینه‌هایی جذاب برای خریداران کند. یکی از این برندها «اسمگ» ایتالیایی است که البته در چین تولید می‌شود اما در ایران محبوبیت بالایی دارد. برندهای ایرانی مانند «امرسان» در برخی از محصولات، تولیداتی شبیه به اسمگ دارند که اقتصادی‌تر است. برندی مانند «میله» که جارو برقی‌هایش در ایران فروش می‌رود و آلمانی است، جاروها را به سبک مدل‌های بسیار قدیمی تولید می‌کند و همین موضوع به جذابیت این برند برای خریداران اضافه کرده است.

۱-قهوه‌ساز اسمگ: برند اسمگ به‌دلیل طراحی جالب و رنگی خود محبوبیت زیادی دارد. مثلا قهوه‌ساز اسمگ مدل DCF02PG با قیمت حدودی ۱۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان یکی از گزینه‌های جالب‌توجه در بازار است. این قهوه‌ساز برای خانواده‌های متوسط مناسب بوده و ظرفیت مخزن آب در آن یک لیتر و ۴۰۰ میلی‌لیتر است و قوری با ظرفیت کمتر دارد. قهوه‌ساز جمع‌وجور اسمگ امکان گرم‌نگه‌داشتن قهوه را دارد و هزینه می‌تواند ۱۰ فنجان قهوه برایتان آماده کند. قهوه‌ساز اسمگ مدل DCF02CREU بزرگ‌تر است اما با دریچه لنز عریض و اسکنر LiDAR امکانات فوق‌العاده‌ای در اختیار کاربران قرار می‌دهد. دوربین سلفی فوق‌عریض این تبلت هم 12 مگاپیکسل است که با فناوری ویژه در لبه سمت راست آیپد جای گرفته، به صورت Landscape می‌تواند، تصاویر شگفت‌انگیزی ثبت کند. این تبلت از سیم‌کارت و کارت حافظه پشتیبانی نمی‌کند، اما کاربران به دلیل کیفیت گرافیک و عملکرد پردازنده، باز هم این تبلت را در صدر جدول پرفروش‌های بازار پرداند. تبلت 13 اینچی ایپل مدل iPad Pro 2024 M4 Wi-Fi با ظرفیت 256 گیگابایت و رم 8 گیگابایت، دارای سنسور تشخیص چهره است و در بازار با قیمت 97 میلیون تومان تا 97 میلیون و 500 هزار تومان فروخته می‌شود.

۲-قهوه‌ساز اسمگ: برند اسمگ به‌دلیل طراحی جالب و رنگی خود محبوبیت زیادی دارد. مثلا قهوه‌ساز اسمگ مدل DCF02PG با قیمت حدودی ۱۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان یکی از گزینه‌های جالب‌توجه در بازار است. این قهوه‌ساز برای خانواده‌های متوسط مناسب بوده و ظرفیت مخزن آب در آن یک لیتر و ۴۰۰ میلی‌لیتر است و قوری با ظرفیت کمتر دارد. قهوه‌ساز جمع‌وجور اسمگ امکان گرم‌نگه‌داشتن قهوه را دارد و هزینه می‌تواند ۱۰ فنجان قهوه برایتان آماده کند. قهوه‌ساز اسمگ مدل DCF02CREU بزرگ‌تر است اما با دریچه لنز عریض و اسکنر LiDAR امکانات فوق‌العاده‌ای در اختیار کاربران قرار می‌دهد. دوربین سلفی فوق‌عریض این تبلت هم 12 مگاپیکسل است که با فناوری ویژه در لبه سمت راست آیپد جای گرفته، به صورت Landscape می‌تواند، تصاویر شگفت‌انگیزی ثبت کند. این تبلت از سیم‌کارت و کارت حافظه پشتیبانی نمی‌کند، اما کاربران به دلیل کیفیت گرافیک و عملکرد پردازنده، باز هم این تبلت را در صدر جدول پرفروش‌های بازار پرداند. تبلت 13 اینچی ایپل مدل iPad Pro 2024 M4 Wi-Fi با ظرفیت 256 گیگابایت و رم 8 گیگابایت، دارای سنسور تشخیص چهره است و در بازار با قیمت 97 میلیون تومان تا 97 میلیون و 500 هزار تومان فروخته می‌شود.

۳-آبمیوه‌گیری «هزار کوبین»: عصاره‌گیر هازل کوبین مدل XZJ001 با قیمت ۱۸ میلیون فروخته می‌شود و طاهری فاننژی و کمی شبیه به محصولات ایتالیایی اسمگ دارد. این برند ساخت هنگ کونگ است و می‌توان آن را به‌نوعی رقیب چینی اسمگ دانست. مدلی که در مورد آن حرف می‌زنیم تک‌کاره بوده و صدای کمی دارد و از آنجایی که بدون فیلتر ساخته شده، نظافت آن تقریبا آسان است. این آبمیوه‌گیری دو سرعته سیستم ضدچکه هم دارد.

۴-غذاساز «کوک‌پلاس»: با ۱۰ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌توانید غذاساز کوک‌پلاس مدل Promix Ef802 را بخرید که به‌دلیل رنگ‌های صدفی‌اش شهرت و محبوبیت پیدا کرده. این محصول تزکیه‌ای است و قیمت مناسب خود را هم مدیون همین موضوع است. غذاساز کوک‌پلاس با قابلیت کارکرد در ولتاژ ۲۲۰-۲۴۰ ولت با توان ۷۰۰-۱۰۰۰ واتی سروصدای زیادی ندارد. مخزن ۴/۳ لیتری آن از استیل ضدزنگ ساخته شده و دارای محفظه شفاف برای جلوگیری از بیرون ریختن مواد از داخل به خارج محفظه است. این محصول همزمان قابلیت‌هایی چون جمع‌کردن گوشت، مخلوط‌کن و همزن را دارد.

۵-چرخ‌گوشت «گاستروبک»: این مدل یکی از گران‌ترین چرخ‌گوشت‌های موجود در بازار است که طراحی شیکی دارد و از استیل ساخته شده. برای خرید چرخ‌گوشت گاستروبک کد ۸-۴۱۴۰ باید ۲۴ میلیون تومان هزینه کنید. چرخ‌گوشتی که حرفش را می‌زنیم ۳ هزار وات بوده و همچنین به کمک قطعه کیه‌ساز و سوسیس‌ساز می‌توانید سوسیس و کیه‌های سالم و لذیذ در منزل تهیه کنید. محفظه سیم برای نگهداری سیم دستگاه تعبیه شده است. گاستروبک برندی آلمانی است.

۶-شومینه برقی تیمروی: این روزها کم‌کم نصب شومینه در خانه‌های نوساز در حال منوع شدن است. اما کسانی که هنوز مایلند تا شاهد تماشای شعله آتش باشند، می‌توانند سراغ شومینه‌های برقی بروند. یکی از مدل‌های محبوب که شبیه به یک شومینه جمع وجور با بدنه سفید رنگ است، شومینه برقی شومینه «تیمروی» اصل مدل Moble-w1 که نزدیک به ۲۱ میلیون تومان قیمت دارد. این نوع شومینه گزینه بسیار مناسبی برای انواع اتاق نشیمن، اتاق خواب، دفتر کار و... است. در داخل آن از تکنولوژی لامپ‌های LED کیومصرف استفاده شده است. سوخت این محصول از برق بوده و شیشه سکوریت نشکن دارد و دارای هیتر گرمایشی است.

۷-یخچال‌فریزر امرسان: اگر از مدل و رنگ‌های یخچال‌فریزر اسمگ خوشتان می‌آید اما دنبال نمونه اقتصادی می‌گردید، امرسان یخچال‌فریزر 20 فوت مدل CB46CLA-R01 را با قیمت ۳۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای شما تولید کرده است. این مدل رنگ‌هایی چون قرمز، زرد، نارنجی و صورتی دارد و برای خانواده‌های کوچک تا متوسط مناسب است و با ظرفیت کلی ۳۵۰ لیتر، فضای کافی برای نگهداری مواد غذایی تازه و منجمد را فراهم می‌کند. این یخچال در بخش بالایی خود، دارای ظرفیت ۱۲۰ لیتر برای نگهداری است که با چهار طبقه، به کاربر امکان ساماندهی بهتر اقلام غذایی را می‌دهد. در قسمت فریزر با ظرفیت ۲۳۰ لیتر، سه کشو و سه طبقه طراحی شده‌اند. همچنین، این مدل از سیستم انجماد سریع و یخ‌ساز دستی برخوردار است که امکان تهیه سریع یخ را برای کاربران فراهم می‌سازد. این دستگاه با مصرف انرژی A، و امکاناتی نظیر سیستم گردش هوای چندگانه و سیستم عیب‌یاب هوشمند، فروش می‌رود.

۸-جاروبرقی میله: برند میله تولید کشور آلمان است و یکی از محصولات گرانقیمت این کشور محسوب می‌شود. جاروبرقی‌های میله دارای ظاهری شبیه به جاروبرقی‌های قدیمی هستند و با نگاه کردن سه آنها ممکن است تصور کنید که زمان نگذشته و در دهه ۵۰ میلادی متوقف شده است. مثلا جاروبرقی کیسه‌دار میله مدل Blizzard CX1 با فیلتر HEPA نزدیک به ۶۵ میلیون تومان قیمت دارد و یک مدل کاملا کلاسیک با بدنه آبی‌رنگ محسوب می‌شود. توان مکش دستگاه دو هزار وات است و مکش خوبی دارد اما در مصرف برق چندان خرج و دستان نمی‌گذارد. در واقع هزینه‌ای که افراد برای خرید جاروبرقی‌های کیسه‌ای میله به انواع و اقسام دارند و قیمت همه آنها بالای ۴۰ میلیون تومان است می‌پردازند، به‌خاطر برند آن و ظاهر کلاسیکش است. وگرنه از نظر تکنولوژی چندان به‌روز محسوب نمی‌شوند.

۹-ماشین‌لباسشویی دوطبقه «گرین»: ماشین لباسشویی گرین مدل GWM150DD70 COMPACT ظرفیت ۱۵ کیلوگرم ظاهر معمول را دارد و یک مدل دو طبقه با قیمت ۱۱۵ میلیون تومان است. در واقع یکی با خریدن این مدل یکی از گران‌ترین لباسشویی‌های ساخت داخل کشور را به خانه خواهید برد. این ماشین لباسشویی به صفحه نمایش لمسی مجهز است و برای ظاهر شدن صفحه نمایش، کافیست صفحه را لمس کنید. همچنین، روشنایی مخزن درام برای هر دو درام بالا و پایین این لباسشویی در نظر گرفته شده و به‌سه آسانی به کاربر این امکان را می‌دهد که از جا ماندن لباس‌ها جلوگیری کند. این ماشین‌لباسشویی به موتور دایرکت درایو مجهز شده تا بدون نویز و بدون براش کربنی عمل کند و با دوام، طول عمر بالا و بدون اصطکاک باشد. تکنولوژی هوشمند Dos-i این ماشین لباسشویی به طور خودکار وزن لباس‌ها را اندازه‌گیری می‌کند و هوشمندانه میزان تزریق مایع مخصوص کودک، مایع لباسشویی و نرم‌کننده را کنترل می‌کند.

۱۰-ظرفشویی «مجیک»: با حدود ۲۵ میلیون تومان می‌توانید ظرفشویی مجیک رومیزی را بخرید که ظاهرش ۱۸۰ درجه با دیگر ماشین‌ظرفشویی‌ها متفاوت است. ماشین‌ظرفشویی مجیک مدل KOR-1107A نقش نفره و ساخت کشور کره است و طراحی آن برای استفاده توکار مناسب خواهد بود. این دستگاه مجهز به جدول تعیین وضعیت سختی آب است و امکان شست‌وشوی سریع، شستن میوه و سبزی و ظروف کریستالی را دارد و در ضمن وظیفه تاخیر در شست‌وشو را هم به‌گردن می‌گیرد. ظرفشویی مدل KOR-1107A از صفحه نمایش لمسی برخوردار نیست ولی دکمه‌های آن به زیبایی دستگاه اضافه کرده. دارابودن دو سبد، در اتوماتیک و شست‌وشو با استفاده از بخار از قابلیت‌های مهم این دستگاه محسوب می‌شوند. این دستگاه از مصرف برق و آب پایینی برخوردار بوده و در هر چرخه شست‌وشو، هزینه‌های مصرفی پایینی روی دست شما خواهد گذاشت.

۱۱-ایرفرایر «کوربزون»: اگر کسی به شما نگوید که با یک سرگ‌تن بدون روغن طرف هستید، بعید است که بتوانید با دیدن ایرفرایر کوربزن مدل ۹۴۵ با قیمت نزدیک به ۲۷ میلیون تومان حدس بزنید که با چه دستگاهی روبه‌رو شده‌اید. این مدل ۴۵ یک دستگاه چندکاره است و با ظرفیت ۱۰ لیتری و توان مصرفی دو هزار و ۵۰۰ وات، امکان پخت سریع و یکنواخت غذاهای مختلف را به شما می‌دهد و با استفاده از فناوری گردش هوای داغ، بدون نیاز به روغن اضافی غذاهایی خوشمزه و تر تهیه می‌کند. با این دستگاه می‌توانید علاوه بر سرخ کردن، غذاهایی مانند همبرگر، استیک، سیرجیات گریل شده و حتی دسرها را بپزید. بدنه مقاوم و سطح صاف آن به شما این امکان را می‌دهد که به‌راحتی از آن استفاده کرده و پس از هر بار پخت، به‌راحتی از آن تمیز کنید. طراحی آرگونومیک و دستگیره‌های مقاوم در برابر حرارت، موجب شده تا استفاده از دستگاه ایمن باشد. ظرفیت بالا باعث می‌شود تا حجم زیادی از غذا را در یک بار پخت آماده کنید.

۱۲-ساندویچ‌ساز «کرماز»: با کمتر از ۱۰ میلیون تومان می‌توانید ساندویچ‌ساز کرماز مدل ۵-۸۳۱۰، را بخرید که محصول کشور ترکیه بوده و با رنگ صورتی ساخته شده و هزار و ۸۰۰ وات مصرف انرژی دارد. این مدل ظرفیت ساخت شش ساندویچ را داشته و در برابر ضربه مقاوم است. البته وزن بالای این ساندویچ‌ساز می‌تواند جابجایی آن را دشوار کند.

۱۳-صبحانه‌ساز «پیر»: صبحانه‌ساز پیر مدل DSL-A13F1 در واقع یک دستگاه چندمنظوره است و بسیاری از نیازهای شما را جهت تهیه یک صبحانه کامل و دلچسب مهیا می‌کند و ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد. این دستگاه دارای دو صفحه حرارتی جهت تهیه دو عدد ساندویچ به صورت همزمان و یک صفحه حرارتی مجزا جهت تهیه سرخ‌کردنی و بخارپز است. از متعلقات آن می‌بایست به ماهیتابه نسوز و قابلمه کوچک اشاره کرد. از ماهیتابه برای تهیه نیمرو، سرخ کردن بیکن، سوسیس و... استفاده می‌شود و قابلمه را می‌توان جهت پختن، بخارپز نمودن و گرم کردن مایعاتی همچون شیر به کار گرفت. از دیگر ویژگی‌های این محصول می‌توان به چفت شدن اتوماتیک در ساندویچ‌ساز، تایمر ۳۰ دقیقه‌ای، تنظیم حرارت، آلارم و صفحه‌های حرارتی مستقل اشاره کرد.

۱۴-کتری «اسمگ»: اگر بخواهید سراغ خرید کتری‌های روگازی از این برند ایتالیایی با رنگ‌های پاستیلی زیبا بروید، باید ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هزینه کنید. این مدل سرامیکی است و نشانگر سطح آب داخل مخزن را دارد و دارای سوزنزن است و کمتر از یک کیلو و نیم وزن دارد. کتری اسمگ روگازی دسته راحتی دارد که استفاده از آن را آسان کرده است.

این برند کتری‌های برقی هم دارد که برای خریدشان باید ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هزینه کنید. توان مصرفی آن دو هزار و ۲۰۰ وات بوده و ظرفیت کتری ۱/۷ لیتر است و از استیل ضدزنگ ساخته شده. امکان تنظیم دمای این دستگاه در هفت درجه از ۵۰ تا ۱۰۰ درجه را دارد و امکان گرم نگه‌داشتن و قابلیت چرخش ۳۶۰ درجه را داراست. وجود نشانگر سطح آب و فیلتر ضدرسوب قابل تعویض در کنار دستگیره پلاستیکی جزو دیگر امکانات این کتری برقی نسبتا گرانقیمت محسوب می‌شود.

۱۵: توستر «اسمگ»: توستر ۲ اسلایس پرچم انگلستان اسمگ مدل TSF01 UK یکی از گزینه‌های گرانقیمت در بازار است که برای خریدش باید ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هزینه کنید. این دستگاه با وزن ۲/۴ کیلوگرم همزمان دو عدد نان را برای شما تست می‌کند و کشوی جمع‌کننده خرده نان دارد. از دیگر امکانات این دستگاه قابلیت یخ‌زدایی و قابلیت قطع خودکار است و باید صدادرتر و ۹۵۰ وات مصرف انرژی دارد. البته اگر شما بخواهید توسترهای اسمگ را بخرید باید بودجه‌ای حدود ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان توستر اسمگ با رنگ‌های زیبا را تهیه کنید.

تجربه بازار

قیمت گوشت قرمز در آغاز زمستان

متوسط قیمت گوشت قرمز در پنج روزی که از آغاز زمستان گذشت، حدود ۴۲۷ هزار تومان بود. حداقل قیمت گوشت در کل کشور ۳۰۰ هزار تومان و حداکثر قیمت آن نیز ۵۵۰ هزار تومان اعلام شد. در تهران حداقل قیمت گوشت گوسفند ۶۰۰ هزار تومان و حداکثر آن ۶۵۵ هزار تومان است و میانگه کم تهرانی‌ها به طور متوسط برای یک کیلو گوشت گوساله باید بپردازند، ۴۵۸ هزار تومان است. اما همانطور که بارها توضیح داده‌ایم، متوسط قیمت به این معنا نیست که همین حالا در قصابی‌ها گوشت با قیمت ۴۲۷ هزار تومان فروخته می‌شود، این رقم برآورد قیمت همه قسمت‌های گوشت گوسفند و گوساله، از دنبه، ماهیچه، قلوه‌گاه و... در کل کشور است. با این اوصاف اگر به قصابی یا فروشگاه‌های بزرگ مراجعه کنید، قطعا با قیمت‌های متفاوتی روبه‌رو خواهید شد. مثلا برای خرید یک کیلو گوشت ران گوسفندی باید بین ۲۷۰ هزار تومان تا ۳۸۰ هزار تومان هزینه کنید. یک کیلو سردست گوسفندی با قیمت ۴۲۰ هزار تومان تا ۷۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود و برای خرید یک کیلو گردن گوسفندی باید بین ۹۰ هزار تومان تا ۵۵۰ هزار تومان بپردازید. یک کیلو راسته با استخوان گوسفندی با قیمت ۷۰۰ هزار تومان تا ۷۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد و برای خرید یک کیلو گوشت چرخ‌کرده بدون چربی گوسفندی باید ۸۹۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان هزینه کنید. یک کیلو گوشت خورشتی گوسفندی بدون‌استخوان و چربی با قیمت یک میلیون تومان تا یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود و برای خرید یک کیلو آبگوشتی گوسفندی باید بین ۴۸۰ هزار تومان تا ۲۰۰ هزار تومان بپردازید. یک کیلو ماهیچه گوسفندی بین ۹۸۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰ هزار تومان قیمت دارد و یک کیلو راسته مغز گوسفندی با قیمت یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بسته به این که گوشت را کدام قصابی و کدام منطقه شهر خریدی می‌کنید، به فروش می‌رسد. یک کیلو دنبه گوسفندی هم بین ۳۰۰ هزار تومان تا ۳۱۰ هزار تومان قیمت دارد. افرادی که عاشق شیشلیک هستند برای خرید یک کیلو از این گوشت باید حداقل بین ۹۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان هزینه کنند. اما کسانی که طرفدار گوشت گوساله هستند، برای خرید یک کیلو گوشت چرخ‌کرده باید بین ۵۶۰ هزار تومان تا ۶۰۰ هزار تومان بپردازند. یک کیلو ران گوساله بین ۳۲۰ هزار تومان تا ۶۳۰ هزار تومان قیمت دارد و برای خرید یک کیلو سردست گوساله باید بین ۴۰ هزار تومان تا ۶۰۰ هزار تومان هزینه کنید. قیمت یک کیلو ماهیچه گوساله از یک میلیون و ۱۵۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است. راسته گوساله با قیمت ۳۳۰ هزار تومان تا ۷۸۰ هزار تومان فروخته می‌شود و یک کیلو خرده راسته گوساله با قیمت ۴۵۰ هزار تومان تا ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد و برای خرید یک کیلو گوشت چرخ‌کرده گوساله با قیمت ۷۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. کسانی که از مغز ران گوساله برای خورش استفاده می‌کنند، برای هر کیلو باید بین ۶۰۰ هزار تومان تا ۶۳۰ هزار تومان بپردازند. کوهان گوساله هم خیلی طرفدار دارد. یک کیلو کوهان با قیمت یک کیلو و ۲۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود.

۲ هزار واحد

شاخص بورس کم آورد

در جریان معاملات دیروز بازار سهام، شاخص کل بورس تهران با رشدی کمتر از ۳ هزار واحد به سطح ۲ میلیون و ۸۴۸ هزار واحدی رسید. این در حالی بود که تمام‌کر اصلی بورس در نیمه نخست معاملات توانسته بود سقف ۲ میلیون و ۸۷۱ هزار واحدی را لمس کند. شاخص کل هم‌وزن هم روز گذشته ۰/۵ درصد افت کرد و کانال ۸۵۰ هزار واحدی خارج شد. در پایان معاملات دیروز که با ورود ۱۱۶ میلیارد تومانی پول به حوزه معاملات حقیقی همراه بود، ارزش معاملات خرد رکورد تازه‌ای را به ثبت رساند و به بیش از ۲۱ میلیارد و ۹۵۰ هزار تومان رسید. این بالاتر بن سطح این شاخص از اردیبهشت ۱۴۰۲ به حساب می‌آید. دیروز همچنین بیش از ۶۷۰ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد و سرانه خرید و فروش حقیقی‌های بازار به ترتیب ۶۸/۳ و ۶۳ میلیون تومان بود.

۲۰۶ هفتم

پرداخت وام ازدواج و فرزند آوری

پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزند آوری از ابتدای سال تا پنج دهه به بیش از ۲۰۶ هزار میلیارد تومان رسید. این تسهیلات را ۹۵۱ هزار و ۱۲۷ نفر از متقاضیان از شبکه بانکی دریافت کردند. در این مدت بالغبر ۱۷۰ همت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و بیش از ۳۶ همت تسهیلات قرض‌الحسنه فرزند آوری پرداخت شد. بر اساس آخرین آمار ارائه‌ای سال جاری تا تاریخ ۵ دی‌ماه، تعداد ۵۱۱ هزار و ۴۴۶ فقره تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج به مبلغ ۳۴۴/۷۰۷ میلیارد ریال توسط شبکه بانکی به متقاضیان پرداخت شد. همچنین در زمینه پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه فرزند آوری نیز در این مدت مبلغ ۲۷۰/۳۶۳ میلیارد ریال به ۴۳۹ هزار و ۸۸۱ نفر از متقاضیان پرداخت شده است.

رکورد معاملات شمش طلا شکست

رکورد تاریخی حجم و ارزش معاملات روزانه گواهی سپرده شمش طلا در جریان معاملات روز سه‌شنبه بازار گواهی سپرده کالایی با معامله ۱۹۱ کیلوگرم شمش طلا به ارزش ۱۲۹۰ میلیارد تومان شکسته شد. در این روز حجم معاملات گواهی سپرده شمش طلا از یک میلیون و ۹۱۱ هزار گرمی فراتر رفت تا معامله بیش از ۱۹۱ کیلوگرم شمش طلا، ارزش این معاملات نیز به بیش از ۱۲۹۰ میلیارد تومان برسد. بیش از این، بالاترین ارزش معاملات روزانه در تاریخ ۱۸ آذر ماه به ارزش ۹۳۵ میلیارد تومان به ثبت رسیده بود.

۱ هزار تن

رشد واردات گوشت قرمز

طبق آمار در ۸ ماهه امسال ۱۸۱ هزار تن گوشت گرم، منجمد و دام زنده وارد شده است. افشین صدرادرس، مدیرعامل اتحادیه دام و گوشت گوسفندی با بیان این خبر اعلام کرد، هم اکنون متوسط قیمت هر کیلو دام زنده ۲۷۰ تا ۲۷۵ هزار تومان است که براین اساس نرخ منطقی لاشه درب کشتارگاه ۵۵۰ هزار تومان است. به گفته او، با توجه به این که حدود کمتر از نیمی از تولید دام تمام شده است، در این فصل قیمت دام سبک باید افزایش می‌یافت که به دلیل حجم تولید، واردات و تقاضای بازار قیمت روند کاهشی داشته است. صدرادرس درباره آخرین وضعیت واردات گوشت توضیح داد، تیار آمارگمرک در ۸ ماهه امسال ۱۸۱ هزار تن گوشت گرم، منجمد و دام زنده با ارزش یک میلیارد و ۲۰ میلیون دلار وارد شده است. مدیرعامل اتحادیه با بیان اینکه حجم واردات گوشت از ۲۰ درصد بالاتر است، اعلام کرد، اگر حجم واردات را با حجم گوشت کشتارگاه‌های تولیدی مقایسه کنیم، حدود ۴۰ درصد گوشت مورد نیاز از طریق واردات تامین می‌شود.

بازارگردی

خانواده‌های ایرانی از کدام چای‌ها استقبال می‌کنند؟

بررسی و مقایسه سه مدل چای که در بازار دیده می‌شوند

چای بازندگی ایرانی‌ها می‌تواند نگاهستنی دارد. اغلب خریداران طعم چای خارجی را ترجیح می‌دهند. اما این روزها چای ایرانی هم که کمی به صرفه‌تر است، جای خود را در بازار باز کرده و البته اغلب آنها بسته‌بندی نشده‌اند و به صورت «باز» فروش می‌روند. از طرف دیگر کسانی که عجول‌تر هستند، سراغ چای‌های کیسه‌ای می‌روند که بیشترشان در بسته‌بندی‌های ۲۵ عددی تا ۱۰۰ عددی در بازار پیدا می‌شوند و البته اغلبشان هم چای خارجی هستند. چای سبز و ماسالا هم فروش خوبی دارند که البته حسابشان از چای سیاه جداست.

۱ چای سیاه خارجی

یکی از پرفروش‌ترین چای‌های ایرانی چای سیاه کلکته شهرزاد است که با وزن ۵۰۰ گرم به قیمت نزدیک به ۳۵۰ هزار تومان فروخته می‌شود. با همین وزن و قیمتی که هزار تومان کمتر است، می‌توانید سراغ چای احمد هم بروید که گزینه پرفروشی محسوب می‌شود. این نوع از چای احمد با قیمت ۳۴۹ هزار تومان دارای طعم هل است. اگر چای طعم‌دار بخواهید، چای ارل‌گری که شرکت گلستان آن را بسته‌بندی کرده و به وزن ۵۰۰ گرم انتظارتان را می‌کشد و قیمت آن تقریبا ۳۲۰ هزار تومان است. چای سوفیا با وزن ۴۰۰ گرم و قیمت ۳۹۰ هزار تومان هم فروش خوبی دارد. چای سیاه ارل‌گری بدون عطر با وزن ۱۰۰ گرم و قیمت ۴۹ هزار و ۴۰۰ تومان جزو ارزان‌ترین بسته‌های موجود در ایران محسوب می‌شود.

اما اگر حساب شخصی شخص خود را به حساب جاری تبدیل کنید و این موضوع را به سازمان مالیاتی خبر ندهید، ممکن است برایتان گران تمام شود. اگر طبق قانون هم برای شناختن این حساب‌ها طراحی شده است. یکی از آنها فعالیت‌های حساب است. مثلا اگر حساب شما به یک دستگاه کارتخوان وصل باشد و هر روز از طریق آن کارتخوان به حسابتان پول واریز شود، احتمال تجاری‌بودن حساب خیلی بالا می‌رود. نوع تراکنش‌ها هم در این موضوع اهمیت زیادی دارد. اگر تراکنش‌های واریزی به حساب شخصی شما وجود دارد، مانور داده می‌شود. یعنی اگر در یک ماه بیش از ۱۰۰ بار به یکی از حساب‌های شما پول واریز شود و جمع مبلغ واریزی‌ها هم از ۳۵ میلیون تومان فراتر برود، دیگر طبق قانون حساب شما شخصی نیست. پس با این اوصاف هر میزان خرید از دستگاه کارتخوان با خرید از درگاه اینترنتی یا حتی انتقال وجه شتابی و برداشت از حساب باعث تجاری شدن حساب شخص نمی‌شود.

البته بانک مرکزی برای شناسایی حساب‌های تجاری فقط تعداد تراکنش‌ها را نمی‌شمارد. چون راه‌های دیگری هم برای شناختن این حساب‌ها طراحی شده است. یکی از آنها فعالیت‌های حساب است. مثلا اگر حساب شما به یک دستگاه کارتخوان وصل باشد و هر روز از طریق آن کارتخوان به حسابتان پول واریز شود، احتمال تجاری‌بودن حساب خیلی بالا می‌رود. نوع تراکنش‌ها هم در این موضوع اهمیت زیادی دارد. اگر تراکنش‌های واریزی به حساب شخصی شما وجود دارد، مانور داده می‌شود. یعنی اگر در یک ماه بیش از ۱۰۰ بار به یکی از حساب‌های شما پول واریز شود و جمع مبلغ واریزی‌ها هم از ۳۵ میلیون تومان فراتر برود، دیگر طبق قانون حساب شما شخصی نیست. پس با این اوصاف هر میزان خرید از دستگاه کارتخوان با خرید از درگاه اینترنتی یا حتی انتقال وجه شتابی و برداشت از حساب باعث تجاری شدن حساب شخص نمی‌شود.

البته بانک مرکزی برای شناسایی حساب‌های تجاری فقط تعداد تراکنش‌ها را نمی‌شمارد. چون راه‌های دیگری هم برای شناختن این حساب‌ها طراحی شده است. یکی از آنها فعالیت‌های حساب است. مثلا اگر حساب شما به یک دستگاه کارتخوان وصل باشد و هر روز از طریق آن کارتخوان به حسابتان پول واریز شود، احتمال تجاری‌بودن حساب خیلی بالا می‌رود. نوع تراکنش‌ها هم در این موضوع اهمیت زیادی دارد. اگر تراکنش‌های واریزی به حساب شخصی شما وجود دارد، مانور داده می‌شود. یعنی اگر در یک ماه بیش از ۱۰۰ بار به یکی از حساب‌های شما پول واریز شود و جمع مبلغ واریزی‌ها هم از ۳۵ میلیون تومان فراتر برود، دیگر طبق قانون حساب شما شخصی نیست. پس با این اوصاف هر میزان خرید از دستگاه کارتخوان با خرید از درگاه اینترنتی یا حتی انتقال وجه شتابی و برداشت از حساب باعث تجاری شدن حساب شخص نمی‌شود.

البته بانک مرکزی برای شنا

نشانه‌هایی از اصلاحات گسترده در قوانین کشور

قوه قضائیه می‌خواهد قانون اجرای احکام، قانون مبارزه با مواد مخدر و قانون جرایم رایانه‌ای را اصلاح کند

معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه از تدوین و ارسال پیش‌نویس ۱۰ لایحه قضایی به حوزه ریاست یا معاونت اول قوه قضائیه خبر داد.

آن طور که ایسنا گزارش داده و بهزاد پورسید اعلام کرده در بازه زمانی فروردین تا پایان شهریورماه سال ۱۴۰۳، لایحه‌های «اصلاح قانون اجرای احکام مدنی» (مشتمل بر ۵۱ ماده)، «اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری» (مشتمل بر ۳۷ ماده)، «اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» و «طرح اصلاح قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور» (مشتمل بر ۱۶ ماده)، به حوزه ریاست قوه قضائیه ارسال شده است.

لایحه‌های «اصلاح ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی» (دربردارنده ۱ ماده)، «اصلاح و الحاق موادی به قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم آزمون‌های سراسری» (دربردارنده ۱۰ ماده)، «اصلاح ماده واحده قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ آنان مسلم است» (دربردارنده ۱ ماده و ۳ تبصره) و «اصلاح قانون جرایم رایانه‌ای» (دربردارنده ۵۰ ماده) نیز طی همین مدت به معاونت اول قوه قضائیه ارسال شده است.

همچنین ۲ لایحه «اصلاح موادی از قانون امور حسبی» (تدوین شده در ۳۰ ماده) و «لایحه صیانت از حقوق عامه» (تدوین شده در ۲۷ ماده) ابتدا به حوزه ریاست ارسال شده است و در حال حاضر نیز در معاونت اول، مرحله بررسی را می‌گذراند.

پیش‌نویسی برای ۲۰ مقرره

هم‌چنین به گفته او پیش‌نویس ۲۰ مقرره اعم از آیین‌نامه، دستورالعمل، شیوه‌نامه و بخش‌نامه، طی شش ماهه نخست سال جاری، پس از گذار از مراحل مختلف تدوین به مراجع ذیصلاح ارسال شده که از این تعداد، ۶ فقره از پیش‌نویس‌های ارسالی، در بازه زمانی مذکور، به تصویب رسیده است.

مقررات مصوب یادشده عبارتند از: «آیین نامه قانون شوراهای حل اختلاف» (در ۳۶ ماده و ۹ تبصره مصوب ۱۶ خرداد ۱۴۰۳)، «شیوه نامه احراز توبه» (در ۵ ماده مصوب ۱۰ تیر ۱۴۰۳)، «بخشنامه اتخاذ رویه واحد در تدوین مقررات و قوانین و تعامل صحیح قوه قضائیه با مراجع تصویب قوانین و مقررات» (ابلاغی ۱۶ تیر ۱۴۰۳ رئیس قوه قضائیه)، «آیین‌نامه ترتیب اقدامات سازشی در شوراهای حل اختلاف» (در ۳۴ ماده و ۱۰ تبصره مصوب ۲۱ مرداد ۱۴۰۳)، «دستورالعمل نحوه نظارت معاون اول قوه‌قضائیه بر فرایند تدوین لوایح، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها» (در ۳ ماده و ۲ تبصره مصوب ۶ شهریور ۱۴۰۳) و «دستورالعمل ماده ۱۵ آیین نامه ساماندهی بایگانی راکد، اسناد و اموال آرشیوی قوه قضائیه» (مشتمل بر ۴۰ ماده و ۱۱ تبصره مصوب ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ هیات تشخیص مرکزی).

پیش‌نویس مقررات متعدد دیگر (مشتمل بر ۱۳ فقره)، طی مدت یادشده به مراجع ذیصلاح ارسال شده و در انتظار بررسی و تصویب است که عناوین آن عبارتند از: «دستورالعمل ساماندهی و تأمین نیروهای قضائی مناطق محروم» (ارسال به معاونت اول، شامل ۱۸ ماده و ۲ تبصره)، «اصلاح دستورالعمل حفظ شأن و منزلت کارکنان قوه قضائیه» (ارسال به حوزه ریاست، شامل ۷ بند)، «بخشنامه موضوع بند پ ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری» (ارسال به حوزه ریاست)، «دستورالعمل جامع تقدیر در قوه قضائیه» (ارسال شده به حوزه ریاست، شامل ۲۳ ماده و ۱۴ تبصره)، «بخشنامه راجع به احضار پزشکان و کارشناسان سازمان پزشکی قانونی به مراجع قضایی» (ارسال شده به حوزه ریاست)، «شیوه نامه نحوه ارتقای قضات دادسرا و دادگاه‌های نخستین» (ارسال شده به حوزه ریاست، شامل ۱۴ ماده و ۱ تبصره)، «دستورالعمل رسیدگی به دعاوی ورشکستگی» (ارسال شده به معاونت اول، شامل ۱۸ ماده و ۱ تبصره)، «آیین نامه ماده ۳ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول» (ارسال شده به معاونت اول، شامل ۲۹ ماده و ۱۴ تبصره)، «آیین‌نامه ماده ۷ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول» (ارسال شده به معاونت اول، شامل ۷ ماده و ۴ تبصره)، «اصلاح ماده ۵۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده ۳ قانون راجع به اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی» (ارسال شده به حوزه ریاست شامل ۱ ماده)، «دستورالعمل شیوه ایجاد شعب تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری و بانکی» (ارسال شده به معاونت اول شامل ۱۳ ماده و ۳ تبصره)، «آیین نامه نحوه واگذاری اجرای تدابیر نظارتی مربوط به مراقبت‌های الکترونیکی زندانیان به بخش خصوصی» (ارسال شده به معاونت اول شامل ۲۰ ماده و ۲ تبصره) و «دستورالعمل نحوه احتساب سنوات خدمت تمام وقت کارکنان شوراهای حل اختلاف» (تبصره ماده ۳۷ قانون شوراهای حل اختلاف) (اعمال اولویت و امتیاز نیروهای شاغل) (ارسال شده به معاونت اول، شامل ۲۰ ماده ۲ تبصره).

بررسی لوایح مجلس

پورسید همچنین گفت: در شش ماه نخست سال جاری، مستشاران قضایی معاونت حقوقی و امور مجلس، در ۵۱ نشست کارشناسی حضور داشتند و برخی از نشست‌های مذکور با موضوعاتی همچون «بررسی انطباق و عدم مغایرت لایحه تجارت با سیاست‌های کلی نظام»، «اصلاح قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز»، «جلسه بررسی لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور»، «آیین نامه اجرایی حمایت از گزارش گران فساد»، «آیین‌نامه ساماندهی تعزیرات حکومتی»، «هفتمین جلسه کمیسیون فرعی حقوقی و قضایی لایحه مربوط به روش‌های کمک باروری در مراکز درمان ناباروری» و «لایحه اصلاح ماده ۱۰۰ قانون شهرداری»، «لایحه حمایت از داده‌های شخصی»، «بند الف ماده ۱۱۷ برنامه هفتم توسعه»، «جلسه بررسی نحوه اداره و بهره برداری از آپارتمان‌ها»، «استرداد لایحه اصلاح تبصره (۶) الحاقی به ماده واحده قانون ابطال اسناد فروش، رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۸۰» برگزار شده است.

وی در رابطه با اظهار نظرهای کارشناسی گفت: طی شش ماه نخست امسال (۱۴۰۳)، بررسی‌های متعددی در موضوعات مختلف کیفری، حقوقی و عمومی و بین‌الملل انجام شده که حاصل آن ارائه تعداد ۱۰۳ اظهارنظر به مرجع درخواست کننده است.

نکته

دو نکته دیگر در مورد صلاحیت دادگاه‌های صلح

درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۱۰۷

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

این هفته نیز چند نکته دیگر را در خصوص دادگاه‌های صلح مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. یکی دیگر از مواد مهم در قانون جدید شوراهای حل اختلاف (دادگاه صلح) ماده ۱۱ آن است. نکاتی در مورد این ماده مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اول اینکه به موجب این قانون در یک سری از موضوعات حتی با توافق اشخاص امکان طرح آن در شورا وجود ندارد و اینکه با تشکیل دادگاه صلح، شوراهای حل اختلاف، دیگر صلاحیت رسیدگی به دعاوی اشخاص را ندارند مگر برای صلح و سازش. بنابراین شوراها نقش میانجی‌گری دارند و نه رسیدگی به تنازع اشخاص. با این وصف در ماده ۱۱ مقرر شده است که در مورد موضوعات زیر شوراها حتی اجازه سازش هم ندارند.

- اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، بطلان نکاح، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، رجوع، نسب، ولایت قهری و قیمومت
- اختلاف در اصل وقفیت و وصیت و تولیت
- دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی
- دعاوی راجع به وجوه و اموال عمومی و دولتی و انفال
- اموری که به‌موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قانونی غیر دادگستری می‌باشد.

حال سوال این است که اگر در هر یک از موضوعاتی که به آن اشاره شد؛ اختلاف و تنازعی رخ دهد چطور؟ در این صورت این موضوعات هیچ یک در صلاحیت دادگاه صلح نیز نخواهد بود و باید در دادگاه عمومی مورد رسیدگی قرار گیرد.

دوم اینکه پرونده‌هایی که سابق در شورا رسیدگی می‌شد، از این پس در دادگاه صلح رسیدگی خواهد شد.

سوم اینکه، دعاوی کمتر از ۲۰ میلیون تومان نیز در صلاحیت دادگاه صلح است اما همان‌طور که پیش از این گفته شد این دعوی تا ۵۰ میلیون قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است.

چهارم اینکه هزینه دادرسی در دادگاه صلح مطابق هزینه‌های دادرسی در دادگاه عمومی است.

پنجم هزینه دادرسی در شورای حل اختلاف و نه دادگاه صلح در دعاوی غیر مالی معادل دادگاه و در دعاوی مالی معادل ۵۰ درصد هزینه دادرسی در دادگاه است.

ششم پاسخ به این سوال است که در صورتی که دعوی جهت صلح و سازش به شورا برود و در شورا گزارش اصلاحی صادر شود آیا این گزارش اصلاحی قابل اعتراض است؟

به موجب ماده ۲۵ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۲، اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا و نیز اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضائی است و چنانچه تصمیم یا گزارش اصلاحی توسط مرجع رسیدگی به اعتراض نقض شود، مرجع مذکور موظف است راساً به پرونده رسیدگی و رای صادر کند.

در تبصره این ماده آمده است که گزارش اصلاحی قطعی است و در صورتی که یکی از طرفین به دلیل عدم تطابق گزارش اصلاحی با توافق صورت گرفته، به گزارش اصلاحی اعتراض داشته باشد، با دستور دادگاه صلح اجرای گزارش اصلاحی متوقف و در همان دادگاه به اعتراض رسیدگی می‌شود.

این بدان معناست که به گزارش اصلاحی نمی‌توان اعتراض کرد بلکه تنها می‌توان در صورتی که با توافق حاصله تطابق ندارد به آن اعتراض کرد.

* راه ارتباطی با وکیل:
وب سایت: mahtabsahabi.com
اینستاگرام: vakil_sahabii@

روزی روزگاری وکالت (۳۷)

به بهانه زادروز عیسی مسیح

حقوق اقلیت‌های دینی در ایران

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

در تقویم رسمی ما ۵ دی ماه ولادت حضرت عیسی مسیح گرامی داشته شده است، روزی که (برخی از) مسیحیان «کریسمس» را جشن می‌گیرند. مطابق اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند. پس، دین رسمی در ایران اسلام، مذهب شیعه و فرقه جعفری است (در متن قانون اساسی «مذهب» به جای «فرقه» به کار رفته است؛ زیرا جعفری اثنی عشری و زیدی دو فرقه مذهب تشیع، و حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی چهار فرقه اهل تسنن هستند). در مورد دیگر ادیان الهی، اصل سیزدهم تکلیف را روشن کرده است: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند». منظور از اصطلاح «احوال شخصیه» ازدواج، طلاق، ارث و وصیت است؛ برای نمونه می‌توان به «آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران» مصوب سال ۱۳۸۶ انجمن موبدان تهران اشاره کرد. با مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در می‌یابیم که بررسی این اصل در فضایی پرچالش صورت گرفته و دو روز ۲۵ و ۲۷ شهریور ۱۳۵۸ را به خود اختصاص داده است. در میان گفت‌وگوها محمدجواد حجتی کرمانی (نماینده استان کرمان) بیان می‌کند: «نامه‌ای از طرف اقلیت صابئین ایران رسیده و درخواست کرده‌اند نام آن‌ها با استناد به آیه «ان الذین آمنوا و الذین هادوا والنصاری و الصابئین...» هم ذکر شود»؛ سرانجام از ۵۹ نفر حاضر در جلسه، اصل کنونی با ۵۱ موافق، شش مخالف و سه ممتنع به تصویب می‌رسد.

اگرچه در قانون اساسی مشروطیت به دین رسمی اشاره‌ای نشده بود، ولی در اصل اول متمم این قانون بیان گردید: «مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است. باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد». منطقی بود که به جای کلمه «مذهب»، واژه «دین» به کار رود که صحیح‌تر است. همچنین به اصطلاح «مذهب» که در این جا تشیع است اشاره نشده، و «طریقه» که گرایش‌های تصوف را به ذهن متبادر می‌کند به جای کلمه «فرقه» به کار رفته، در این متن هیچ اشاره‌ای به اقلیت‌های دینی و یا دیگر مذاهب اسلامی نگردیده است.

در مورد وضعیت غیرمسلمانان، شادروان دکتر سیدمحمدهاشمی استاد برجسته حقوق اساسی در کتاب «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» به این موضوع پرداخته و با توجه به اصل چهاردهم قانون اساسی (مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند) و دیگر اصول معتقدند غیرمسلمانانی که رسمیت ندارند، حق برخورداری از اخلاق حسنه و قسط و عدل و برخورد منصفانه را در معاشرت‌های متداول خود دارا می‌باشند و از حقوق انسانی همچون حق حیات، امرار معاش، تحصیل و کار که برای همه شهروندان بدون هیچ گونه تبعیضی مقرر است؛ بهره مند هستند.

در پی ایجاد محدودیت‌هایی برای اهل حق در ادارات و سازمان‌های دولتی در دهه ۶۰ خورشیدی، نخست وزیر وقت (میرحسین موسوی) در بخش‌نامه‌ای روی سربرگ نخست وزیری با تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۶۷ این گونه نهادهای اجرایی را خطاب قرار می‌دهد: «وظیفه همه مدیران اجرایی کشور، اجرای کلمه به کلمه قانون اساسی و حراست از حقوق همه آحاد ملت در چهارچوب قوانین و مقررات کشور اسلامی است... گزارش‌های رسیده به اینجانب حاکی است که در برخی مناطق آحاد «اهل حق» نه تنها از پذیرش در نهادها و ادارات منع شده‌اند، بلکه تأسف بارتر از آن این که جلوی تحصیل آنان گرفته شده است... موضوع بالا در جلسه رؤسای محترم سه قوه طرح گردید و همه بالاتفاق بر این عقیده بودند که این نوع اعمال خلاف قانون، برخلاف مصالح کشور است... همه دستگاه‌های اجرایی... با نظارت دقیق خود جلوی این گونه تکروی‌های اجرایی را به قوه بگیرند...»

اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده برای منصب قضا دارای محدودیت هستند؛ بر اساس بند دوم ماده ۱۳ «آیین نامه نحوه جذب، گزینش، و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضات» (۱۳۹۲) «اعتقاد و التزام عملی به دین مبین اسلام» از شرایط عمومی داوطلبان به شمار می‌رود. خوشبختانه در «قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت» (۱۳۷۶) گرچه در بند (الف) ماده ۲ «اعتقاد و التزام عملی به احکام و مبانی دین مقدس اسلام» شرط شده؛ اما در تبصره چهارم همین ماده، اقلیت‌های مذهبی رسمی از دارا بودن این شرط مستثنا شده‌اند. اقلیت‌های دینی ایران وکلای مشهوری داشته‌اند که در میان جامعه مسیحیان می‌توان از آقای دکتر هویک بهبو استاد دانشگاه و نویسنده کتاب ارزشمند «مسلمان و ارث غیرمسلمان»، از هم وطنان زرتشتی شادروان بانو توران شهریاری حقوق‌دان، شاعر و عضو پیشین هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز، و سرانجام از اعضای خانواده محترم کلیمیان ایران، آقای خسرو ناقی حقوق‌دان، ادیب، فعال فرهنگی و نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی، نام برد.

* برای ارتباط با وکیل می‌توانید به ایمیل زیر یا آی دی EbrahimAyoubi در شبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.
ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

رای

آیا قانونی در خصوص مالیات مهریه داریم؟

یک طرح در مجلس باعث سوء تفاهم حقوقی برای مردم شده است

هانیه اشتغالی
وکیل دادگستری

مهریه، به عنوان تعهد مالی زوج در برابر زوجه، بر اساس ماده ۱۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم، معاف از مالیات شناخته شده است و زوجه یا خانم بهعنوان دریافتکننده آن تعهدی در خصوص پرداخت مالیات ندارد. اما در طی ماههای اخیر، به ویژه در فضای مجازی، از لزوم پرداخت مالیات بر مهریه سخن گفته میشود که باید دید به چه معناست.

در سالهای اخیر افزایش قیمت سکه و افزایش مراجعه به دادگاهها و ادارات اجرای ثبت برای وصول مهریه و بهدنبال آن عدم توانایی اغلب مردان در پرداخت و روانه زندان شدن آنان قانونگذار را به این فکر واداشت که با تصویب قانونی از افزایش دعاوی مربوط به مهریه و تبعات اجتماعی آن جلوگیری کند. بنابراین در طی دوره حیات مجلس یازدهم طرح اصلاح قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مهریه در دستور کار مجلس قرار گرفت، و در جامعه نیز بازتاب گستردهای پیدا کرد. با این وجود این طرح در مجلس یازدهم به نتیجهای نرسید. اکنون با شروع به کار مجلس دوازدهم طرح مذکور مجدداً توسط تعدادی از نمایندگان مطرح شده و در دستور کار کمیسیون قضایی و حقوقی قرار گرفتهاست و کلیات آن نیز مورد تصویب کمیسیون قرار گرفته است.

اما اگر این طرح مورد تصویب مجلس دوازدهم قرار بگیرد با چه چیزی مواجه خواهیم بود؟ آیا آنچه مورد تصویب قانونگذار قرار میگیرد مالیات بر مهریه خواهد بود؟

آنچه در نتیجه وضع این قانون با آن رو به رو خواهیم بود «حقالثبت مهریه» است که البته میتواند نوعی مالیات در معنای عام آن تلقی شود. مبلغ حقالثبت باید به خزانه دولت پرداخت شود. همانطور که زمانی که فردی بخواهد ملکی را در دفتر اسناد رسمی بخرد یا بفروشد، حقالثبت آن را پرداخت می‌کند. در مورد مهریه هم طبق طرح مطرح شده به مهریههای تا ۱۴ سکه حقالثبت تعلق نمیگیرد، اما برای بیش از این میزان، باید مبلغی مطابق درصد تعیینشده پرداخت شود. بر این اساس میزان حق ثبت، برای مهریه حقالثبت‌های بین ۱۴ تا ۱۰۰ سکه، چهاردهم درصد قیمت سکه‌ها، برای مهریه‌های بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ سکه، ۲ درصد آن و برای مهریه‌های ۲۰۰ سکه به بالا، ۱۵ درصد خواهد بود.

این طرح، در صورت تصویب، شامل حال کسانی خواهد شد که بخواهند پس از تصویب قانون ازدواج خود را به ثبت برسانند و زوجینی که پیش از تصویب قانون عقد کردهاند مشمول آن نخواهند بود. این که پرداخت حقالثبت بهعهده چه شخصی است هنوز در هالهای از ابهام است، اما اصولاً باید برعهده هر دو طرف قرار گیرد.

از آنجا که پیشبینی میشود با تصویب این قانون افراد برای تعیین مهریه به سایر اموال مانند ملک، طلا و رمز ارز هدایت شوند، گفته شدهاست اگر زوجین بهجای سکه مال دیگری را بهعنوان مهریه درنظر بگیرند، آن مال نیز مشمول حقالثبت خواهد شد.

باز هم باید تذکر داد که این امر که آیا حقالثبت بر مهریه مراحل تصویب را پشت سر گذاشته و به صورت قانون وضع خواهد شد یا نه و این که در صورت تصویب، با توجه به نظام حقوق و تعهدات نابرابر زوجین در قبال یکدیگر و نقشی که مهریه در تعدیل این نابرابری بازی میکند، چقدر میتواند در خصوص مهریههای سنگین نقش بازدارنده داشته باشد، محل تردید است. آنچه قطعی است همان است که در خط اول این نوشته آمده بود. اینکه فعلا: بر اساس ماده ۱۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم، معاف از مالیات شناخته شده است.

* برای ارتباط با نویسنده، از طریق ایمیل hanie.eshteghali@gmail.com یا شماره تلفن ۰۹۱۲۲۱۴۲۹۸۲ اقدام کنید.

پارکه / مصطفی آرانی

می‌خواهم فرزندخواندگی بچه‌ام را به خواهرم بدهم؛ چه کنم؟

پاسخ به سوالاتی در مورد طلاق از همسری که با خانواده مادر و پدرش زندگی می‌کند، حضانت دختر ۱۵ ساله و ...

این هفته به یک سوال مطرح شده از سوی مخاطبان روزنامه و سه سوال مطرح شده از سوی مخاطبان سایت دادراه پاسخ می‌دهیم:

۱ سوال: ما ۸ واحد هستیم. ۴ واحد پارکینگ داریم. ۴ واحد دیگر پارکینگ ندارند. آیا کسانی که پارکینگ ندارند می‌توانند موتور و ... داخل پارکینگ بیاورند؟

پاسخ: چنین حقی وجود ندارد. فضای پارکینگ یک فضای مشاعی است به جز محدوده پارکینگ که در سند هر شخص آمده و استفاده از فضای مشاعی صرفا با جلب رضایت همه ساکنین ممکن است.

۲ سوال: می‌خواهم فرزند خودم را به خواهرم بدهم. باید چه کنم؟

پاسخ: این کار از نظر قانونی ممکن نیست. ممکن است که طبق توافقی بین شما و خواهرتان این فرزند در خانه وی و تحت نظر وی بزرگ شود (که البته از نظر روانی توصیه نمی‌شود) ولی این کار خواهر شما را به عنوان مادر آن فرزند درنمی‌آورد و تحت قواعد فرزندخواندگی نیست.

۳ سوال: دختر ۱۵ ساله هستم. پدر و مادر من ۳ سال است که از هم جدا شدند. در این سه سال پدرم مشروب مصرف می‌کرد و مرا کتک می‌زد و به همین دلیل من آمدم پیش مادرم. اما پدرم مزاحمت ایجاد می‌کند و می‌گوید دختر من باید پیش من باشد. در این سه سال مرا مدرسه هم نفرستاد. باید چه کنم؟

پاسخ: شما حق دارید در این سن انتخاب کنید که با پدر یا مادر زندگی کنید و باید از طریق دادگاه خانواده توسط مادرتان اقدام کنید تا حضانت به ایشان داده شود. بعد از آن هم اگر مزاحمتی داشته باشید می‌توانید از او شکایت کنید.

۴ سوال: ۱۴ سال است ازدواج کردم. ۷ سال با مادر شوهر و همسر مادرشوهرم که عموی شوهرم است زندگی کردم و از ۴ سال قبل به خانواده‌شان گفتم دیگر نمی‌توانم با آن‌ها زندگی کنم و یک سال است به منزل پدرم برگشتم. تا قبل از اجرا گذاشتن مهریه به مدت ۷ ماه به من نفقه پرداخت می‌کردند و الان ۸ ماه است که پرداخت نکرده. به خاطر خونریزی زیاد نیاز به عمل داشتم که رضایتنامه را امضا نکرد که با نامه پزشکی قانونی عمل کردم. آیا در صورتی که خودم ترک منزل کردم می‌توانم به خاطر پرداخت معوقه نفقه و عسر و حرج زندگی با خانواده شوهر طلاق بگیرم؟ البته دو بار هم ادعای اجاره منزل شد ولی من متوجه شدم که سرمایه کافی ندارند. جهیزیه مرا هم به خاطر مهاجرت فروختند و به من گفتند برو و هر وقت پول جمع شد به تو می‌گوییم.

پاسخ: در صورتی که همسر برای شما منزلی تهیه نکند عملا شما حق دارید از ایشان تمکین نکنید و به خانه پدر خود بازگردید یا به هر جای دیگر. بنابراین در اینجا تخلفی از سوی شما صورت نگرفته است. در حال حاضر هم حق شکایت بابت نفقه را دارید و هم می‌توانید به خاطر عسر و حرج ناشی از عدم توانایی برای تامین منزل با توجه به مدت زمان طولانی سپری شده از ازدواج برای طلاق اقدام کنید.

پارکه پنجشنبه هر هفته در همین صفحه، به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ ارسال کنید:
PR@7sobh.com
Mo.masjedi@gmail.com

جرم دسترسی غیرمجاز رایانه‌ای

آنچه یک شهروند باید از حقوق کیفری بداند – ۵۲

آرمان احمدی
وکیل پایه یک

درسنامه

استفاده از رایانه و شبکه جهانی داده‌ها در زندگی کنونی و جرائمی که در این حوزه رخ می‌دهد سبب شد که قانون‌گذار با تصویب قانون جرائم رایانه‌ای مرتکبان این حوزه را متحمل مجازات کند.

همین ابتدای کار بگوییم که برخلاف عقیده باور عامه و البته برخی از حقوق‌دانان، استفاده از نرم‌افزار فیلترشکن با توجه به عدم تصریح قانونی جرم نیست و مجازات استفاده کننده از فیلترشکن دارای اشکال است، اما قانون‌گذار در ماده بیست و یک قانون جرایم رایانه‌ای ارائه دهندگان خدمات دسترسی اینترنتی را مکلف کرده تا با توجه به مصوبات کمیته تعیین محتوای مجرمانه مطالب تعیین شده کمیته را پالایش نموده و در صورت لزوم از دسترس خارج نمایند.

اما امروز می‌خواهیم در مورد دسترسی غیرمجاز رایانه‌ای صحبت کنیم که از جمله جرائم رایانه‌ای و علیه حریم خصوصی اشخاص است که توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده است.

دسترسی غیرمجاز رایانه‌ای به چه معناست؟ دسترسی عمدی اشخاص بدون مجوز قانونی به داده‌ها و سامانه‌هایی که با تدابیر امنیتی محافظت می‌شوند جرمی است علیه محرمانگی و حریم محافظت شده قانونی. مانند آنکه شخصی بدون رضایت و اجازه دیگری تلفن همراه او را که دارای رمز است برداشته و با شکستن رمز به محتوای آن دست پیدا کند. این جرم در قانون جرایم رایانه‌ای مورد توجه قرار گرفته است.

براساس ماده ۱ این قانون، دسترسی غیرمجاز رایانه‌ای زمانی محقق می‌شود که شخصی به طور غیرمجاز به داده‌ها (اطلاعات) یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به وسیله تدابیر امنیتی محافظت شده‌اند، دسترسی پیدا کند. مرتکبان این جرم برای رسیدن به این مقصود ممکن است اقدام به ساخت سایت‌هایی به ظاهر امن نموده و بدین ترتیب با ورود کاربر به این سایت‌ها اطلاعات وی را مورد هجوم قرار داده و به ضرر وی مورد استفاده قرار می‌دهند که این ارتکاب عمل می‌تواند حائز انگیزه‌های مالی یا امنیتی و یا اجتماعی باشد. همچنین برای اینکه جرم دسترسی غیرمجاز تحقق یابد صرف دسترسی غیرمجاز توسط مرتکب کفایت می‌کند و نیاز نیست که مرتکب این جرم از طریق دسترسی خود منتفع شود. به دیگر معنا جرم دسترسی غیرمجاز رایانه‌ای جرمی مطلق است. درست است که مرتکب دسترسی غیرمجاز ممکن است بعد از دسترسی انتفاعاتی را برای خود حاصل کند اما این امر باعث مقید شدن این جرم نیست.

مجازات قانونی جرم دسترسی غیرمجاز رایانه‌ای چیست؟ مجازات جرم دسترسی غیرمجاز رایانه‌ای در خصوص داده‌هایی که سری نیستند در ماده ۱ قانون جرایم رایانه‌ای بیان شده است. بر این اساس: مرتکبین این جرم، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

* برای ارتباط با ایشان می‌توانید با صفحه اینستاگرامی armanahmadi7 تعامل کنید.

آخر هفته

رقابت برای آقای گلیِ شرم‌آور
صفحه ۱۲

چرا سیاستمداران از اشک می‌گریزند؟
صفحه ۱۴

حرف های داغ هفته

خسرو خسروشاهی

(در آیین تقدیر از یک عمر فعالیت در عرصه دوبله که با حضور چهره‌ها برگزار شد، دقایق کوتاهی سخن گفت.) من در تمام فیلم‌ها با شما حرف زدم شما را خنداندم، گریاندم و لحظات زیادی را با هم بودیم. امروز هم به احترام شماها به این مراسم آمده‌ام زیرا شرایط جسمانی خوبی نداشتم. سعی می‌کنم مثل یک ورزشکار تمرین کنم تا همچنان فرم خودم را از دست ندهم، اگر فیلمی بود تلاش می‌کنم تا دوبله کنم هرچند در فیلم «جوکر ۲» خیلی اذیت شدم. بچه‌های دوبله به یکباره مثل برگ خزان روی زمین ریختند، کسی دیگر در دوبله نمانده است و امیدوارم چراغ دوبله خاموش نشود.

ایسنا
۳ دی

پوران درخشنده

متاسفانه برای تولید فیلم، کودک و نوجوان را در یک دسته‌بندی قرار می‌دهیم درحالی که باید سینمای مخصوص کودک و سینمای مخصوص نوجوان داشته باشیم. ما باید بدانیم که برای چه قشری فیلم می‌سازیم اگرچه اکنون برای هیچ یک از این رده‌های سنی فیلم مناسب و حرفی برای گفتن نداریم. وقتی امروزه یکسری فیلم ساخته می‌شود که تمام سینماها را از آن خود کرده‌اند، دیگر فرصتی برای دیده شدن فیلم‌های کودک و نوجوان باقی نمی‌گذارند. باید حمایت جدی صورت بگیرد و فیلم‌های باکیفیتی برای کودکان و نوجوانان ساخته شود. در عرصه سینمای کودک و نوجوان نباید دنبال کسب درآمد باشند زیرا مربوط به بچه‌ها و آینده کشور است.

خبرگزاری مهر
۵ دی

ابوالحسن داودی

سینما پس از انقلاب با همکاری دولت از صفر شروع کرد و بازیگر و عوامل فنی پرورش داد. پلتفرم مانند یک مهمان ناخوانده به صورت رایگان از این دستاوردها استفاده می‌کند یعنی اکنون تمام بازیگران، عوامل فنی و تجهیزات را در اختیار گرفته‌اند. به طور مثال من ۷ سال پیش به یک بازیگر ۸۰ میلیون دستمزد دادم و دستمزد او اکنون ماهی ۵ میلیارد تومان شده. این جهش با تعریف هیچ اقتصاد سلامتی منطقی نیست. پلتفرم‌ها با بازیگران قرارداد چندساله می‌بندند که فقط با تولیدات خودشان کار کنند. تولیداتی که حتی به سرمایه اولیه خودشان هم دست پیدا نمی‌کنند. سوال اینجاست که این سرمایه چگونه خودش را تامین می‌کند؟

سینما رو به آینده
۲ دی

محمدرضا شریفی‌نیا

(درباره ساخت فیلم پروین اعتصامی) جامعه ما نیاز به بازنمایی شخصیت‌هایی دارد که منشا اثر بوده‌اند. متاسفانه بسیاری از استادان هنری ما همچنان ناشناخته باقی مانده‌اند و ما وظیفه داریم آن‌ها را معرفی کنیم. از قبل از انقلاب برای کودکان شعر تهیه می‌کردم تا شعرا را معرفی کنم. زندگی پروین اعتصامی نیز پر از فراز و نشیب و جذابیت است. توجه او به اقشار محروم یکی از ویژگی‌های بارز اوست. حتی به نظر من در مرگ زودهنگام پروین نیز شبهاتی وجود دارد. این فیلم تنها بخشی از پنج سال زندگی او را نمایش می‌دهد، اما برای نمایش ابعاد کامل زندگی او نیاز به ساخت یک سریال ۲۰ قسمتی است.

نشست فیلم پروین
۳ دی

آتش تقی‌پور

این روزها کار چندانی ندارم. اما گاهی به انجمن‌های شعر می‌روم، شعری می‌خوانم و شعری گوش می‌کنیم. گاه تک‌گویی کوتاه می‌کنم یا گاهی دوستان را جایی جمع می‌کنیم، چند نفری، چهار، پنج نمایشنامه را روخوانی می‌کنیم.(در این باره که آیا قرارداد جدید برای بازی دارد یا خیر) آنگونه که نه. اما گاهی وقت‌ها گولمان می‌زنند تا به دفتر سینمایی برویم اما... . دیگران وقت من را بیشتر از خودم پر می‌کنند.درباره وضعیت فعلی سینما باید بگویم رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون. بنابراین اصلا گفتنی نیست. مثلی هست که «بز به فکر جونه، قصاب به فکر دنبه.»اما باید امیدوار بود. آدم نباید هیچ وقت ناامید باشد.

ایرنا
۴ دی

چهره هفته

مارال بنی‌آدم

شمایل بانوی شاعر

از هفته آینده فیلم سینمایی «پروین» اکران عمومی می‌شود؛ فیلمی که مارال بنی‌آدم در آن نقش پروین اعتصامی شاعر معاصر را ایفا کرده است. درباره او باید عرض کنیم خوب بودن در یک فیلم بد، هم می‌تواند نشان از توانمندی باشد و هم درصدی از بدشانسی را می‌توان در آن لحاظ کرد! فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی از فیلم‌های نه‌چندان موفق جشنواره چهل‌ودوم فجر بود که فصل مشترک واکنش‌های مثبت و منفی نسبت به آن، قابل‌قبول دانستن نقش‌آفرینی مارال بنی‌آدم در نقش پروین اعتصامی در فیلم بود. بنی‌آدم که از بازیگران برخاسته از تئاتر محسوب می‌شود، دو سال پیش هم با فیلم «در آغوش درخت» در جشنواره فجر حضور داشت و اتفاقا آنجا هم مورد تحسین قرار گرفت و نامزد دریافت سیمرغ شد. در نهایت او این جایزه را برای «پروین» به دست آورد و با کسب سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اصلی زن، مزد تلاش خود را گرفت. «صیاد» به کارگردانی جواد افشار تازه‌ترین فیلم این بازیگر است که شاید در جشنواره چهل و سوم فیلم فجر حضور داشته باشد. آیا بار دیگر شاهد عملکردی درخشان از خانم بنی‌آدم خواهیم بود؟

این فیلم ها را ببینید

عزیز/اکران عمومی

- **کارگردان:** مجید توکلی
- **تهیه‌کننده:** سیدعلی احمدی
- **نویسنده:** جمیله دارالشفایی
- **بازیگران:** آزاده صمدی، روزبه حصاری
- **محصول:** ایران/ ۱۴۰۲

«عزیز» سومین فیلم بلند در کارنامه کارگردانی مجید توکلی محسوب می‌شود. توکلی بعد از سال‌ها تجربه روزنامه‌نگاری سینمایی و همکاری با سینماگران مطرح، با کارگردانی فیلم «متولد۶۵» وارد میدان کارگردانی سینما شد و در دومین گام فیلم «عروسی مردم» را در حال و هوایی مشابه ساخت. «عزیز» اما تجربه‌ای متفاوت در کارنامه این کارگردان جوان محسوب می‌شود. این فیلم سینمایی با بازی آزاده صمدی و روزبه حصاری که مدت‌ها منتظر پروانه نمایش بود، پس از حضور در ده‌ها فستیوال بین‌المللی از چهارشنبه ۲۸ آذر روی پرده سینماهای سراسر کشور رفته است.

علت مرگ؛ نامعلوم/اکران عمومی

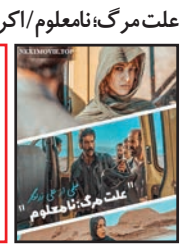

- **کارگردان:** علی زرنگار
- **تهیه‌کننده:** مجید برزگر
- **نویسنده:** علی زرنگار
- **بازیگران:** بانیپال شومون، علیرضا ثانی‌فر، ندا جبرائیلی
- **محصول:** ایران/ ۱۴۰۱

سه سال پیش بود که در لابه‌لای اخبار مرتبط با جشنواره فیلم فجر، نام «علت مرگ؛ نامعلوم» هم دیده می‌شد و انتظار داشتیم اولین تجربه کارگردانی علی زرنگار که سال‌ها به‌عنوان فیلمنامه‌نویس او را در سینما می‌شناختیم، در این رویداد رونمایی شود. فیلم اما در دقیقه ۹۰ و برخلاف نظر هیأت انتخاب، کنار گذاشته شد و به محاق توقیف رفت. حالا و بعد از سه سال بلاتکلیفی بالاخره این فیلم روانه پرده سینماها شده است. فیلمی که از منظر ساختار به‌شدت می‌تواند باب طبع سینمادوستان باشد و ایده مرکزی آن هم ایده‌ای تکان‌دهنده است.

تعارض/اکران عمومی

- **کارگردان:** محمدرضا لطفی
- **تهیه‌کننده:** سیدامیر سیدزاده
- **فیلمنامه:** محمدرضا لطفی
- **بازیگران:** رضا بهبودی، سودابه بیضایی
- **محصول:** ایران/ ۱۳۹۸

فیلم «تعارض» هم از آن فیلم‌هایی است که چند سالی در انتظار اکران مانده بود و بالاخره فرصت نمایش به دست آورده است. محمدرضا لطفی از منتقدان و روزنامه‌نگاران شناخته‌شده‌ای است که ورودی کاملا تجربی به عرصه فیلمسازی داشته و فیلم «تعارض» با نام قبلی «ری‌ست» دومین فیلم بلند او در مقام کارگردان محسوب می‌شود. «تعارض» ایده‌ای متفاوت در اجرا دارد که تماشای آن را به تجربه‌ای خاص تبدیل می‌کند. تمام فیلم از زاویه دوربین‌های مدار بسته روایت می‌شود و همین ویژگی فضای بصری خاصی به آن بخشیده است.

پیشنهاد ویژه هفته

سه دختر او/فیلیمو و فیلم‌نت

نمای کلی

- **کارگردان:** آزازل جیکوبز
- **نویسنده:** آزازل جیکوبز
- **تهیه‌کننده:** مت اسلتن
- **بازیگران:** ناتاشا لیون، الیزابت اولسن، رودی گالوان، خوزه فبوس
- **محصول:** آمریکا/ ۲۰۲۴
- **زبان:** انگلیسی/ زیرنویس، دوبله
- **زمان:** ۱۰۳ دقیقه

درباره فیلم

شاید این پیشنهاد بیشتر باب طبع مخاطبان فیلم‌باز و خاص‌پسند باشد اما فضای کلی روایت این فیلم به‌گونه‌ای است که هر مخاطبی با هر فرهنگی می‌تواند با جزییات به‌تصویر درآمده در آن همراه شود. قصه‌ای ساده از سه دختر که به دلیل احتضار پدر دور هم جمع شده‌اند. درام تازه نتفلیکس، فیلم «سه دختر او» به کارگردانی آزازل جیکوبز، درباره سه خواهر است که در آخرین روزهای زندگی پدرشان، گرد هم آمده‌اند. این فیلم غمگین، تجربه دلخراش مواجه با مرگ یک عزیز را به تصویر می‌کشد. زمانی که هیچ کاری از دست آدم برنمی‌آید جز اینکه تلاش کند تا آخرین روزهای زندگی آن فرد با آرامش سپری شوند. این فیلم همچنین به پیچیدگی‌های روابط عاطفی افراد یک خانواده در زمان مواجهه با یک بحران می‌پردازد. هنگامی که دلخوری‌ها و آسیب‌های گذشته سر باز می‌کنند.

نگاه منتقدان

این فیلم با استقبال منتقدان مواجه شده است؛ شیکاگو سان تایمز درباره آن نوشته است: «اگرچه شاید فیلم در ظاهر مملو از لحظه‌های احساسی آشکار و نخ‌نما باشد، اما هرگز مصنوعی و بیش از حد احساساتی به نظر نمی‌رسد.» منتقد نیویورک تایمز هم معتقد است: «زنان جیکوبز همزمان که به گذشته چنگ می‌زنند، به آینده نیز نگاه می‌کنند. هرچند این زمان حال است که برای آن‌ها دشوار و پیچیده می‌شود. جیکوبز این حقیقت را به زیبایی در فیلمی به تصویر می‌کشد که درباره رنج از دست دادن و البته درباره تلاش برای ادامه دادن به زندگی است.» اسلش فیلم هم با ستایش از بازیگران فیلم نوشت: «فیلم بدون بازی‌های فوق‌العاده کری کان، الیزابت اولسن و ناتاشا لیون، قطعا به اثری دیگر تبدیل می‌شد. هیچ کدام از بازی‌ها نمایشی و مصنوعی به نظر نمی‌رسد.»

درباره داستان

«سه خواهری که رابطه چندانی با هم ندارند، در آپارتمانی در نیویورک دور هم جمع می‌شوند تا از پدر بیمار خود در آخرین روزهای زندگی‌اش مراقبت کنند و همچنین تلاش دارند تا رابطه از هم گسیخته‌شان با هم را بهبود بخشند. آیا آن‌ها بعد از پدرشان، همدیگر را خواهند داشت؟» این خلاصه داستان به‌ظاهر ساده‌ای است که شاید تصور کنید تفاوتی با روایت‌های کلیشه‌ای از این دست ندارد اما آنچه فیلم «سه دختر او» را متمایز می‌کند، روایت‌گری و اجرای آن است. کارگردان فیلم، به‌خوبی توانسته است روابط میان این سه خواهر با دنیاهایی کاملا متفاوت را در یک نقطه مورد تلاقی قرار دهد و همین تلاقی جهان‌ها، فیلم را برای مخاطبان از فرهنگ‌های مختلف، قابل درک کرده است. بخش عمده‌ای از چالش‌های درونی کاراکترها، برخاسته از ویژگی‌های درونی و مشترک انسان‌هاست.

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه / ۶ دی
به خاطر یک مشت دلار / ساعت یک بامداد
قره قار / ساعت ۱۳
زیبای سیاه / ساعت ۱۵
لحظه سخت / ساعت ۱۷
دستبرد به بانک / ساعت ۱۹
سرآشپز / ساعت ۲۱
چشم در برابر چشم ۲ / ساعت ۲۳
جمعه / ۷ دی
نبرد زیر نور ماه / ساعت یک بامداد
سایه‌های شهر / ساعت ۱۱
دیگه چه خبر / ساعت ۱۳
شیردل، سرگذشت پیلیپ هیت / ساعت ۱۹
برنامه هفت / ساعت ۲۲

شبکه یک
پنجشنبه / ۶ دی
اصحاب کهف / ساعت ۲۳:۳۰
جمعه / ۷ دی
بادیگارد / ساعت ۱۶

شبکه دو
پنجشنبه / ۶ دی
مرد تنهای ماه / ساعت ۲۲:۵۵
جمعه / ۷ دی
گوهر سیراف / ساعت ۱۷:۳۵
یک اشتباه خوب / ساعت ۲۳:۳۰

شبکه سه
پنجشنبه / ۶ دی
رژیم طلایی / ساعت ۱۰:۴۵
جمعه / ۷ دی
آخرین مسابقه / ساعت سی دقیقه بامداد
کارآگاه نایت / ساعت ۱۴:۳۰

شبکه چهار
پنجشنبه / ۶ دی
عزرا / ساعت ۲۰:۳۰
جمعه / ۷ دی
جاماندگان / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه / ۶ دی
صحرا / ساعت ۱۳:۳۰
جمعه / ۷ دی
دوست ربات من / ساعت ۹
سازمان آگاهی / ساعت ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه / ۶ دی
پستچی قطبی / ساعت ۱۴
جمعه / ۷ دی
پاچی دایناسور / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه / ۶ دی
جرنی و پدربزرگ / ساعت ۱۸
جمعه / ۷ دی
آلبرت دوست نامرئی من / ساعت ۱۸

شبکه افق
جمعه / ۷ دی
ناکجا / ساعت ۱۰
یه حبه قند / ساعت ۱۸:۳۰
شبکه سلامت
جمعه / ۷ دی
آقای شارمای بانمک (ویژه ناشنوایان) / ساعت ۱۱

عکس هفته

بامداد خمار می‌آید

«بامداد خمار» دومین سریال کارنامه نرگس آبیار است که این روزها در شهرستان قزوین مراحل تصویربرداری خود را پشت سر می‌گذارد. این سریال که فیلمنامه آن به قلم محمد داودی با نگاهی به رمان «بامداد خمار» نوشته فتانه حاج‌سیدجوادی به نگارش درآمد، از محصولات پلتفرم شیدا است که در سه فصل ۸ قسمتی آماده انتشار می‌شود. چند روز پیش با انتشار تریلری از سریال به شکل رسمی از اسامی بازیگران آن رونمایی شد. ترلان پروانه و نوید پورفرج در این سریال به ترتیب نقش «محبوبه» و «رحیم نجار» را بازی می‌کنند و گلاب آدینه هم ایفاگر نقش مادر رحیم نجار است. رضا کیانیان، علی مصفا، بهناز جعفری، پریوش نظریه، احترام سادات برومند، رزیتا غفاری، گلاره عباسی، بهنوش بختیاری، کاظم هژیرآزاد و ... از جمله بازیگران سریال «بامداد خمار» هستند. نکته جالب در ترکیب بازیگران به حضور حمید صفت رپر معروف برمی‌گردد. او بعد از بازی در سریال تلویزیونی «هفت سر اژدها» حالا برای دومین بار بازیگری را تجربه کرده است.

ترین‌های هفته

تلخ هفته/ شرایط خاص رضا ناجی

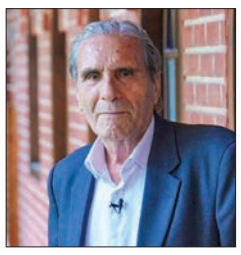

این هفته مصاحبه‌ای با رضا ناجی در خبرگزاری ایرنا منتشر شد که خواندن آن تاثر به همراه دارد. برنده بهترین بازیگر مرد از چهار جشنواره جهانی می‌گوید: این روزها مشغول پاک کردن سبزی خوردن در خانه هستم. کار دیگری ندارم؛ نه سینمایی و نه سریال، هیچ پروژه‌ای کار نمی‌کنم. اصلا کار نیست. راحت در خانه نشسته‌ام.نه اینکه کاری قبول نکنم. کار نیست. کدام کار را به ما گفته‌اند که ما هم قبول نکنیم؟ فعلا که هنوز هیچ کاری به من پیشنهاد نشده است. رضا ناجی دلیل این اتفاق را مسئولان می‌داند: چهار جایزه جهانی گرفته‌ام اما هیچ کسی اهمیت نداد.

انتصاب هفته/ اعضای جدید یک شورا

وزیر ارشاد اعضای شورای بازبینی فیلم‌های سینمایی را منصوب کرد. به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس صالحی؛ نرگس آبیار (نویسنده و فیلمساز)، علی آشتیانی‌پور (تهیه‌کننده)، کمال تبریزی (فیلمساز)، حسن خجسته (استاد دانشگاه)، علی دهکردی (بازیگر)، مجید زین‌العابدین (مدیر فرهنگی)، حجت‌الاسلام هادی صادقی (پژوهشگر)، هادی نائیجی (فیلمساز) و سیدضیا هاشمی (پژوهشگر، استاد دانشگاه) اعضای جدید این شورا هستند. جواد رمضان‌نژاد، بیژن نوباوه، رضا شاکری، محمدحسین نیرومند، علیرضا معاف، مجید زین‌العابدین، علی سرلک، سعید مستغاثی و احمد مرادپور اعضای پیشین این شورا بودند.

در خانه همسایه چه خبر بود؟

خرده روایت‌های کشورهای شهر شلوغ ترندهای مجاور ایران در سال ۲۰۲۴

مصطفی آرانی | این پنجشنبه آخرین پنجشنبه سال ۲۰۲۴ است و داریم وارد سال ۲۰۲۵ می‌شویم. به همین دلیل نگاهی داشتیم به ترندهای سالی که رو به پایان است ولی تلاش کردیم این کار را به شکل متفاوتی انجام بدهیم. تفاوت کار اسمالمان هم این بوده که به سراغ همسایه‌های ایران رفتیم و از ترکمنستان در شمال شرق تا افغانستان و پاکستان در شرق و تا عمان و امارات و بحرین و قطر و عربستان و کویت به عنوان مجموعه کشورهای حاشیه خلیج فارس در جنوب و عراق و ترکیه به عنوان همسایگان غربی و آذربایجان و ارمنستان در شمال غرب را در گوگل ترندز مورد بررسی قرار دادیم تا ببینیم کاربران این کشورها در سالی که گذشت به چه موضوعاتی توجه کردند. البته دو همسایه در یابی شمالی یعنی روسیه و قزاقستان و یک کشور دوردست ولی آشنا برای ایرانیان یعنی گرجستان را هم در این مجموعه قرار دادیم.

ترکمنستان؛ به دنبال مد و موسیقی

مدهای سال ۲۰۲۴ و تصاویر آن عبارتی است که بیشترین میزان رشد جستوجو را در یک سال اخیر داشته است. به جز این عبارت، چیز خواننده هم جزو برترین ترندهای این کشور بودند. دو خواننده آقا که نام یکی آزات دونموزوف بوده و نام هنری دیگری ED-ZE است و دو خواننده خانم که نام یکی چهان یگسی بوده و دیگری گیزولگول بایاوا. یک آهنگ هم در میان ترندها بود با عنوان «کوک چیگولی» که ۱۰ ماه پیش منتشر شده و در این مدت، ۳۶۵ میلیون بار در یوتیوب دیده شده است. این آهنگ کار یک خواننده خانم به نام اوزوانا نورسیف است. یک سایت اشتراک‌گذاری ویدئو به نام بلت ویدئوهم در میان ترندها بوده است. ترکمن‌ها خیلی هم به دنبال مترجم گشتند که حالا با به سرویس ترجمه خود گوگل رسیدند یا اینکه دنبال شغل مترجمی بودند. به این ترتیب می‌توان همسایه شمال‌غربی را در مدها و استایل‌های جذاب سال ۲۰۲۴ و موسیقی خلاصه کرد. چیزی که شاید در ترکمن صحرای خودمان هم مشابه آن را ببینیم.

افغانستان؛ سریال ترکی حکایت ما

سال ۲۰۱۷ یک سریال ترکی به نام «حکایت ما» یا اقتباسی از سریال انگلیسی «شیملی» در ترکیه ساخته و از کانال فاکس پخش شد. البته پخش این سریال در سال ۲۰۱۹ به پایان رسید. سریال ۲ فصل داشت و مجموعا ۷۰ قسمت. این سریال مهم‌ترین ترند سال افغانستان بوده است. بعد از آن باری تیم ملی کریکت افغانستان که توانست در سلسله مسابقات بین‌المللی زمبابوه تیم این کشور را شکست دهد برای افغان‌ها مهم بوده است. دیگر ترند این کشور یک سریال هندی بوده به نام «قبول می‌کنم» که مطابق معمول داستان دختری را روایت می‌کند که به دنبال پدر گمشده خود می‌گردد و در این میان عاشق پسری می‌شود ولی پسر که از مسلمانان هند است، فرنام‌های سنتی دارد و اوین برای اوزوا خوشایند نیست. دیگر ترندهای این کشور هم مربوط به فیلم‌هایی با محتوای جنسی است که می‌تواند نتیجه حکومت متعصبانه طالبان را به خوبی نشان دهد. دیگر ترند هم مراقبت‌های درمانی و پزشکی است که باز هم می‌تواند در این زمینه را برای ما در آن کشور مشخص کند.

پاکستان؛ به جای تیتر سه‌نقطه بگذارید!

در پاکستان نخستین محتوای ترند شده در سال یک محتوای جنسی است. ترند دیگر موبایلی بوده به نام اینفینیکس هات. بعد از این، دو سایت شرط‌بندی هستند که ترند شدند. یکی اسمش هست 1pexch و یکی دیگر بت پرو. بعد از آن یک ترم‌افزار ترند شده به نام وین‌بی‌کی را که آن هم یک کازینوی آنلاین است و افراد در آن بازی می‌کنند و ادعا می‌شود که با آن می‌شود پول درآورد. باز هم یک کلمه دیگر ترند شده که به نظر می‌رسد مربوط به مسایل جنسی باشد. یک اپلیکیشن هم ترند شده به نام تمو که می‌توان در آن لباس و وسایل خانه و جواهرآلات خرید و یک چیزی شبیه دیجی‌کالای ما است. در پاکستان هم یک بازی کریکت بین بنگلادش و وست ایندیز هم ترند شده و یک سریال هندی به نام یک بیاس ترند شده که از سال ۲۰۰۶ در حال پخش است و تاکنون ۱۸ فصل و ۱۸۶۴ قسمت داشته است. در نهایت سال ۲۰۲۴ هم ترند شده است. احتمالا پاکستانی‌ها هم مثل ما هرازگاهی فضای تاریخ روز و تقویم می‌گردند.

عمان؛ تب فوتبال در سرزمین سلطان

کشورهای حاشیه خلیج فارس جامعه مهاجر قابل توجهی از شبه قاره هند دارند و به همین دلیل لیگ برتر کریکت هند در عمان مهم‌ترین ترند سال بوده است. بازی‌های بنگلادش با وست ایندیز هم مثل پاکستان در این کشور مورد توجه قرار گرفته است. هم‌چنین مسابقات بین‌المللی زن ۲۰ که جام جهانی کریکت است در این کشور مورد توجه و ادعای عمانی‌ها علاقه شدید نسبت به فوتبال را نشان دادند و هم بورو ۲۰۲۴ و هم مسابقات جام ملت‌های آسیا که زمستان سال گذشته در قطر برگزار شد هم برایشان مهم بوده است. عمان در مسابقات سال گذشته با دو مساوی و یک باخت در جای سوم گروه قرار گرفت و نتوانست به دور بعد راه پیدا کند. به جز این‌ها عمانی‌ها در طیل بلیت هم بودند (برای مسابقات، کنسرت‌ها ...) و هم‌چنین به دنبال مسایل پزشکی (و شاید به همین دلیل آقای قاضی زاده هاشمی هم به آنجا رفته و کلینیک تاسیس کرده است) و جالب است که در این چت جی‌پی‌تی هم یکی از ترندها بوده است.

امارات؛ به دنبال خرید از آمازون

گفتیم که در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس اهالی شبه‌قاره نفوذ زیادی دارند و خب عجیب نیست که در امارات هم، بازی بین بنگلادش و وست ایندیز ترند اول بوده است. در میان پنج ترند اول همچنین بازی زمبابوه در برابر افغانستان نیز قرار گرفته است. ولی در این کشور ترندهای هم در ترتی بوده است. سایت مشهور خریدوفروش آنلاین که می‌تواند نمادی از پیوستگی اقتصادی امارات با جهان و البته قدرت خرید بالای این کشور باشد. به جز آمازون فروشگاه اینترنتی پاکستانی تمو نیز در میان ترندها هست. اما دو سایت و ترم‌افزار هم در میان ترندهای امارات است. یکی چت جی‌پی‌تی البته نسخه رایگان آن و دیگری سایت آی‌لاو یو.ای‌اف که به افراد کمک می‌کند بتوانند تغییراتی در بی‌ای‌اف خود ایجاد کنند. دیگر ترند مهم این کشور رمضان سال ۲۰۲۵ بوده که مردم می‌خواستند بدانند کی است و چه سریال‌هایی قرار است در آن پخش شود. به طور کلی سال ۲۰۲۴ و سال ۲۰۲۵ هم در میان ترندها بوده است. احتمالا برای تقویمشان.

بحرین؛ ورزش و دیگر هیچ

در این کشور هم ترندهای شبه‌قاره خیلی مورد توجه بودند و مهم‌ترین ترند لیگ کریکت هند بوده است. به جز این، بازی بنگلادش و وست ایندیز و نیز جام‌جهانی زن ۲۰ هم جزو ترندها بوده و به این ترتیب می‌توان گفت که بازی کریکت مهم‌ترین ورزش برای کشور بحرین بوده است. سایت مشهور خریدوفروش دهد در این کشور که البته یک پیست فرمول یک معروف هم دارد؛ این ورزش نیز مورد توجه بوده است. بحرینی‌ها البته به مسابقات المپیک هم توجه کردند تا یک مجموعه کاملا ورزشی را به عنوان عبارات و موضوعاتی که امسال مورد توجه‌شان بوده به جهان عرضه کنند. به جز این هم ترم‌افزار یا وب‌سایت چت‌جی‌پی‌تی و سازمان مراقبت‌گذاری برای کارگرها در بحرین هم مورد توجه قرار گرفتند. در این کشور حتی اگر فرار از پنج ترند لو هم بروبم باز هم به ورزش می‌رسیم و این بار جام ملت‌های آسیا وارد ترندها می‌شود. البته هواشناسی به دلیل گرمای شدید هوا هم در میان ۱۵ ترند قطر بوده است.

قطر؛ ایران ترند می‌شود

ترندهای قطر هم کاملا ورزشی است. در جایگاه اول همان لیگ برتر کریکت هند در نسخه سال ۲۰۲۴ آن قرار گرفته است ولی در رتبه دوم تیم جام ملت‌های اروپا که امسال برگزار شد و با قهرمانی اسپانیا به پایان رسید. باز هم یک ترند کریکتی داریم و این هم بازی هند و زمبابوه است و بازی بنگلادش و وست ایندیز هم در جایگاه پنجم قرار دارد. به جز این‌ها قطری‌ها هم به مسابقات جام ملت‌های آسیا که در کشور خودشان برگزار شد و با قهرمانی خودشان هم به پایان رسید، توجه کردند. همچنین به مسابقات بی ۳۰ که همان جام‌جهانی مردان است. سال ۲۰۲۴ و سال ۲۰۲۵ هم در میان ترندهای قطر بوده است. در این کشور اگر به ترندهای شش تا دهم سر بزنیم می‌توانیم ترم‌افزار چت‌جی‌پی‌تی را در میان ترندها ببینیم و البته نام کشورمان ایران که در این مدت خیلی خبرساز بوده و البته اوقات نماز را و نیز موضوع بلیط بازی‌های فوتبال و کنسرت و ...را. گرمای هوا هم در میان ۱۵ ترند قطر بوده است.

عربستان سعودی؛ به دنبال زبان فارسی!

در عربستان یک قرصی آمده به نام دزرت که ادعا می‌کند فرص نیکوتین است و اگر آن را بخورید نیاز بنی به نیکوتین را برآورده می‌کند و دیگر لازم نیست سیگار بکشید و معایب آن را هم ندارد. ما البته نمی‌دانیم این قرص تایید پزشکی رسمی دارد یا نه ولی به هر حال در این کشور خیلی مورد توجه قرار گرفته است. ترند دوم عربستان مسابقات لیگ برتر کریکت هند در سال ۲۰۲۴ بوده است. شاید شما هم مثل ما تعجب کرده باشید از این سطح توجه به ورزش شبه‌قاره در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس ولی واقعیتی است که وجود دارد. یک عطر هم به نام ماتش با همان مچ انگلیسی در عربستان مورد توجه قرار گرفته است. به جز این‌ها عربستانی‌ها به دنبال مسابقات جام ملت‌های آسیا بودند و احتمالا تقویم سال ۲۰۲۴ چون این عدد را سرچ کردند و ترم‌افزار یا وب‌سایت چت‌جی‌پی‌تی که مشهورترین هوش‌مصنوعی است و هواشناسی به خاطر گرمای شدید هوا و به طور جالبی زبان فارسی هم در میان پنج ترند برتر این کشور بوده است.

کویت؛ به دنبال تعبیر خواب

لیگ برتر هند ۲۰۲۴ باز هم یک ترند کریکتی است که در این کشور در صدر ترندها قرار گرفته است. دومین موضوع ترند اما گرمای شدید هوا بوده است. پس از آن جام‌جهانی زن ۲۰ که باز هم در حوزه کریکت بوده که دوباره در رده چهارم اما جام ملت‌های آسیا قرار گرفته است. رده چهارم مربوط به نرم‌افزاری بوده به نام میتا پرتال. متا پرتال توسط شرکت متا برای تلویزیون‌ها و نیز ویدئو کنفرانس‌ها ارائه شد ولی این سرویس در حال حاضر دیگر در دسترس نیست. کارت ملی یا همان سند هویتی در کویت هم جزو ترندها بوده که توسط ادارای معادل ثبت‌احوال ما صادر می‌شود. سال ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ هم در این کشور در میان ترندها بوده و رویدادهای مختلفی که ممکن است در این سال‌ها برگزار شود. اگر کمی به جلو برویم، می‌بینیم که بیماری‌ها و درمان‌های پزشکی، فروشگاه لباس پاکستانی تیمو و بازی کریکت بین انگلستان و هند و بلیط کنسرت‌ها و بازی‌های ورزشی و نیز تعبیر خواب و ترم‌افزار یا سایت چت‌جی‌پی‌تی در میان ترندهای این کشور است.

ارمنستان؛ سرزمین سریال‌ها

در دیگر همسایه ما در قفقاز، یک سریال تلویزیونی ۹۰ قسمتی که معادل ارمنی نام آن زنگ تجارب است در سال ۲۰۲۴ از شبکه هایر تی وی پخش شده مورد توجه قرار گرفته و ترند نخست است. پس از آن یک سریال دیگر ترند شده که آن هم محصول همین سال ۲۰۲۴ است و معادل نام آن این است «اگر بخواهی پولی برای قرض دادن دارم» که عبارتی محبت‌آمیز و غیررسمی در این کشور است. یک پلتفرم برای آموزش زبان که در آن افراد اقدام به پیدا می‌کنند یا افراد هم زبان خود برند و مهارت زبانی خود را تقویت کنند هم در میان ترندهاست. در ارمنستان هم اخبار سیاسی مثل کشور همسایه و البته دشمن خیلی یعنی آذربایجان در میان ترندها بوده است. یکی دیگر از ترندها در این کشور یک پلتفرم برای شرط بندی آنلاین و کازینو بوده است. پس از این‌ها پلتفرمی برای آموزش زبان آمورزان در میان ترندها قرار گرفته و مترجم گوگل و بازی همسترو البته خود سال ۲۰۲۴ و رویدادهای آن.

گرجستان؛ به دنبال پیتزا هات

در گرجستان مثل آذربایجان کانال‌های موزیک یوتیوبی در صدر قرار گرفته است. ترند دوم در این بازی هم همین است. هم‌چنین مسابقات بین‌المللی زن ۲۰ که جام جهانی کریکت است در این ترندها بوده است. ترند دوم در این کشور همان فروشگاه مهم پوشاکی است که در اغلب کشورهای منطقه مورد توجه قرار گرفته یعنی فروشگاه تمو.

ترند سوم جست‌وجو در مورد پیتزاهات‌هایی بوده که در نزدیکی کاربران قرار دارند. گرجستانی‌ها هم مثل بسیاری دیگر از ملت‌هایی که ترندهای آن‌ها را بررسی کردیم به دنبال یورو ۲۰۲۴ بودند و البته به دنبال یک پلتفرم که بتوانند از آن فیلم و سریال ببینند که این پلتفرم ظاهرا در این کشور جی موی‌ی نام دارد.

اینکه دوستش قرار دلی دیگه نمی‌خوایش. قدر نمندانه‌تر و غم‌انگیزترین تصمیمه

مادربزرگ ۹۰ ساله‌م به خاطر کهولت سن و ترس از سکته، بهش نگفتیم پسر خالش فوت کرده. دیشب بدرزبزرگ خدایامرزم که یکم دهن لق بود، رفته بود به خویش و گفته فلانی بیش منه.

شد شد، نشد شد هم تعجب نمی‌کنم، این هم مثل همه نشدن‌های قبلی.

جدی کاش ترایستیون یا بار بهتون می‌دم «خراب کردی گند زدی بس کن مظلوم‌نمایی رو»

اجازه‌ده چیزهایی که به توصدمه زدن، تزویر تبدیل به فردی کنن که نیستی.

مریض اومده داده و هزار که ۴۰ تومن تا اینجا هزینه اسنسب دادم دیگه پول بریت نمیدم.

کیک تولد یعنی عشق، نوش مرز نریزد.

دیگه حالم از هر جی صفت «بینتریستی» و «انگار از بینترست در اومده» انلاین شاب‌ها بهم می‌خورد. ممکنه هر آن خود بینترستر رو هم پاک کنم.

دلم به انفعال دست‌نعجمی مثل قرنطینه کرونا می‌خواد. هیچ کاری نکنم و مطمئن باشم بقیه هم دارن هیچ کاری نمی‌کنن.

فکر کن انقدر فشار عصبی کار می‌ذاری که نفست بالا نمیاد و اگه به تلنبه دیر به خودت بیای قلبت وایمیسنه ولی هیچ کس باور نمی‌کنه!

می‌دونستید اگه یک دارای اختلال افسردگی بگید فقط خودش می‌تونه به خودش کمک کنه، یهو بلند میشه از جلش رد به خودش کمک می‌کنه؟

تو زندگیم اشتباهات زیادی کردم ولی خدا روشکر هیچ وقت آهنگ بیشواز نداشتم.

امیدوارم امسال که کاشیپرور از تو کمد درمیارم تو جیبش ویزا و بلیت هواپیما پیدا کنم.

هر شب تصمیم می‌گیرم ساعت خوابمو درست کنم و می‌بینم ساعت چهار صبحه و دارم به بی‌مزه‌ترین پدنوهای اینستاگرامی می‌خندم.

من کم‌توقعیمو کردم الان فقط دنبال مادیاتم.

خوابی که برای بیدار شدن آلارم می‌ذاری امسش خوابیدن نیست.

یکی تو شطرنج آنلاین به بابام گفت تو رو منتج بازی کن! هیچ بویی از احساسات نبردید.

چطوری می‌شه یکسری ها خودن ماهی خابرو با کلاس می‌دونن، اما خودن گله و پاچه پخته شب‌ها گوسفندرو؟! با گوسفند مشکل شخصی دارن؟

چت جی‌پی‌تی عزیز! وقتی نمی‌دونی، نگو نمی‌دونم. درموغکو دشمن خداست.

دست به دست کنید برسه به هوش مصنوعی.

نمی‌خواهن زندگی نزر گسالی رو می‌خوام صبح از خواب بیدار شم، تلویزیون رو روشن کنم، بترم برشین نون و منتظر پخش باب اسفنجی بمونم.

بعضیا هم اگلار دوست نیستن وایتن تویی که دوست اونایی و اون لحظه‌ای که دست برمی‌داری ازشون هم‌جی جوری تموم میشه که انگار اصلا وجود نداشتی.

پرش افکار نیست دیگه پرش هاالقدر بلند و طولانی شده که دیگه پرواز.

بدترین نوع دعوا یا کسیه که سرعت تایپش از تو بیشتره.

هر مدرقتل می‌کنند سرشون بالاست، ما چون یه کهپلو داریم شرمنده‌ایم.

به نظرم جعب‌ترین پدیده جهان حرف زدن طوطیه چطوری ایندفه ساده از کنارش رد می‌شد؟

امروز اومدم کتابخونه ملی، به‌راستی که کتابخونه ملـــی انقدر زکوی روشنفکرانست.

مفهومم دور و نزدیک توی تهران با بقیه شهرها خیلی متفاوته. ولی به جا هست که برای همه همینکه دوره، تهرانیاس.

اینکه دوستش قرار دلی دیگه نمی‌خوایش. قدر نمندانه‌تر و غم‌انگیزترین تصمیمه

طنازی‌های شبکه‌های اجتماعی

من کم توقعیمو کردم الان فقط دنبال مادیاتم

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش بیبند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید توئیتهای کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌هایتان لبخند می‌زنند و در دل تحسینتان می‌کنند.

انقدر از من نیرسین پولاتو چـکار می کنی؟ چون یا پوشیدمشون یا خوردم‌شون!

یهت میگم «مهم نیست» ولی اگه به لامبودنم تف می‌انداختم تصورتت.

وقتی ازت می‌پرسم «امروز چیکار کردی؟» یعنی حتی دلم می‌خواد در مورد کیفیت چایی عصرت هم بدونم.

تو تایی مال پولدارانست، ما با گربه‌های تو خیابون حرف می‌زنیم.

شاید هم باورتکنین ولی شما خدا نیز باید با دقت به نه چرقدر تو خلوتش به شما فحش داده و لعنتتون کرده.

خانادته به پسری احساس خوش صدابودن بکنه، یعنی واسه به نقطه گذاشتن هم تاب نمی‌کنه، وبس میدهد یک نقطه سرخط.

همش احساس می کنم کیفیت کوشـی بقیه لازم بهتره حتی اگه مدلش عین مال من باشه.

مثل یک پرنسس از خواب بیدار شدم، صبحونه خوردم، روتین پوستیمرو انجام دادم، لباس نازنازی‌هامرو پوشیدم و در انتها مثل یک حمال دارم می‌رم سر کار.

دوستانی که منو می‌شناسن از نزدیک یا دور، شرایط زندگیم دارد چوری پیش میره که احتمالا در روزهای آینده به شخصی اکانت منو هک کنه و بهتون دایرکت بده و شماره کارت‌رانون بفرسته، لطفا همکاری کنید باهاش.

لطفا وقتی زنگ می‌زنید و می‌بینید جواب نمی‌دم، زود تر قطع کنید چون من گوشیمو لایم‌گرد دارم.

شما میرانن فهم شعور آمدارو از تعداد دفعاتی که به مسطلبرو بیهش گوشزد می‌کنی و تذکر می‌دی و می‌تونی بفهمی هرچی بیشتر مجبور باشی تذکر بدی اون طرفی بی‌شعورترم.

اوم چند سالش بشه فهمیده نباید دستاورهای زندگیش رو با کسایی که دیدن، یهوزده سال رشتن زرگسلی مقایسه کنه؟

کاش می شد زنگ می‌زدم پلیس می گفتم این غم دنبال من را افتاده و تعقیبم می کنه لطفا بیاید بگیریدش.

از ریسک کردن می‌ترسیم / از شکست خوردن می‌ترسیم / از تایید نگرفتن می‌ترسیم / از قضاوت شدن ترسیم / نمی‌ترسیم و عقب می‌ایستیم / در نقطه به ظاهر امن‌مان می‌مانیم. اما سوال این است که آیا آنجا واقعا نقطه امن ماست؟

هر مدرقتل می کنند سرشون بالاست، ما چون یه کهپلو داریم شرمنده‌ایم.

به نظرم جعب‌ترین پدیده جهان حرف زدن طوطیه چطوری ایندفه ساده از کنارش رد می‌شد؟

چرا وقتی اگهت مادر؟ کاش میشد در کمدرو باز کنی و بگی بیا این گوشه گذاشته بودیش.

من رازتو رو فهمیدم بچه‌ها باید لول خودت خوشحال باشی، خودت تنهایی بگذری، کنار بیای، خوب باشی، بعدش همه چیز خودبه خود خوب می‌شه.

بهترین قسمت مهمونی خلوادگی اونجاشه که نمی‌ری ولی غذاتومی‌فرستن دوری و دوستی.

مادربزرگم ۹۰ سالشه و به خاطر کهولت سن و ترس از سکته، بهش نگفتیم پسر خالش فوت کرده. دیشب بدرزبزرگ خدایامرزم که یکم دهن لق بود، رفته

قاب ایرانی

علی دایی به مناسبت شب یلدا این عکس را به اشتراک گذاشت.

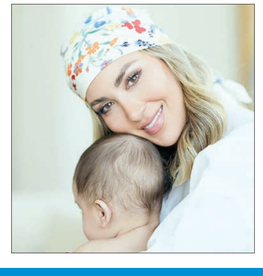

مبنا مختاری، همسر بهرام رادان اینستاگرام خود را با این عکس به روز کرد.

استایل ست امین حیایی و لادن مسلوبی برای اکران مردمی فیلم برف آخر در پردیس سینمایی کوثر.

به تازگی برخی از بلاگرهای «حوزه موفقیت» در دوبی همایشی به اسم «اجلاس سران اینستاگرام» برگزار کردند و این استایل یکی از برگزارکنندگان برنامه بود.

عکسی بامزه از محسن کیایی و علی اوجی در اکران خصوصی فیلم آریاشهر دو نفر

قاب فرنگی

عکسی که مجله AD به مناسبت کریسمس از خانه کندال جنر و دکوراسیونش منتشر کرده است. این مجله به خانه سلبریتی‌ها سر می‌زند و معماری خانه آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

عکس خانوادگی رافینیا دایاز، ونگر بارسلونا به مناسبت کریسمس.

کریستیانو رونالدو به همراه خانواده به لاپلند فنلاند که به سرزمین بابانوئل معروف است، سفر کرده.

این زوج خوش‌قیافه به عنوان یکی از زوج‌های پرثر سال ۲۰۲۴-انتخاب شدند. لاوگی نوآسیست مدل ۳۶ ساله و نادا برنیزا آسیست مدل ۳۳ ساله سه فرزند دارند و چهار سال است که ازدواج کرده‌اند.

تصویری جالب از فروش آفتابه در لندن! عکس از توئیتر موسیو ازدر سیهسالار

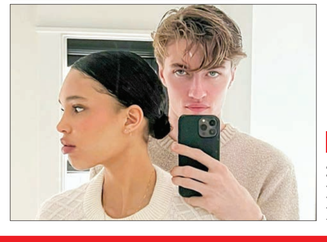

جیسون استیهام و نامزدش روزی هانتینگتون برای تماشای مسابقه کشتی گچ به عربستان سعودی سفر کردند. این زوج از طرف وزیر تفریح عربستان برای تماشای این مسابقه دعوت شده بودند و یک جت شخصی در اختیارشان قرار گرفته بود.

سوژه هفته

طنازی در بلندترین شب سال

کاربران ایکس بر مناسبت شب یلدا پست‌های بامزه‌ای نوشتند. اینطور که پیداست، حافظ امسال اعصاب درستی نداشته و خیلی‌ها را ناامید کرده.

فردی: ما چون خانوادگی بدفاریم، فک و فامیلمون پنجشنبه شب یلداشون رو گرفتن. کلا اعتقادی ندارن که هر چیزی باید سر جای خودش باشه. یادمه به بار ۱۲ فروردین مارو بردن سیزده‌بدر چون می‌گفتن سیزدهم شلوغه. به بارم داییم من رو یکشنبه برد تو بر و بیاون چندتا ترفه زدم. گفت دایی جان چهارشنبه‌سوری هم همینه.

درسرگم: حافظ بهت نگفت تو خراب کردی همه چیزو خودت؟

شوهرعمه هستم: شب یلدا در خانواده ما اینطوری بود که بعد فال حافظ رفتن دستگاه فشار رو آوردن و همه یک بار فشارشون رو دور هم گرفتن و آخرشم سر اینکه کی از هم بدبخت‌تر و مریض‌تره بحث‌شون شد چون همه یه جورایی دوست دارن به یه طریقی ثابت کنن که بیماری‌شون از بقیه بیشتره تا اون کاپ «من از همه بدبختم»رو ببرن.

شمرون: شب یلدا المپیک شوهرعمه‌هاست.

نیکیتون: حافظ تو پارسال بهم گفتی سال خوبی در پیش داری؛ دروغگو.

کنعان: همین جوری به حافظ بار کردم خیلی بدش اومد. نفرین و بدبخت میشی و این میره، اون میره. هرچی از دهنش در اومد گفت. بار نکنید عزیزان، حافظ بار نکنید. مردم چه بی‌اعصاب شدن.

جهانگیر شهلایی: حافظ رو الان نگاه نکنید روشنفکر شده بهتون مشـــاوره میده. زمان ما فقط می گفت به خدا توکل کن درست میشه.

منطقه ۵۱: دیشب نیت کردم امسال می‌تونم موفق شم و بعدش دیوان حافظ رو باز کردم دیدم نوشته: هه.

بهانی: دیشب واسه دوستام فال حافظ گرفتم و انگار حضرت اصلا اعصاب نداشت. یکی از یکی بدتر اومد. دو تا دوســـتام طفلکا که تازه عقد کردن و میزبان هم بودن و با شوق دیوان رو دادن که براشون فال بگیرم، حافظ یه‌طوری آب پاکی رو ریخت رو دستشون که من جاشون بودم شنبه طلاق می‌گرفتم.

کیانا: تا حالا گفته بودم اینایی که به مناسبت‌هایی مثل نوروز و یلدا یی توجه هســـتن و می گن مـــن که می‌خوام بخوابـــم و فـــلان، رو مخم هســـتن؟ خب یه کم واســـه دلخوشی‌های کوچک زندگی ذوق و شـــوق به خرج بده دیگه.و!

ناکاما: بچه‌ها جمع شید دور کرسی، می‌خوام به عنوان کسی که حداقل ۱۵ ساله خودش داره برای شب یلدا هندونه می‌خره و هندونه‌هاش بلا استثنا همه قرمز و قند بودن، راز خرید هندونه قرمز رو براتون بگم: تنها راهش التماس به میوه فروش محله‌مس. اینجوری که با قیافه مظلوم برید پیشش و بگید آقا تو رو به جون ۲ تا بچه‌ت قسوت میدم هندونه قرمز بهم بده. و محض طبیعی در اومدن کار، چشاتونم اشک آلود باشه (می‌تونید قبلش قطره اشکی بریزید تو چشماتون -این قطره از دارو خونه قابل تهیه هستش.)

سام: دختر دایی‌م پیام داده بود یلدا شام خونه ما‌یید، گفتم من به یلدا و این مراسمات اعتقادی ندارم ولی ممنون که گفتی، گفت مراســـم خوردنه دیگه به خوردن هم که اعتقاد داری، مهمونی خونه بابابزرگ دو تا رون و یه سینه مرغ خوردی، حواسم بهت بود.

فریور خرابانی: با همین قیمتی که جمعه انار و اجیل واسه شب یلدا خریدیم، چند سال پیش می تونستیم یا یلدا ازدواج کنیم!

وقتی شب یلدا مجبوری تو جمع فامیل باشی؛ از توئیتر یامکین

ویدئوهای بربازدید هفته

شیر خانگی قهرمان جهان، ماجرای گوگوش و تنابنده و دیدار دایی و عباس قادری

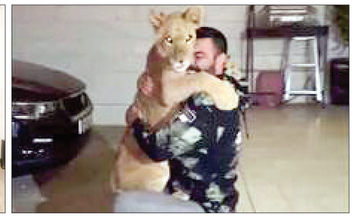

این هفتـــه ویدیویی از صفحه اینســـتاگرام امیرعلی اکبـــری، قهرمان ورزش‌های رزمی وایرال شـــد که با واکنش‌های منفی زیادی همراه بـــود. در ویدیویی کـــه اکبری حدودا دو مـــاه پیش منتشـــر کـــرده، او در حیاط خانه‌شـــان نشســـته و ناگهان یک بچه شیر که به نظر حیوان خانگی اوســـت، به بغلش می‌برد. امیرعلی اکبری در کپشن این ویدیو نوشـــته بود: «معجزه‌ای به نـــام محبت که حیوان وحشـــی رو انقدر مهربـــان می‌کنه.» یک هواپیمای آذربایجانی با ۷۰ سرنشـــین در قزاقســـتان سقوط کرد و ویدیوهای لحظه ســـقوط آن از زوایای مختلف در اینستاگرام وایرال شـــد. این هواپیما به شدت به زمین برخورد کـــرد و تکه‌تکه شـــد و آتش گرفت. ســـعید حداد یان، مـــداح مشـــهور در یک سخنرانی گفت: «به محسن تنابنده زنگ زدم گفتم این برنامه پایتخت شما بسیار عالیست چون شما نون زیبایی بازیگر نخوردی. تمام این بازیگرهای خانمی هم کـــه تو برنامه‌ت هستن خیال می‌کنیم خاله‌مونه، عمه‌مونه، خواهرمونه. نیومدی روی صورت‌ها کار کنی تا بخوای روی زیبایی نون بخوری. گفت حاج ســـعید چهار نفرن که به مـــن زنگ می‌زنن تشکر می‌کنن؛ یکیش آقای حاتمی کیاست، یکیش رخشان بنی‌اعتماده، یکیش گوگوشه و یکیش شـــمایی. یعنی ما تشـــکر هم بلد نیستیم. طرف داره نمازرو نشون میده توی کارش... بمانه.» او در قســـمت دیگری از این سخنرانی هم به احســـان علیخانی و جو کر حمله کرد: «اول میاید ماه عسل‌رو ۱۰ سال، می‌دید یک نفر می‌ســـازه. بعـــد نتیجه‌ش می‌رسه به جایی که یکدفعه جوکر در میاد. برای یک نفر این همـــه خرج کردید به اینجا رســـید.» عباس قادری به دفتر علی دایی رفت و با او دیدار کرد. در ویدیویی که از دیدار آن‌ها منتشـــر شـــده، دایی و قادری برای یکدیگر ســـنگ تمام گذاشـــتند و فقط از هم تعریف کردند. کســـی که همراه قادری بود، از دایی پرسید: «کنســـرت بذارن تشریف میارید؟» دایی جواب داد: «حتمـــا در خدمتیم. بزرگ منه. وجود شـــما هزار تا آهنگـــه برای من.» پیمان قاسمی در برنامه سروش صحت گفت با همســـرش میترا ابراهیمی در یک پناهگاه حیوانات آشنا شـــد: «نکته بامزش اینه که دفعه اول که دیدمش تـــو پناهگاه حیوانات اصلا ندیدمش. انقدر که حواسم به حیوانات بود. این علاقه مشـــترک ما به حیوونا بود.» علی ضیا در یک قرعه‌کشی در جزیره کیش می‌دید یک نفر می‌ســـازه. بعـــد نتیجه‌ش می‌رسه به جایی که یکدفعه جوکر در میاد. برای یک نفر این همـــه خرج کردید به اینجا رســـید.» عباس قادری به دفتر علی دایی رفت و با او دیدار کرد. در ویدیویی که از دیدار آن‌ها

رویداد هفته

تازه از دست واتساپ خلاص شده بودیم که...

واتســـاپ و گوگل پلی فیلتر فیلتر شدند و دوباره جوک گفتن درباره بی‌مصرف بودن واتساپ شروع شد. البته خیلی‌ها هم در این بین یادآور شدند که شاید این اتفاق برای برخی، به خصوص جوانان مهم نباشد اما زندگی خیلی‌ها را راحت‌تر می‌کند.

علی: تنها کارایی که واتساپ قبل فیلتر شدن داشت، این بود که به دوستت پیام بدی تلگرام‌ت رو چک کن.

عمو سیبی: همین واتساپ مســـخره، یعنی اینکه من دوباره می‌تونم راحت دسترسی به دسکتاپ داشته باشم. نامه‌نگاری با شـــرکت‌های داخلی و خارجی رو به راحتی انجام بدم و دیگه نیاز نیســـت هر فایل‌رو اول ایمیل کنم و بعد پرینت کنم و به راحتی بـــا خارجی‌ها کارام‌رو انجام بدم! کل دنیا از واتساپ استفاده می‌کنن.

جاوید: ما خواستار نابودی واتساپ بودیم، برامون رفع فیلترش کردن.

هـــادی: تنها فایـــده رفع فیلتـــر واتســـاپ اینه که پروکســـی‌رو به جای جیمیل، با واتساپ می‌بریم تلگرام دسکتاپ.

مسیح: واسه رفع فیلتر و واتســـاپ مجبور شدن اعلام عمومی کنن، چون اگه نمی‌گفتن هرچقدر هم می‌گذشت هیچ کس نمی‌فهمید این بی‌مصرف رفع فیلتر شده.

فا: واتساپ وقتی می‌بینه با همه به درد نخوریش، اول از همه رفع فیلترش کردن: وا.

اتم: واتساپ‌رو ما رفع فیلتر کردیم. ما مردم با تلگرام رفتنامون.

حمیدرضا احمدی: واکنش منفی توییتر به باز شدن واتساپ خیل

نکته بازی

شاگرد بامعرفت!

جدایی کارلوس گاریدو از پرسپولیس حواشی مختلفی داشت اما از زمان اعلام جدایی او تا زمان سوار شدنش به هواپیما برای خروج از ایران، همه چیز سر و شکلی قشنگ و حرفه‌ای داشت. البته هر چه مدیران باشگاه در این ماجرا به شکلی غیرمنتظره خوب کار کردند، یکی دو بازیکن در قبال گاریدو حسابی ناسپاسی کردند. شاید اگر یکی مثل یاسین سلمانی به جدایی مربی اسپانیایی واکنشی نشان نمی‌داد، قابل درک بود اما وقتی یکی مثل محمدحسین کنعانی‌زادگان برخلاف سایر بازیکنان یک تشکر خشک و خالی هم از گاریدو نمی‌کند، آدم شاخ در می‌آورد. کنعانی درباره هر اتفاقی استوری می‌گذارد، بعد از بازی با ملوان هم در میکسدزون گاریدو را «د بست کوچ» یعنی «بهترین مربی» خطاب می‌کند اما بعد از رفتن گاریدو که یکی از دلایلش اشتباهات پرتعداد همین استاد بود، حتی از گذاشتن یک استوری تشکرآمیز هم دریغ می‌کند! کنعانی در چند بازی آخر پرسپولیس دو پاس گل به مهاجمان الشرطه و سپاهان داد و مقصر اصلی دو گل اول مس رفسنجان هم بود اما از رفتن گاریدو که همیشه هوایش را داشت ککش هم نگزید! آدم نمی‌داند آن دم خروسِ «د بست کوچ» را باور کند یا خداحافظی نکردن با همین کوچ را! مقایسه کنید با رفتار یاسین سلمانی که به عقیده بسیاری به شکلی نامنصفانه در زمان گاریدو به نیمکت پرسپولیس دوخته شد اما او هم مثل خیلی از بازیکنان، خیلی محترمانه از طریق یک استوری از گاریدو تشکر و با او خداحافظی کرد. البته شاید هم کنعانی‌زادگان، اعتراف تلویحی گاریدو به کم‌کاری یک بازیکن در بازی مقابل مس رفسنجان را به خودش گرفته و خواسته با این کار با او تسویه حساب کند. خلاصه که ممنون آقای بامعرفت!

بعدا بهانه نیاوری آقای روانخواه!

امید روانخواه که تا همین چند روز پیش سرمربی پیکان در لیگ یک بود و تیمش هم در رده سوم جدول قرار داشت و از مدعیان فعلی صعود به لیگ‌برتر بود، این تیم را رها کرد و هدایت هوادار را در لیگ‌برتر برعهده گرفت. روانخواه در این چند سال نشان داده که استعداد خوبی در مربیگری دارد و بعید نیست در سال‌های آینده جزو مربیان خوب فوتبال ایران باشد. به خاطر همین استعداد و نگرانی برای او، امیدواریم همه چیز را سنجیده و هدایت هوادار را قبول کرده باشد. وضعیت تیم هوادار در لیگ برتر کاملا مشخص است. این تیم با ۸ امتیاز از ۱۳ بازی، بدون برد و فقط با ۵ گل زده، در رده آخر جدول ایستاده و اختلافش با تیم بالایی ۵ امتیاز است! از نظر بازیکن هم بضاعت این باشگاه مشخص است. اگر روانخواه اشرافی به وضعیت هوادار ندارد می‌تواند از مهدی رحمتی همه چیز را بپرسد. واقعا هیچ توجیهی قابل قبول نیست و روانخواه بعدا نمی‌تواند از زیر بار پاسخگویی در برود. جملاتی مثل «تیم را من نبستم» و «در رده آخر جدول بودیم» و «روحیه بازیکنان خراب بود» و «باشگاه مشکل مالی داشت» و «نتوانستیم بازیکن جذب کنیم» و «فرصت زیادی نداشتیم» و «نمی‌توانم بعضی از مسائل را عنوان کنم» و ... هر جمله دیگری، پاسخ مناسبی برای افکار عمومی نخواهد بود. اینها را گفتیم تا او مثل رحمتی بعد از چند ماه، بابت ناکامی و نتایج ضعیف احتمالی بهانه‌تراشی نکند. اگر واقعا این وضعیت را می‌بیند و می‌داند که نمی‌تواند کمکی به این تیم کند، بهتر است تا دیر نشده تصمیمش را عوض کند. او باید از همین حالا مراقب کارنامه‌اش باشد.

رقابت برای آقای گلیِ شرم‌آور

واقعا زشت است که جدی‌ترین مدعیان آقای گلی نیم‌فصل اول فقط ۵ گل زده‌اند

یکی از عناوین فردی قابل توجه هر فصل از مسابقات فوتبال، کفش طلای رقابت‌ها است که اعتبار خاصی برای تصاحب‌کننده آن ایجاد می‌کند. شهریار مغانلو مهاجم این روزهای الاتحاد کلبا طی لیگ‌های بیست‌ودوم و بیست‌وسوم به ترتیب با ۱۳ و ۱۶ گل موفق به کسب این عنوان شد و یک فصل قبل‌تر از او هم گادوین منشا با ۱۴ گل موفق به کسب این عنوان شد.

حالا در فاصله دو هفته مانده تا پایان نیم‌فصل اول رقابت‌های لیگ برتر ۴ بازیکن با ۵ گل در جدول گلزنان حضور دارند که شانس‌شان برای تصاحب این عنوان بیشتر از ۴ بازیکن ۴گله‌ای است که پشت سر آنها قرار دارند. البته که ۱۴ بازیکن ۳ گله هم در جدول گلزنان حضور دارند که می‌توانند با درخشش در دو بازی باقی‌مانده معادلات را به سود خودشان و تیم‌های‌شان عوض کنند.

۴ بازیکنی که بیشترین شانس را دارند

در جدول گلزنان لیگ بیست‌وچهارم تا پایان هفته سیزدهم ۳ بازیکن تراکتور که امیرحسین حسین‌زاده، مهدی هاشم‌نژاد و تومیسلاو اشترکالی هستند، به همراه محمدامین کاظمیان که در بازی قبلی آلومینیوم برابر استقلال هم موفق به گلزنی شد، شانس‌های اول کسب بهترین گلزن نیم‌فصل به شمار می‌روند. تراکتور که باز هم یک شکست ناباورانه را در تبریز این‌بار مقابل شمس‌آذر تجربه کرد، در دو بازی بعدی خود ابتدا باید در قائمشهر به مصاف نساجی مازندران برود و سپس آماده آخرین بازی خانگی خود در نیمه اول مسابقات مقابل استقلال خوزستان شود. این دو مسابقه فرصت ایده‌آلی برای ۳ گلزن تراکتور است که طی هفته‌های اخیر آمادگی قابل‌توجهی داشته‌اند و ادامه همین روند از سوی اشترکالی، حسین‌زاده و هاشم‌نژاد اصلا کسی را متعجب نخواهد کرد. مخصوصا بازی خارج از خانه مقابل نساجی اگر مثل بازی‌های خارج از خانه قبلی تراکتور از آب دربیاید، می‌تواند تکلیف آقای گل نیم‌فصل اول را مشخص کند. البته از بدشانسی تراکتور، نساجی در بازی‌های اخیر پیشرفت خوبی به خصوص در فاز دفاعی داشته است.

کاظمیان دیگر ۵ گله مسابقات نیز شانس بالایی برای گلزنی در دو بازی بعدی تیمش دارد. سبزپوشان در هفته چهاردهم باید در انزلی به مصاف ملوان بروند و در بازی پایانی نیم‌فصل نیز آلومینیوم از شمس‌آذر میزبانی خواهد کرد.

۴ بازیکن ۴ گله در آرزوی عملکرد نامتعارف

رامین رضاییان، رضا غندی‌پور، مهرداد قنبری و مجید علیاری ۴ بازیکن ۴گله مسابقات هستند که برخلاف ۴ بازیکنی که بالاتر از آن‌ها قرار گرفته‌اند، طی هفته‌های اخیر فرم خوبی نداشته‌اند. این موضوع به ویژه برای رضاییان، قنبری و غندی‌پور مصداق دارد. علیاری البته برخلاف ۳ بازیکن دیگر فرم خوبی در هفته‌های اخیر داشته و تا اینجای مسابقات در ۳ دیدار برابر پرسپولیس، استقلال (دو مرتبه) و شمس‌آذر موفق به گلزنی شده و در رفسنجان و بازی پایانی مقابل نساجی این فرصت را دارد که با تکرار درخشش مقابل استقلال به یک‌باره شرایط را در صدور جدول گلزنان تغییر دهد. قابل تامل اینکه ۳ گل از ۴ گل رامین رضاییان و مهرداد قنبری از روی نقطه پنالتی زده شده. این آمار برای علیاری یک پنالتی بوده و غندی‌پور که این روزها به مانند ملوان حالِ خوبی ندارد، هر ۴ گل خود را در جریان بازی به ثمر رسانده است. عجیب‌ترین مورد اما خارج شدن رامین رضاییان از فرم خوب ابتدای فصلش است که بی‌ارتباط با تغییر سرمربی و آمدن موسیمانه نیست.

۱۴ بازیکن ۳ گله در سودای عملکرد خیره‌کننده

هر چند آمار بسیار ضعیفی به شمار می‌رود اما ۱۴ بازیکن ۳گله مسابقات لیگ‌برتر نیز امیدوارانه به ادامه مسابقات نگاه می‌کنند و این توانایی در برخی از آن‌ها دیده می‌شود که با درخشش در یک مسابقه و به عنوان مثال ثبت هت‌تریک خودشان را به بالای جدول گلزنان هم برسانند. این توانایی در عملکرد بازیکنانی نظیر کاوه رضایی، مهدی لیموچی، تیوی بیفوما و علی‌اصغر اعرابی باتوجه به دو فاکتور میانگین گل و امید گل آن‌ها در هر ۹۰ دقیقه براساس آمارهای ثبت شده دیده می‌شود و البته حسین‌زاده و هاشم‌نژاد دو مهاجم آماده تراکتور نیز آمار خوبی از این حیث دارند.

گلزنان لیگ‌برتر هر روز آب می‌روند!

بهترین گلزن ۲۳ دوره قبلی مسابقات لیگ‌برتر رضا نوروزی بوده که در دهمین دوره این رقابت‌ها موفق شد با ۲۴ گل کفش طلای مسابقات را به نام خود بزند. بدترین آمار هم برای ادموند بزیک و شهریار مغانلو بوده که به ترتیب در دوره دوم (مسابقات با ۱۴ تیم برگزار می‌شد) و دوره بیست‌ودوم (با جدول ۱۶ تیمی) با ۱۳ گل این عنوان را به نام خودشان زده‌اند. آنچه مسلم است اینکه ثبت ۵ گل تا پایان هفته سیزدهم آماری نگران‌کننده برای فوتبال ایران به شمار می‌رود که بیش از حد بر مسائل فیزیکی و دفاعی متمرکز شده است. این موضوع مشخص می‌سازد نگرانی برای پر کردن جای مهدی طارمی و سردار آزمون در تیم ملی کاملا جدی است و به وضعیت قرمز رسیده.

گزارش

صلاح در پی تاج و تخت بزرگان

اگر قرارداد صلاح با لیورپول تمدید شود، او می‌تواند رکوردهای بزرگی را به نام خودش بزند

محمد صلاح تنها بازیکن در حال فعالیت در بین ۱۰ بازیکن برتر با بیشترین تاثیرگذاری مستقیم در تاریخ لیگ‌برتر است. به بهانه درخشش ستاره مصری قصد داریم موثرترین بازیکنان تاریخ انگلیس را بررسی کنیم.

تیری آنری؛ ۲۴۹ (۱۷۵ گل، ۷۴ پاس گل)
نماد آرسنال ۸ فصل را در لیگ‌برتر سپری کرد. این تعداد به طور قابل‌توجهی کمتر از بسیاری از نام‌هایی است که این لیست را تشکیل می‌دهند اما او مطمئناً از زمان خود در انگلیس بهترین استفاده را برد. در سال ۰۳-۲۰۰۲، آنری اولین بازیکنی بود که بیش از ۲۰ گل و پاس گل (۲۴ گل، ۲۰ پاس گل) در رقابت‌های لیگ‌برتر ثبت کرد. این دستاورد ۲ دهه بعد بی‌نظیر باقی می‌ماند و به سختی می‌توان تصور کرد رکوردش شکسته شود؛ مگر اینکه مهاجم مصری لیورپول مهاجم فرم فعلی خود را حفظ کند.

محمد صلاح؛ ۲۵۲ (۱۷۲ گل، ۸۰ پاس گل)
اگر صلاح موفق شود تا زمانی که آنفیلد را ترک کند، چند پله در این لیست صعود کند، تعجب نخواهیم کرد. مهاجم مصری در تمام ۷ فصل حضورش در لیورپول ۱۸ گل یا بیشتر به ثمر رسانده و در این فصل به دنبال کفش طلا است. صلاح اکنون در فهرست ۱۰ پاسور برتر تاریخ لیگ برتر قرار دارد.

هری کین؛ ۲۵۹ (۲۱۳ گل، ۴۶ پاس گل)
بهترین گلزن تاریخ تاتنهام و انگلیس در جدول گلزنان لیگ‌برتر در رده دوم قرار دارد اما آمار جذاب واقعی کین پس از انتقال صد میلیون یورویی او به بایرن مونیخ امن به نظر می‌رسد. با کمال تعجب، با وجود اینکه کین در آخرین روزهای خود در لیگ‌برتر به یک بازیساز تبدیل شده بود در واقع کمترین پاس گل را در بین ۱۰ بازیکن موثر تاریخ با ۴۶ پاس دارد. ۱۴ مورد از این پاس گل‌ها در فصل ۲۰۲۰-۲۰۲۱ با تاتنهام به دست آمد.

اندرو کول؛ ۲۶۰ (۱۸۷ گل، ۷۳ پاس گل)
کول این روزها به نوعی دست‌کم گرفته می‌شود. او ۱۸۷ گل در لیگ برتر به ثمر رساند و حتی یک گل از آنها پنالتی نبود. ۷۳ پاس گل هم آمار بدی نیست.

رایان گیگز؛ ۲۷۱ (۱۰۹ گل، ۱۶۲ پاس گل)
گیگز به عنوان یکی از تنها ۳ بازیکن با بیش از ۱۰۰ گل و صد پاس گل در لیگ‌برتر با ۱۶۲ پاس گل، رکورددار است. کوین دی‌بروینه به ۶۰ پاس گل دیگر نیاز دارد تا با او برابری کند. دوران حرفه‌ای بال سابق منچستریونایتد از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ طول کشید و در این مدت او روی ۲۷۱ گل در لیگ‌برتر برای شیاطین سرخ تاثیر مستقیم داشت.

فرانک لمپارد؛ ۲۷۹ (۱۷۷ گل، ۱۰۲ پاس گل)
مردی با بیشترین گل و بیشترین پاس گل در تاریخ چلسی؛ هافبک گلزنی که هنوز بازیکنی شبیه او نیامده است. لمپارد وارد دنیای مربیگری شد اما هیچگاه نتوانست جایگاه خوبی برای خودش ساخته و پرداخته کند.

وین رونی؛ ۳۱۱ (۲۰۸ گل، ۱۰۳ پاس گل)
فقط کین و آلن شیرر گل‌های بیشتری نسبت به رونی به ثمر رسانده‌اند. همچنین فقط سسک فابرگاس و گیگز تعداد پاس گل‌های بیشتری نسبت به او ثبت کرده‌اند. وقتی رونی در سال ۲۰۲۲ وارد تالار مشاهیر لیگ برتر شد، گفت: «رویای من همیشه این بود یک فوتبالیست حرفه‌ای شوم، گل بزنم و جام‌ها را ببرم. ۵ بار قهرمان لیگ برتر شدم. خاطرات درخشان زیادی از سال‌های بازی‌ام در اورتون و منچستریونایتد دارم و واقعاً به دستاوردهایم افتخار می‌کنم.»

آلن شیرر؛ ۳۲۴ (۲۶۰ گل، ۶۴ پاس گل)
رکورد شیرر به عنوان بهترین گلزن لیگ‌برتر به خوبی تثبیت شده. برای شکستن رکورد او، از بین بازیکنان فعال فعلی، صلاح باید استانداردهای بالای خود را حفظ کند و کین برای انجام حداقل ۳ یا ۴ فصل بازی کردن به انگلیس بازگردد. هالند مطمئناً پتانسیل گلزنی را دارد اما بعید نیست منچسترسیتی را به مقصد یک ابرقدرت اروپایی دیگر در سال‌های آینده ترک کند.

سوژه روز

یحیی معجزه‌گر

فولادی‌ها که فصل گذشته به شکلی دراماتیک در هفته پایانی لیگ بیست‌وسوم موفق شدند جشن بقای خود در لیگ‌برتر را به میزبانی قائمشهر بگیرند، حالا در فصل جدید کاملاً پوست‌اندازی کرده و با آمال و اهدافی متفاوت نسبت به فصل قبل، کار خود را پیش می‌برند و نه‌تنها دیگر فانوس به‌دست نیستند، بلکه در کورس مدعیان، برای رسیدن به سهمیه آسیایی و حتی فتح عنوان قهرمانی لیگ‌برتر تلاش می‌کنند. بدون شک حضور یحیی گل‌محمدی روی نیمکت فولاد، نقش اصلی را در مسیر احیای قرمزپوشان اهوازی و بازگشت‌شان به کورس قهرمانی داشته است.

پایان یک‌دهه ناامیدی در اهواز

فولاد خوزستان در ۲۳ دوره قبلی لیگ‌برتر، تجربه ۲ قهرمانی دارد که آخرین قهرمانی سرخ‌پوشان اهوازی در لیگ سیزدهم به‌ثبت رسید. بعد از آن قهرمانی، فولاد روزهای پرنوسانی را پشت سر گذاشت و هرچند سرخ‌پوشان اهوازی در جام حذفی و سوپرجام فوتبال ایران با هدایت جواد نکونام توانستند عنوان قهرمانی به‌دست آورند اما در لیگ‌برتر، روزگار بر وفق مرادشان نبود و ناکام در افتخارآفرینی و حضور در جمع مدعیان بودند که حالا شرایط در لیگ بیست‌وچهارم کاملاً متفاوت در حال پیشروی است. شاگردان یحیی گل‌محمدی هفته سیزدهم را با برد مقابل چادرملو اردکان به پایان بردند و این پیروزی باعث شد تا مجموع امتیازات فولاد تا پایان هفته سیزدهم به عدد ۲۴ برسد. نگاهی به آمار و ارقام نشان می‌دهد که در طول ۹ فصل اخیر این اتفاق سابقه نداشته و آخرین‌بار در لیگ چهاردهم بود که سرخ‌پوشان اهواز با ۲۴ امتیاز، هفته سیزدهم را در موقعیت دوم جدول به پایان بردند؛ فصلی که فولاد در قامت مدافع عنوان قهرمانی پا به عرصه رقابت‌ها گذاشته بود و البته در پایان فصل در جایگاه پنجم کارش را به پایان برد.

سومین شروع برتر تاریخ فولاد!

فولادی‌ها در ادوار لیگ‌برتر فوتبال ایران فقط در ۳ فصل توانستند ۲۴ امتیاز یا بیش از آن کسب کنند که فصل جاری یکی از آن ۳ فصل محسوب می‌شود. لیگ‌های سیزدهم و چهاردهم دیگر دوره‌های لیگ‌برتر بودند که فولاد توانست در آن‌ها به ترتیب ۲۶ و ۲۴ امتیاز کسب کند. با توجه به تفاضل گل فولاد در فصل جاری که نسبت به فولادِ لیگ چهاردهم کمتر است، باید گفت سرخ‌پوشان اهوازی در فصل جدید توانسته‌اند سومین شروع برتر خود در تاریخ لیگ‌برتر را رقم بزنند که دستاورد ویژه‌ای برای یحیی گل‌محمدی بعد از گذراندن یک دوره درخشان در پرسپولیس است. قرمزپوشان اهوازی در ۲ بازی پایانی نیم‌فصل نخست باید برابر استقلال خوزستان و ملوان بندرانزلی قرار گیرند و از شهر اهواز خارج نخواهند شد. اگر روند درخشان نتیجه‌گیری فولادی‌ها ادامه‌دار باشد و آن‌ها بتوانند از ۲ بازی پیش‌رو بیش از ۳ امتیاز به‌دست آورند، بهترین نیم‌فصل تاریخ فولاد خوزستان در ادوار لیگ برتر به‌ثبت خواهد رسید.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

قوت گرفتن انتقال رونالدو به الهلال

مذاکره تیم فوتبال النصر ریاض با کاپیتان پرتغالی‌اش یعنی کریستیانو رونالدو برای تمدید قراردادش که در ژوئن ۲۰۲۵ پایان خواهد یافت، همچنان در پرده ابهام است. این در حالی است که گزارش‌هایی درباره پیوستن احتمالی این مهاجم پرتغالی به الهلال و همراهی این تیم در جام جهانی باشگاه‌ها ۲۰۲۵ به میزبانی آمریکا در فرمت جدید خود منتشر می‌شوند. الهلال در مرحله گروهی این رقابت‌ها با رئال مادرید، سالزبورگ اتریش و پاچوکای مکزیک باید روبرو شود. عبدالله الهزاع، کارشناس فوتبال عربستان نیز فاش کرد که النصر هنوز تصمیمی برای مذاکره با رونالدو در راستای تمدید قراردادش نگرفته است. ناکامی النصر در این موضوع می‌تواند نگرانی هواداران این تیم را برای پیوستن رونالدو به الهلال افزایش دهد و به یک واقعیت تبدیل شود. از سویی برخی رسانه‌های ورزشی جهان از مذاکره النصر با یوسف النصیری، مهاجم مراکشی فنرباغچه ترکیه خبر می‌دهند. مهاجمی که استفانو پیولی، سرمربی ایتالیایی النصر خواهان جذب او در نقل‌وانتقالات زمستانی است.

رئال مادرید تئو هرناندس را برمی‌گرداند؟

خانه‌نشینی مهره‌های کلیدی تیم فوتبال رئال مادرید و کمبود بازیکن به خصوص در سمت چپ خط دفاعی کادر فنی تیم را با مشکلات فراوانی مواجه کرده است. انتظار می‌رفت که مدیران باشگاه رئال مادرید تابستان سال آینده راه‌حلی برای این مشکل پیدا کنند و به نظر می‌رسید که آلفونسو دیویس، دفاع چپ کانادایی بایرن مونیخ همان راه‌حل مدنظر تیم اسپانیایی باشد اما با توافق دیویس با بایرن مونیخ برای تمدید قرارداد، برنامه‌های رئال مادرید بار دیگر دستخوش تغییر شده و باشگاه گزینه‌های دیگری را رصد می‌کند. یکی از اصلی‌ترین گزینه‌های قهرمان فصل گذشته لالیگا، برگرداندن تئو هرناندس است. مدافع فرانسوی حال حاضر میلان، در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ برای رئال توپ می‌زد و پس از سپری کردن یک فصل قرضی در رئال سوسیه‌داد به ایتالیا رفت. با این حال احتمال ماندن بازیکن ۲۷ ساله در سن‌سیرو هر روز کمتر از روز گذشته به نظر می‌رسد و اخیراً هم خبرهایی منتشر شد مبنی بر اینکه مدیران باشگاه به او گفته‌اند در صورتی که پیشنهاد قابل قبولی دریافت کند می‌تواند برود. تئو تا سال ۲۰۲۶ با میلان قرارداد دارد و به این ترتیب رئال مادرید می‌تواند او را با رقمی نسبتاً پایین بخرد.

اروپا در انتظار اعلام رأی محاکمه قرن

در دوران بحران بی‌سابقه نتایج، منچسترسیتی با یک شوک احتمالی مواجه است که می‌تواند به پروژه پپ گواردیولا در ورزشگاه اتحاد پایان دهد. گواردیولا با صراحت اعلام کرده که حتی در صورت سقوط تیم، در باشگاه خواهد ماند. اما اهداف او می‌تواند تغییر کند؛ از فتح اولین لیگ قهرمانان اروپا و سه‌گانه تاریخی به اخراج از لیگ برتر. اگرچه منچسترسیتی همواره از بی‌گناهی خود دفاع کرده، اما اگر محکوم شود، جریمه‌ها، تحریم‌ها و مجازات‌های احتمالی می‌تواند همه تلاش‌های ۱۵ سال گذشته را نابود کند. ۱۳۰ تخلفی که بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ انجام شده‌اند، می‌تواند به جرایم مالی، کسر امتیاز، سقوط به دسته پایین‌تر، اخراج از لیگ برتر یا حتی پس گرفتن عنوان‌های کسب شده منجر شود. از زمان ورود پپ گواردیولا به ورزشگاه اتحاد، او ۱۸ جام کسب کرده است که شامل شش قهرمانی لیگ برتر می‌شود. رقبای منچسترسیتی در لیگ برتر و اروپا نیز منتظر حکم این دادگاه هستند. علاوه بر لیورپول، آرسنال و منچستریونایتد که رقبای بزرگ سیتی در سال‌های اخیر بوده‌اند، یک محرومیت سنگین می‌تواند به نفع رئال مادرید و بارسلونا نیز باشد. اخراج از بالاترین سطح رقابت‌های انگلیسی و ناتوانی در رقابت‌های اروپایی، لیگ قهرمانان اروپا را از یکی از تیم‌های قدرتمندش محروم می‌کند.

سقوط ادامه‌دار ستاره ۱۰۰ میلیون یورویی

دومین دوره حضور ژوائو فلیکس در استمفورد بریج نیز با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. انزو مارسکا، سرمربی چلسی، معتقد است که فلیکس عملکرد فوق‌العاده‌ای داشته، اما مشکل اصلی یافتن تعادل در ترکیب است. مارسکا اخیراً اظهار داشت: «کول پالمر و ژوائو فلیکس دلایلی هستند که مردم برای دیدن بازی‌های فوتبال بلیت می‌خرند. این به این معنا نیست که بقیه بازیکنان بد هستند، اما آن‌ها متفاوت هستند.» با این حال، عملکرد فلیکس هنوز نتوانسته او را به یک بازیکن ثابت در ترکیب اصلی تبدیل کند. در ۱۶ بازی و ۷۸۶ دقیقه‌ای که فلیکس تا کنون بازی کرده، پنج گل زده و دو پاس گل داده است. با توجه به اینکه او زیاد بازی نکرده، این آمار بد نیست. اما برای بازیکنی که انتظار می‌رفت، سرنوشت‌ساز باشد و حتی یک ستاره بزرگ شود، این عملکرد ناکافی است. به‌ویژه در مقایسه با دو رقیب اصلی‌اش در پست هافبک تهاجمی، کول پالمر با ۱۱ گل و شش پاس گل و کریستوفر انکونکو با ۱۲ گل و چهار پاس گل، فلیکس رقابت سختی دارد. با ادامه این روند، تبدیل شدن به یک عنصر کلیدی برای تیمش دشوار خواهد بود.

تراکتور به دنبال معاوضه غلامی با مدافع استقلال

عارف غلامی که در ابتدای فصل به عضویت تیم تراکتور تبریز درآمد، در نیم‌فصل نخست نتوانست فرصت زیادی برای بازی در ترکیب اصلی این تیم پیدا کند و حالا به احتمال بسیار زیاد در نقل‌وانتقالات نیم‌فصل از جمع سرخپوشان تبریزی جدا خواهد شد. در این شرایط در حالی که شایعاتی پیرامون بازگشت احتمالی عارف غلامی به استقلال مطرح شده است، شنیده می‌شود باشگاه تراکتور نیز علاقه‌مند است تا این بازیکن را با سامان فلاح مدافع تیم استقلال معاوضه کند. مدیران تراکتور احتمالاً در نقل‌وانتقالات نیم‌فصل این پیشنهاد را به باشگاه استقلال خواهند داد.

حمله ویروس به پرسپولیس: سه بازیکن درگیر شدند

کریم باقری به عنوان سرمربی موقت پرسپولیس در شرایطی تیمش را مهیای دیدار با خیبر خرم‌آباد می‌کند که الکسیس گوندوز به دلیل محرومیت و وحید امیری و امید عالیشاه به دلیل مصدومیت غایبان قطعی این جدال خواهند بود. با این حال اکنون باقری با چالش دیگری نیز مواجه شده است و تا این لحظه حمله ویروس به اردوگاه این تیم باعث خروج سه بازیکن از تمرینات شده است. سعید صادقی و عیسی آل‌کثیر جدیدترین بازیکنانی هستند که به دلیل ابتلا به بیماری و ویروس از دسترس کریم باقری خارج شده‌اند. پیش از این میلاد محمدی نیز درگیر ویروس شده بود و از تمرینات گروهی با اعلام کادرپزشکی خارج شده بود. باید دید در فاصله باقی‌مانده تا دیدار مقابل خیبر خرم‌آباد وضعیت این تیم به چه شکل خواهد شد و آیا آنها قادر به همراهی تیم در اولین بازی تحت هدایت کریم باقری خواهند بود یا بدشانسی سرمربی موقت سرخ‌ها ادامه خواهد شد و این حمله ویروسی، نفرات دیگری از تیمش را نیز با چالش مواجه خواهد کرد.

محل برگزاری سوپرجام مشخص شد

بنابر اعلام سازمان لیگ، مسابقه سوپر جام فصل ۰۳-۱۴۰۲ فوتبال ایران بین تیم‌های پرسپولیس (قهرمان لیگ برتر) و سپاهان (قهرمان جام حذفی) روز جمعه، بیست و هشتم دی‌ماه در ورزشگاه امام خمینی اراک برگزار می‌شود. پرسپولیس و سپاهان هیچکدام در فصل جاری مهمان آلومینیوم نبودند و از شاگردان سید مجتبی حسینی میزبانی کردند، اما با این وجود هر دو تیم در لیگ بیست و چهارم حداقل یک سفر به اراک داشتند و دوباره برای سوپرجام باید به این شهر بروند.

چرا سیاستمداران از اشک می‌گریزند؟
صفحه ۱۴

مسترجان چاکر تیم، دیگر آواز نخوان!
صفحه ۱۶

۲۵۰ فیلم - شمارش معکوس- ۲۰

بی‌پناه‌ها و ناامیدها

بیستمین قسمت از پاورقی جدید. گذری از ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام و در یک شمارش معکوس. شاید انتخاب مثلا ۱۰۰ فیلم معقول‌تر بود اما هر کاری کردم فهرستم کمتر از ۲۵۰ فیلم نشد. آن دسته از فیلم‌های ایرانی هم که به نظرم جذاب می‌آمدند، در لابه‌لای این نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیستند اما به نظرم همین غیرقابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد! امروز بیش از قبل به داخل کلوپ صدتایی‌ها نفوذ می‌کنیم.

۶۷-سایه یک شک. یکی از بهترین فیلم‌های هیچکاک. بر مبنای فیلمنامه‌ای که تورنتون وایلدر نویسنده مشهور آمریکایی برای او نوشت. فیلمی موزون و پر از نشانه‌های تصویری و شخصیت پردازی‌های حیرت انگیز و میزانسن‌های هیچکاکی در اوج پختگی. داستان یک خواهرزاده و یک دایی که همنام هم هستند و حس تله‌پاتیک نسبت به هم دارند و به سرعت مشخص می‌شود که در دو سوی خیر و شر و روبه‌روی هم ایستاده‌اند. با درخشش جوزف کاتن وترزا رایت. تنها مایه حسرت فیلم شیوه پرداخت فصل پایانی است که به نظر می‌رسد می‌توانست پخته‌تر انجام شود.
Shadow of a doubt.1943

۶۶- جیب بر خیابان جنوبی. بهترین فیلم ساموئل فولر که به لحاظ کیفی با اختلاف زیاد نسبت به دیگر فیلم‌های او قرار دارد. داستان پیچیده یک جیب بر نیویورکی که ناخواسته میکروفیلم‌هایی را در مترو می‌دزدد که پای اف بی آی و جاسوسان شوروی و همین طور بخش‌هایی از طبقات دوزخی شهر را به زندگی او باز می‌کند. آکنده از لحظات شگفت انگیز از زندگی روزمره و سکانس‌های تاثیرگذار. با بازی‌های خوب ریچارد ویدمارک و جین پیترز و تلما ریتر.
Pickup on sout street.1953

۶۵- کازابلانکا. اثر افسانه‌ای سینمای آمریکا که دیگر شهرتی جادویی دارد. جمع شدن گروهی از فراریان و انقلابیون و مطرودین در هنگامه جنگ دوم جهانی در شهر کازابلانکا در شمال مراکش و ایجاد یک مثلث عشقی قدرتمند در کافه ریک. بازی‌های عالی از همفری بوگارت و اینگرید برگمن و پل هنریـد و البته کلود رینز. یک اثر کلاسیک و سحرانگیز که هنوز هم شهرت خود را به عنوان یک نمونه اعلا از تولید هالیوودی همراه خود دارد. فیلم را مایکل کورتیز ساخته اما بخشی از شهرت فیلم به خاطر هنرنمایی فیلمنامه نویسان مشهورش است.
Casablanca.1942

۶۴- دوست من ایوان لاپشین. فیلم همچون یک خاطره دور روایت می‌شود. خاطره مردی میانسال از زندگی در دهه سی در شوروی در شهری کوچک و یخزده وقتی پسرکی نوجوان بوده است. در میانه دوران استالین. همچون یادآوری خاطرات، همه چیز درهم و برهم است. معرفی آدم‌ها و سیر حوادث عاری از آن منطق واقع نمایی سینمای داستانی است. راوی تلاشی نمی‌کند تا شمارا به یک مفهوم وحتی یک واقعه خاص متوجه کند. در قاب‌های شلوغ و پرهیاهوی فیلم، شما دقایقی طول می‌کشد تا ببینید ماجرا چیست، تا شخصیت‌ها را از هم متمایز کنید و متوجه طنز استثنایی، وسواس شگفت‌انگیز کارگردان و حس شفقت بی‌پایان نهفته در فیلم شوید. فیلم هرآن چیزی که از زندگی سخت در دوران استالین انتظار دارید به شما عرضه می‌کند و در کنارش جوشش بی‌پایان زندگی و حسی از رفاقت و نجابت که در سرتاسر فیلم تنیده شده است.
My friend ivan lapshin.1985

۶۳- راهی به سوی فردا بساز. فیلم زیبایی از لیو مک کری. داستان یک زوج کهنسال که در فروش ناگزیر خانه‌شان چشم امید به فرزندان شهرنشین خود دارند اما در عمل متوجه می‌شوند که حضورشان جریان زندگی فرزندانشان را مختل می‌کند و سپس به فکر راه حل دیگری می‌افتند. فیلم داستانی را روایت می‌کند که بعدها توسط یاسوجیرو ازو به یک شاهکار مشهور یعنی داستان توکیو تبدیل شد. خود مک کری این فیلم را بهترین اثرش می‌دانست و از این که اسکار فیلم دیگر او در این سال یعنی حقیقت تاسفبار را شایسته اسکار دانسته بود تعجب کرده بود.
Make way for tomorrow.1937

۶۲- طعم گیلاس. فیلم درخشان و خالص عباس کیارستمی در مینی مال‌ترین شکل خود. داستان یک مرد ناامید تهرانی که به دلایلی نامعلوم قصد خودکشی دارد و به دنبال شهروندی می‌گردد که صبح روز خودکشی او، روی جسدش خاک بریزد و دفن کند. اکثر زمان فیلم در اتومبیل شخصی قهرمان داستان (با بازی همایون ارشادی) می‌گذرد. فیلم در لایه‌ای از رنگ قهوه‌ای و تصاویر غبارآلود و خاکی پیچیده شده است. پایان زیبای فیلم دیگر در تاریخ سینما ثبت شده است. فیلم برنده نخل طلای کن در سال ۱۹۹۷ شد.
Taste of cherry.1997

۶۱- چهارصد ضربه. فیلم مشهور فرانسوا تروفو درباره سرگردانی‌ها و بداقبالی‌های یک پسرک ۱۴ ساله بی‌پناه در پاریس. فیلمی تغزلی و در عین حال واقعگرایانه که لحظات درخشانی از جریان روزمره زندگی را به چنگ می‌آورد. این فیلم را در کنار از نفس افتاده ژان لوک گدار آغازگر واقعی سینمای موج نوی فرانسه می‌دانند.
blows.1959 400

هیجان و اشتیاق و تعهد

درباره بازیگرهایی که به حرفه خود عشق می‌ورزند

این‌جا بارها نوشته‌ایم که چقدر از حضور بازیگرهایی که حرفه خود را با عشق و علاقه انجام می‌دهند کیف می‌کنیم و از بازیگرهایی که نقش‌هایشان را با بی‌میلی و تفنن از سر می‌گذرانند دوری می‌کنیم. تشخیص این مسئله در مورد بازیگرهای زن خودش یک چالش مهم است. چرا که برای برخی از بازیگرهای زن بازی جلوی دوربین خیلی با مسئله نمایش برازندگی و تناسب ظاهری تفاوت ندارد. دوربین برای آنها محملی است تا بهترین زاویه چهره و یا قامت خود را به نمایش بگذارند و احیانا کلماتی را هم بگویند و پولی کسب کنند. پول کلان.

اما بازیگرهایی هستند که خود هنر بازیگری را درک کرده‌اند و به آن عشق می‌ورزند. مهم‌ترین نمونه مطمئنا طناز طباطبایی است. او هیچ نقشی را سرسری بازی نمی‌کند. ممکن است گاه در نقشی بدرخشد و گاه ناکام بماند اما او هر کاراکتری را با بهترین حد از انرژی و ظرفیت خود به نمایش می‌گذارد. از بازیگران نسل بعدی هستی مهدوی چنین بازیگری است. او ذاتا به هنر بازیگری عشق می‌ورزد. بازی سخت او در سریال آکتور و قدرت‌نمایی‌اش دربرابر اعجوبه‌ای مثل نوید محمدزاده نشانگر این توان و ظرفیت هستی مهدوی در عرصه بازیگری است. آزاده صمدی هم چنین بازیگری است. انگار هر نقشی و در هر اندازه و استانداردی برای او یک چالش بالقوه در عرضه و ارائه جادوی بی‌پایان بازیگری است. رعنا آزادی‌ور در ارائه نقش بسیار سنگین و سخت سمیرا در سریال زخم کاری نشان داد که چه تعهدی به هنر بازیگری دارد. او در هیچ صحنه‌ای کم نمی‌گذاشت و باتمام وجود نقش سخت خود را بدون ملاحظه بازتاب‌ها و عکس‌ها و تصاویر ایفا می‌کرد. دقیقا متضاد با بازیگر جویای نام تازه‌ای که به زخم کاری اضافه شده است یعنی الناز ملک که به رغم همه پتانسیل‌هایش هنوز احساس می‌کنی که متوجه اصل هنر بازیگری نیست و گاه نوعی کم فروشی در ایفای نقش از او می‌بینی که می‌تواند به تدریج او را از بدنه سینمای جدی دور کند.

بدترین مسئله بازیگرهای ممتازی هستند که در دوره‌ای دچار سرخوردگی و بی‌انگیزگی می‌شوند و این مسئله را در شکل هنرنمایی‌شان نشان می‌دهند. مثلا در دوره‌ای هدیه تهرانی دچار این مسئله شده بود و ما شاهد برخی از نقش آفرینی‌های ضعیف از او بودیم. هنوز از یاد نبرده‌ایم که بازی سست او چه بلایی سر ملودرام خوش ساخت پل چوبی آورده بود. لیلا حاتمی هم در دوره‌هایی دچار این مسئله می‌شود و برخی از معدود بازی‌های بد او را در همین دوره‌ها شاهد بوده‌ایم. بازیگرهای جوان بی‌شماری را در چند سال اخیر در عرصه بازیگری ملاقات کرده‌ایم که انگار به سرعت به آنچه به دست آورده‌اند راضی شده‌اند و عکس‌های اینستاگرامی و چند رئالیتی‌شو آنها را اقناع ساخته است.

هانیه توسلی مورد عجیب دیگری است که انگار سال‌هاست انگیزه خوب بازی کردن را از دست داده است. تقریبا در همه فیلم‌ها و سریال‌هایی که این بازیگر ۴۲ ساله در بهترین و پخته‌ترین دوران زندگی خود نمایش می‌دهد عاری از آن حس پرشور و پرانرژی بازی‌های خوب او در دهه هشتاد است. هانیه بازیگر بسیار قابلی بود که به تدریج راه نزول را در پیش گرفت. او هنوز هم در ویترین اصلی سینمای ایران جایگاه درخوری دارد اما مدت‌هاست که هیچ کس از او درخشش ویژه‌ای را ندیده است. بازیگری که قرار بود ستاره بزرگ سینمای ایران باشد سال‌هاست که نوعی کم علاقگی و بی‌انگیزگی را با خود یدک می‌کشد.

یک تیم افسانه‌ای واقعی

تیم تاریخ پرسپولیس بدون دایی و مهدوی کیا! مگه میشه؟

چه بازیکن‌هایی جزو افسانه‌های یک باشگاه محسوب می‌شوند؟ این سوال مهمی است که می‌تواند جواب‌های شوکه کننده‌ای داشته باشد. آن هم برای باشگاه‌های ما که عموما بازیکن‌های طراز اول به تیم‌های باشگاهی خارجی می‌پیوندند.

مثلا پرسپولیس. آیا علی دایی اسطوره پرسپولیس شناخته می‌شود؟ به عنوان بازیکن و وارد مسئله مربیگری نمی‌شویم. علی دایی به عنوان بهترین بازیکن تاریخ فوتبال ما در دو مقطع خاص تنها در ۶۲ بازی پیراهن پرسپولیس را پوشیده است! دایی مهم‌ترین بازیکن تاریخ فوتبال ماست اما با ۶۲ بار بازی با لباس پرسپولیس سخت است دایی را جزو اسطوره‌های این باشگاه قرار دهیم. باز هم هستند. مثلا مهدی مهدوی کیا بیش از آنکه اسطوره پرسپولیس باشد اسطوره هامبورگ است. مهدوی کیا در مجموع ۸۱ بار پیراهن پرسپولیس را پوشیده است. مورد عجیب بعدی مهدی طارمی است. بازیکن بوشهری در طول چهارسال بازی در پرسپولیس ۸۷ بار پیراهن این تیم را بر تن کرده است و به سختی می‌تواند جزو افسانه‌های سرخ پوشان قرار گیرد. حتی علی کریمی هم در مقاطع مختلف پیراهن پرسپولیس را پوشیده و در نهایت ۱۰۴ بار با لباس سرخ‌ها ظاهر شده است. همه این چهار نفر بهترین دوران بازی خود را در تیمی به جز پرسپولیس تجربه کرده‌اند. دایی در هرتا برلین، مهدوی کیا در هامبورگ، علی کریمی در تیم‌های اماراتی و مهدی طارمی هم در پورتو.

در عوض فرشاد پیوس با بیش از ۲۶۲ بازی یک لجند واقعی سرخ‌هاست. یک بازیکن طراز اول که بهترین دوران بازی‌اش را در پرسپولیس از سر گذرانده است. همین طور همایون بهزادی و ناصر محمدخانی که بیش از ۱۵۰ بار با پیراهن پرسپولیس ظاهر شده‌اند که شامل بهترین دوران بازی آنها نیز بوده است. در خط حمله صفر ایرانپاک و محمود خردبین و مهدی ترابی می‌توانند در فهرست قرار گیرند.

در خط هافبک علی پروین با بیش از ۳۴۰ بازی با پیراهن پرسپولیس شناسنامه اصلی پرسپولیس است. کریم باقری، حمید درخشان، امید عالیشاه، محسن عاشوری، وحید امیری، محمد مایلی کهن و حامد کاویانپور از دیگر ستارگان تاریخ پرسپولیس هستند که بیش از ۲۰۰ بازی با پرسپولیس را در کارنامه خود دارند. در خط هافبک البته. در خط دفاع راست ابراهیم آشتیانی بی‌رقیب است. در دفاع چپ مدعیان زیادند. مثلا مهرداد میناوند و رضا شاهرودی. میناوند اما بهترین دوران بازی‌اش را در اتریش از سر گذراند و شاهرودی هم نزدیک به ۱۸۰ بازی با پیراهن پرسپولیس تجربه کرده است اما بازیکن بی‌رقیب این پست مجتبی محرمی است که هم بهترین دفاع چپ تاریخ فوتبال ماست و حدود ۱۹۰ بازی هم با پرسپولیس انجام داده است.

در دفاع وسط دو گزینه اصلی مطمئنا محمد پنجعلی و سید جلال حسینی هستند. و خب در مراحل بعد و از میان ستارگان دیرپای خط دفاع پرسپولیس باید به جعفر کاشانی و مسیح مسیح‌نیا اشاره کرد.

در خط دروازه هم شما احمدرضا عابدزاده را دارید که ۲۰۸ بار پیراهن پرسپولیس را پوشیده است. برای این که بدانید عابدزاده را باید پرسپولیسی دانست و نه استقلالی، کافی است که در نظر داشته باشید که عابدزاده فقط ۵۸ بار پیراهن استقلال را پوشیده است.

اگر بخواهید تیمی از بازیکن‌های افسانه‌ای پرسپولیس آماده کنید باید با این چالش چشم پوشیدن از دایی و کریمی و طارمی و مهدوی کیا کنار بیایید و تیمی را انتخاب کنید که در آن از ترکیب مهارت‌های فنی و درخشش‌های بلند مدت در کنار سابقه زیاد پوشیدن پیراهن پرسپولیس وجود داشته باشد. باید تیم را با سه مهاجم پیوس و بهزادی و ناصر محمدخانی ترکیب بندی کنید و صفر ایرانپاک و مهدی ترابی را به عنوان ذخیره در نظر داشته باشید.

در خط هافبک سه گانه علی پروین و حمید درخشان و کریم باقری را دارید و به عنوان ذخیره هم امید عالیشاه و محمد مایلی کهن و وحید امیری.

در خط دفاع هم به سادگی به ترکیب آشتیانی و پنجعلی و سید جلال و مجتبی محرمی می‌رسید و کاشانی و مسیح‌نیا و رهبری فرد و انصاریان هم ذخیره هستند.

دروازه‌بان هم نفر بی‌رقیب احمدرضا عابدزاده است و نفرات بعدی هم بیرانوند و بهروز سلطانی و بهرام مودت.

این تیم افسانه‌ای پرسپولیس است و خب از این که دایی و طارمی و کریمی و مهدوی کیا و میناوند و حسین کلانی عضو این تیم نیستند واقعا شرمنده‌ایم!

چرا فرمت جدید لیگ قهرمانان اروپا همه را گیج کرده است؟

سایت تخصصی هفت یک | در حدود یک سال از پیدایش و سه ماه از شروع به کار فرمت جدید لیگ قهرمانان اروپا، دیدگاه‌ی شکل گرفته که قالب جدید با جریان بی‌پایان بازی‌ها و جدول گنگ و انعطاف‌پذیرش، این رقابت قدیمی و معتبر را به نسخه‌ای کم‌جان و جعلی تبدیل کرده است.

براساس این نظریه، مسابقات حالا بیش از حد گسترده و پیچیده شده‌اند و دیگر جذابیت گذشته را ندارند؛ هیجان آن کم‌رنگ شده و خطراتش مصنوعی به نظر می‌رسد. هر بازی یکبارمصرف شده، بدون هیچ ارتباط واقعی با کل رقابت، انگار فقط برای اجرا شدن برگزار می‌شود. نوعی فوتبال بی‌هدف که فقط بهانه‌ای است برای تولید محتوا و درآمدزایی.

گرچه ممکن است همه این‌ها درست باشد، اما همان‌طور که در ورزشگاه یان بریدل صدای قدردانی از هاین و بازیکنانش طنین‌انداز بود، به نظر می‌رسید کسی زحمت نداده بود که این موضوع را به کلاب بروژ اطلاع دهد.

جای تردید ندارد که قالب جدید لیگ قهرمانان اروپا ریشه در طمع بی‌پایان و خودخواهانه گروهی از غول‌های لیگ برتر دارد که منافع خود را با منافع فوتبال به‌طور کلی اشتباه گرفته‌اند.

مدلی که مدل سوئیسی نامیده شد، در ابتدا توسط یوفا برای راضی نگه‌داشتن این بزرگان ناآرام فوتبال طراحی شد، تا مطمئن شوند لیگ قهرمانان به نفع آن‌ها عمل می‌کند. کمی طعنه‌آمیز است که بیشتر طراحی این مدل تقریبا هم‌زمان با تلاش دوازده باشگاه از همین گروه برای تأسیس سوپرلیگ کوتاه‌مدت و شکست‌خورده‌شان انجام شد.

این دو پروژه، لیگ قهرمانان اروپا و سوپرلیگ اروپا، در اصل تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند. هدف اصلی بزرگان فوتبال اروپا این بود که پول بیشتری به دست بیاورند. این به معنای برگزاری بازی‌های بیشتر و مهم‌تر از آن، مسابقات بیشتری بین خودشان بود.

پس از فروپاشی پروژه سوپرلیگ، یکی از مدیران باشگاه‌های جدایی‌طلب (که برای حفظ روابطش خواست نامش فاش نشود) اعتراف کرد که از تناقض بین ادعای هواداران و خواسته واقعی‌شان، کاملا گیج شده است. بازی‌های جذاب بین تیم‌های بزرگ که معمولا در مراحل پایانی لیگ قهرمانان برگزار می‌شوند، همیشه محبوبیت زیادی دارند. پس چه اشکالی دارد که این مسابقات بیشتر برگزار شوند؟ این منطق شبیه به نگرش طنزآمیز یک مجری تلویزیونی به درام‌های کارآگاهی محلی است: «مردم دوستشان دارند، پس بیشتر از آن‌ها بسازیم!»

فرمت جدید لیگ قهرمانان قرار بود این تقاضا را پاسخ دهد. اما در عین حال که از نظر تعداد بازی‌ها رشد می‌کرد، از نظر جغرافیایی محدودتر می‌شد. در ابتدا، برخی باشگاه‌ها پیشنهاد کردند جایگاه‌هایی خاص به قهرمانان سابق اختصاص داده شود؛ حتی اگر نتوانند در رقابت‌های داخلی خودشان سهمیه بگیرند. یوفا و اتحادیه لیگ‌های اروپایی که نماینده تمام لیگ‌های داخلی اروپا هستند، با این پیشنهاد مخالفت کردند و موفق شدند آن را کنار بزنند. یکی از مدیران حاضر در این مذاکرات گفت که این پیشنهاد چیزی جز تلاشی برای حفظ جایگاه تیم‌های بزرگ ایتالیایی، با وجود عملکرد ضعیف‌شان، نبود.

در نهایت، توافق به شکل دو جایگاه ضریب‌بندی انجام شد؛ سهمیه برای تیم‌هایی از لیگ‌هایی که فصل قبل در سه رقابت اروپایی بهترین عملکرد را داشتند. این گزینه گرچه مقبول‌تر به نظر می‌رسید، اما همچنان امتیازی برای منافع خاص همان باشگاه‌های بزرگ بود. حالا مرحله گروهی لیگ قهرمانان شامل ۳۶ تیم است که ۲۲ تیم آن‌ها از پنج لیگ بزرگ اروپایی هستند. نتیجه این تغییرات، رقابتی است که در برخی مواقع سنگین، بی‌نظم و خسته‌کننده به نظر می‌رسد. همان‌طور که کارلو آنچلوتی و دیگران هشدار داده بودند، بازی‌های اضافی فشار بیشتری به بازیکنان وارد می‌کند. آنچلوتی، سرمربی رئال مادرید، پیش از شروع مسابقات گفت: «شاید این فرمت از سال گذشته جذاب‌تر باشد، اما برنامه بازی‌ها خیلی سنگین است.» نگاهی به لیست مصدوم‌های تیمش نشان می‌دهد که به نظر حق با او باشد.

این فرمت در عین حال هم بیش از حد قابل پیش‌بینی و هم بیش از حد بخشنده است. در یک طرف، ۱۴ تیم برتر جدول همگی از لیگ‌های بزرگ اروپا هستند. در طرف دیگر، حتی با نتایج ضعیفی مثل تساوی خانگی مقابل اینتر و فاینورد و باخت به اسپورتینگ و یوونتوس، ممکن است منچسترسیتی باز هم به مرحله بعد صعود کند.

این حس که هر سقوطی می‌تواند یک راه فرار داشته باشد، شاید بزرگ‌ترین نقص سیستم جدید باشد. چیزی که در شش دور اول مسابقات بیش از همه به چشم آمده، عدم قطعیت گسترده درباره معنای واقعی هر یک از این بازی‌ها است.

تا حدی این موضوع اجتناب‌ناپذیر است؛ اولین قدم‌ها در دنیای جدید همواره با تردید همراه هستند. پپ گواردیولا پیش از دومین بازی تیمش منچسترسیتی گفت که «نمی‌داند دقیقا چطور باید این فرمت جدید را مدیریت کرد.» تا پایان نوامبر، ونسان کمپانی، سرمربی بایرن مونیخ، از نگاه کردن به جدول خودداری می‌کرد. او پس از پیروزی ۱-صفر تیمش مقابل پاری سن ژرمن گفت: «من هنوز متوجه نمی‌شوم.»

شش بازی از این رقابت‌ها گذشته و هنوز بسیاری نمی‌دانند که نتیجه هر بازی چه معنایی دارد. حتی مسابقات حساس بین تیم‌های بزرگ، که قرار بود بیشترین جذابیت را داشته باشند، موقتی و بی‌اهمیت به نظر می‌رسند. آیا تساوی اینتر مقابل منچسترسیتی خوب بود؟ احتمالاً! آیا برد بارسلونا برابر دورتموند مهم است؟ باید منتظر بمانیم و ببینیم! شکست رئال مادرید مقابل لیورپول بد است؟ شاید!

اما این تنها باشگاه‌های بزرگ اروپایی نیستند که فکر می‌کنند تجربه آن‌ها اهمیت بیشتری دارد. هواداران، رسانه‌ها و حتی مسئولان فوتبال نیز تمایل دارند لیگ قهرمانان را از دید تیم‌هایی ببینند که انتظار دارند بیشتر زمان خود را در آن بگذرانند. این دیدگاه اما کامل نیست. برای مثال، کلاب بروژ طی این قرن در ۱۳ دوره لیگ قهرمانان حضور داشته و تنها یک بار (در فصل ۲۳-۲۰۲۲) به مرحله حذفی رسیده است. عملکرد اسپورتینگ کمی بهتر است؛ آن‌ها دو بار به این مرحله رسیده‌اند. اما هیچ‌کدام به اندازه دینامو زاگرب متحمل شکست نشده‌اند؛ تیمی که از سال ۲۰۰۰ بیست بار در این رقابت‌ها شرکت کرده و هرگز از مرحله گروهی عبور نکرده است.

در مدل قدیمی لیگ قهرمانان، تیم‌هایی مانند کلاب بروژ و بسیاری تیم‌های مشابه دیگر گرفتار چیزی بودند که برندن راجرز، سرمربی سلتیک، از آن به‌عنوان «دام گلدان چهارم» یاد کرده است. این دام، نوعی پیشگویی بود که تیم‌های خارج از لیگ‌های بزرگ از همان لحظه قرعه‌کشی مرحله گروهی با شانس بسیار کم مواجه می‌شدند. به گفته هاین، سرمربی کلاب بروژ، پس از دیدار تیمش با سلتیک در سلتیک‌پارک در تاریخ ۲۷ نوامبر «شما در گروهتان با تیم‌های قدرتمند بیشتری روبه‌رو می‌شدید و می‌دانستید که شش بازی سخت در پیش دارید.»

اما مدل جدید این شرایط را تغییر داده و به تیم‌های ضعیف‌تر آزادی بیشتری داده است. هاین توضیح می‌دهد: «حالا بازی‌ها به‌صورت تک‌دیدار بوده و شانس شما اندکی بیشتر شده است.» حتی راجرز هم اشاره کرد که تیم‌های ضعیف‌تر ممکن است در این فرمت جدید جسورانه‌تر عمل کنند؛ زیرا هر بازی فرصتی برای ریسک کردن است.

این رویکرد جدید به نظر مؤثر است. کلاب بروژ حالا ۱۰ امتیاز دارد. هاین، با وجود خوش‌بینی، محتاط است و می‌گوید: «ما هنوز از نظر ریاضی صعود نکرده‌ایم.» اما او اذعان دارد که براساس محاسبات پیش‌تورنمنت، تیمش احتمالاً به اندازه کافی امتیاز جمع کرده تا به مرحله پلی‌آف برسد.

تیم‌هایی مانند اسپورتینگ، فاینورد، سلتیک و پی.اس.وی آیندهوون نیز رقابت نزدیکی دارند. حتی دینامو زاگرب، که کار خود را با شکست ۹-۲ مقابل بایرن آغاز کرد، هنوز امید دارد. قهرمان همیشگی کرواسی در حال حاضر در جایگاه بیست و چهارم جدول قرار دارد؛ آخرین جایگاهی که برای صعود کافی است. تیم‌های فرانسوی مانند لیل و برست نیز که بودجه‌ای مشابه اسپورتینگ دارند و با قدرت‌هایی چون پاری‌سن‌ژرمن قابل مقایسه نیستند، عملکرد خوبی داشتند. روزنامه آلمانی بیلد از پیروزی بایرن برابر پاری‌سن‌ژرمن به‌عنوان یک بازی تحت فشار یاد کرد؛ زیرا بایرن در این فصل، در موقعیتی حساس قرار داشت. رئال مادرید، منچسترسیتی و پی‌اس‌جی مجبور شدند تمام بازی‌های خود را بیش از پیش جدی بگیرند. هر شکست ممکن است تأثیر محدودی داشته باشد، اما تعداد تیم‌هایی که از اشتباه آن‌ها سود می‌برند، به‌شدت افزایش یافته است.

دیه‌گو سیمئونه، سرمربی اتلتیکو مادرید، پیش از بازی تیمش مقابل اسپارتا پراگ گفت: «این فرمت جدید به این معناست که همه تیم‌ها باید توجه بیشتری داشته باشند. فشار برای برد بیشتر شده، زیرا شما با تمام تیم‌های این تورنمنت رقابت می‌کنید.»

خط قرمز
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

پیام‌های برگزیده خوانندگان / پنجشنبه‌ها / پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

چرا سیاستمداران از اشک می‌گریزند؟

تراختور، پزشکیان، «بگوبخند»، مزایده بانک‌ها، آلودگی هوا، اصغر ننه‌لیلا، چمران و حسن حبیبی...

۰۹۲۲۰۳۱: آقای پزشکیان برای رفع خستگی‌تان بذارید شنبه تا سه‌شنبه زمام امور دولت را روحانی به دست بگیرد. از چهارشنبه تا جمعه هم پزشکیان. شما که هر جی مدیر و وزیر در دولت روحانی بود آوردید تو دولت‌تان این اتوبوسه یا کشتی افیانوس پیما؟ احتمالا مسئولان نظام از دولت روحانی رضایت داشتند!

۰۹۳۳۲۲۴: نه دیگه سه روحانی، سه روز پزشکیان، به روز جمعه‌رو هم من بسیرم بسیریه به کفترای من. اگه از اونا بپرسن عمل نکردن، تف کنین تو صلعمون!

۰۹۱۲۱۰۳: جناب خوشخو، همه ما در زندگی، عزیزی را از دست داده و در سوگش به قول سیمین دانشور به سووشون نشسته‌ایم و در تنهایی، در غمش اشک می‌ریزیم. ولی به ما باید دادعاتد به دیگران را ادیبت و متاثر نکنیم. برای جناب رئیس‌جمهور و غیشان، احترام قائلیم. ولی آیا درست است که در یک جمع عمومی، ایشان با هوهق و گریه صحنه را ترک کنند؟ کمی بیق و نا نمی‌شنوید؟؟

۰۹۱۲۳۳۳: چه ریایی بیرا در؟ ادمی دلش از سنگ که نیست؟ یکهو اندوه در دلش لبریز و منقلب می‌شود. شاید در آن لحظه که چشم در چشم عزیزش نگاه می‌کرده دلش شوارد. شاید خواسته به همدم قدیمی بگوید دلش پر است از نامردمی‌هایی که در مملکتش می‌گذرد. او هم خیلی تنهاست. یکبار به زمان انتخابات به رفیق عکاسم گفته بود «اینهایی که دائم دور و بر رهبر خوش‌رقمی می‌کنند همه دنبال پست و مقامند». بگذارید آدم‌ها اجرا کرده کنند. مخصوصا سیاستمداران. نگذارید آنها به سنگدلی عادت کنند.

۰۹۱۵۲۵۶: ..باور کنید اگر دندان طمع قاچاق سازمان یافته روزانه گاوزول و ۱۲ میلیارد دلار کسب درآمد کشیده شود مطمئن باشید مشکل سوخت معادن و نیروگاه‌ها و ناترازی انرژی رفع می‌شود (سخنان رئیس مجلس یا یادوری می‌کنیم برای تمام رسانه‌ها).

۰۹۲۲۰۳۱: آخه ۱۲ میلیارد دلار هم شد پول؟ جلوی گربه آقازاده بذاری می‌گه پوف‌پوف دنیالم نیا که بو می‌دی! (یعنی چی می‌شد خدایا فقط دو ولار و ۱۲ میلیارد و ۱۰ تا ۱۲ میلیارد رو می‌دادن به کفترای من، می‌رفتیم عشق و حال یکدیم‌رو اپی‌رزنی و بی‌یلفوری).

۰۹۲۲۰۳۱: دولت و مجلس، دنبال طمع برای تعرفه بالا بر خودروی وارداتی رفتید! یعنی از ۴۰ سال یکشب و بفهمید که داشتن خودروی روز دنیا با تعرفه متعارف حداکثر ۱۵ درصد حق مردم ایران است. گذاشتن تعرفه ۶۰درصد یعنی دزدیدن و سلب دیگر هیچ توجیه منطقی برای اقناع‌سازی و همراه کردن جامعه در تغییر قیمت بنزین را نخواهد داشت.

۰۹۲۲۰۳۱: این جامعه مغشوش و غریبی که من دیدم حتی اگه بنزین رو لیتری صد پاپاسی هم بکنن، بازم مردم می‌رن تو لفر زرگو دردور، هرهم و کرکر می‌خندن و شب رو تا صبح وامی‌ایستن تو صف!

۰۹۰۵۳۷۲: ..چه باید بن زهوا در رفته، مجبور شد قلاده تمام نجاست (تنانهاو) را بکشد. این چو قنه خرباز... جوری موشک‌بارانش‌ون کرد که ۱۲ تا ۴ میلیون اسراییلی به پناهگاه هجوم آوردن. حالا تمام تحریریه (مخصوصا شبه‌ها و پنجشنبه‌ها) که هیچ داستان اروتیک و بالای ۱۸ سالی تو صفحه‌ها رفع زده نشده، به جان خودم، منو شوبنه می‌اندازه تو گوتی، می‌بره تو بیابون‌های شوار آباد و دور و ور کنه! نه که تا حالا کم آبرومون رفته، مرشد، زور خونه شما هم بیاد ... بابت اصغر، حق با شماست. به لحظه مَخم قاطی کرد نوشتم مفت ـ آباد.

۰۹۳۳۲۲۴: ..آقای چمران چرا این فعلی اینقدر حاشیه دار؟ آقای پزشکیان اینقدر سخته؟ مگه قحط‌الرجاله؟ استاد خوشخو، آقای پزشکیان می‌گه «ما گرایی‌های بی‌ضابطه برخورد می‌ـ کنم». جواب: «استاد این گرانی برق، ماشین، گاز، دلار و بقیه چیزهای با چه ضابطه‌ای بود؟» به کجای این شب تیره بیاورین قبای زنده خود را؟ (نیمای یوشی)

۰۹۳۳۲۲۴: مگه قبلی هم تن‌مون مونده دلش؟! (لخت‌مون کردن رفتن) قدیم‌ها به قبلی دولچاکابا داشتیم، اونم اونقدر وصله زده که وصله مد شد! ببین پرنده «صورتی‌ها»ی بدبخ چی می‌کنند!

۰۹۱۳۲۳۳۸: ..لطفا به وزارت مسکن و شهرسازی تذکر بر ساید مبنی بر اینکه مسئولین شهرها حتی‌الامکان به نحوی طراحی نقشه کنند که زمین‌های مرغوب کشاورزی که زمان مدیدی معمولا برای مسئد شدن آنها لازم است، در حوالی واقع نشده یا قیچی آنشوند و همچنان محدود و ممنوع جهت ساخت و ساز شوند. تشکر.

۰۹۳۳۲۲۴: گفتی قیچی... یاد محرمعلی خان افتادم! امصب شب و روز از مخیلهام بیرون نمی‌ره. تا یکی می‌گه مهر، می‌فهمم منظورش محرمعلی خانه!

۰۹۱۲۱۷۰۶: ..اقیا برمیهم، تراختور یک بار و استقلال نیمه و بدتر از آنها پرسپولیسی ها ۳ بار سکته «مذغی» کردند نه مغزی (مشه‌ماحمود، سه قوربان)

۰۹۱۱۳۸۳۲: ..مونوبگو که این هفته وقتی شمس‌آذر، تراختور رو برد، از پایین و بالا سکته رو زدم!

۰۹۱۲۱۷۰۶: ..اقیا برمیهم، تراختور یک بار و استقلال نیمه و بدتر از آنها پرسپولیسی ها ۳ بار سکته «مذغی» کردند نه مغزی (مشه‌ماحمود، سه قوربان)

۰۹۱۱۳۸۳۲: ..مونوبگو که این هفته وقتی شمس‌آذر، تراختور رو برد، از پایین و بالا سکته رو زدم!

۰۹۱۱۳۸۳۲: لطفا از پزشکیان معزز بپرسید شما که مثل روسای جمهور سابق ـ به ویژه شهیدان رجایی و رییسی ـ همواره از لزوم اجرای حق و عدالت و انصاف و حسن ظن و حسن صحبت می‌کنید چقدر عمل می‌کنید؟ آیا با حق گشی‌ها و نفع‌طلبی‌های نامشروع کلان متعدد و ملی جلوتی؟ یا خلوتی معمول، مثلا ارتکاب خطای مدیران بانکی تان با اهدای وام کلان به بانکها یا بازپرداخت ۵ساله و بهره صفر درصد به خودی‌ها، برخورد جدی می‌کنید؟! چنین حق‌کشی‌هایی در مقیاس بزرگترش با دزدی نفت آمریکا در سوریه و تملک غصبی زمین توسط اسرائیل همسو هستند) معاذالله شجاعت‌تان نارساست و از «شهید شدن احتمالی» می‌ترسی؟ این مقام و مشکلات زمانه می‌گذرند اما در قیامت چه عذری به خدا و عیال‌الله دارید؟ اللهاعلم! تشکر.

۰۹۱۲۱۷۰۶: من جالش بودم آو مدیر بانکی را که چندصد میلیارد به خودش وام داده بود درسته می‌انداختم تو تنور و می‌رفتم پی کارم! (نمی‌دنم در قیام قیامت، به خدائی چی می‌گه اما مطمئنم به عیال می‌گه «تو بد مخصمای افتادم زن، بد مخصمای!»)

۰۹۱۲۱۷۰۶: نیا تا ته چیزی رو درنیارن ول نمی‌کنن! نکردن که می‌گما!

۰۹۱۲۳۵۴: ..دست‌اندرکاران صفحه خودرو و قضا خیلی هم کارشون درسته، من هم هواخواهشونم، انتقاد هم یکنی آدرسته پیدا می‌کنم با تفنگ آبپاش میام سراغ‌تون، نفسکش می‌طلبم! (چون به کاری درباره اتومبیل زنم سفارش کرده بودم که تعمیرگاه‌های مرکزی اموی‌ام، چگونه مشتریان مستـرک خودشون رو عاطل و باطل می‌دوونن، خانوم غضنفری هم زنگ زدن کشتونو کشیدن رو سرشون، منم طبیعتا بابی عوض بدل کنم!)

۰۹۱۵۸۷۹: ..تا بر ورق دهر نشیند سخن معرفت و عشق / هرگز نکند یاد تو را بانو، خلق فرامونش... با سپاس و عرض تأسف از خبر درگذشت حضرت بانو «الو» علو، استادی و الا و از بزرگان و از ملکه‌های هنر جناب دوبله و بازیگری در ایران. روح پاک و مطهرش شاد و قرین رحمت واسعه الهی حضرت یزدان پاک باد و یادش تا ابد گرامی. (آزادیخت آزادمهر)

۰۹۲۱۷۳۸: واقعا ملکه هنر بود خانوم علو. حیف هیچوخ نشد براش مطلب بنویسم. مخصوصا برای آن خال میله و آن لبخندهای گوارایش.

۰۹۱۱۵۶۹: با عرض ادب، پاورقی امروز خیلی زیباست در مورد جنگ حیدری و نعمتی. ممنون از نگاه زیباتون. موفق باشید.

۰۹۲۲۰۳۱: بدبختی اینه که من هم کفترام دیشتری ـ نعمتی شدن و افتادن به جون هم!

۰۹۲۱۷۳۸: ..حذف هماقفط یک بازی تبلیغاتی برای قایم کردن نرخ وحشتناک دلار و نرخ وحشتناک تورم است و باید درنرخ دلار آزاد به نرخ نیمایی رساند. اما دولت دارد برعکس عمل می‌ـ کند و نرخ نیمایی را به نرخ دلار آزاد که خود دولت، سازنده نرخ دلار آزاد است دولت دارد نقش دلال را در بازار آزاد بازی می‌کند.

۰۹۱۲۱۷۰۶: بیچاره نیما! بیچاره یوشیج! اونم وارد حوزه اقتصاد و دلار کردین؟ وای اگه عالیه‌خانوم بدونه، پدر مسئولین اقتصاد مملکت‌رو درمی‌آره! بیچاره در زمان زنده بودنش دلا به چشم تدیه، به محض اینکه سرش رو گذاشت رو بالین، دلار نیمایی رو به آسمش زدن!

۰۹۱۸۱۳۳: ..درمورد تعویض زوبرکی کنتور برق که از هموطن اسکویی درج کردید، لازمه بگم که ۱۵ سال قبل از امضای ترامپ، با تهدید قطع برق، کنتور ما عوض شد. بعد معیوب شد. حالا قحطی شد.

۰۹۱۲۱۷۰۶: دیگه به امضای ترامپ چه ربطی داره آخه این شقیقه؟!

۰۹۳۰۰۵۲: ..«بگوبخند» از معدود تولیدات مقبول سیما بود که ۲ برنامه بلدایی این ایدئولوژی زده شد.

۰۹۱۲۱۷۰۶: اینا تا نه چیزی رو درنیارن ول نمی‌کنن! نکردن که می‌گما!

۰۹۱۲۳۵۴: ..دست‌اندرکاران صفحه خودرو، عنایت داشته باشند که وقتی رنو «کولیو» را کولموس می‌نویسند باید به جای پژو هم بنویسند «پژوس».

۰۹۳۳۲۲۴: ..استاد افشار بزرگوار، تصدقت. شما که روزهای شنبه با قلم شیوای‌تان روح ما را می‌ـ نوازید بی‌زحمت یک سراغی از حسن آقا حبیبی کاپیتان سابق و آقای جواد رزینچه و آقامهدی مناجاتی بگیرید. نفر سوم روی تخت بیمارستانه. به خرده‌م از نجهای زنده بنویس تا روح ما تازه شه. ویران شود آن شهر که میخانه ندارد عزیز ساد.

۰۹۳۳۲۲۴: آخیش، حسن آقا حبیبی رو چندوقت پیش تو گمده رفقا دیدم، دلم یکید. با آن چشم‌های مات و مبهوتش داشت دور و بر را نگاه می‌کرد و حرکاتش کمی اسلومونش شده بود. لحظه‌ای دلش نمی‌خواست از قیدرخانوم جدا بشه. دلم براش کباب شد. این همان سلطان جهانیم دستگاه بود که هیچ بازیکن یاغی‌ی به عمرش نتوانست در تیم او پایش را بیشتر از گلیمش دراز کند. پیری، اختیارنابذیر است و آدمی را برای گریز از آن، راهی نیست. آقامهدی هم در جریان بیماری‌اش هستم. مردی که یک‌زمانی هیچ کس در اردوهای تیم ملی از دست طنزهای اروتیکش امان نداشت. خواهم هم موقعیت پیش بیاد چشم.

۰۹۳۷۵۰۸: ..نیروهای هفت‌صیح زحمت سرزنن به ویکی‌پدیا را هم نمی‌شه دانش. اینو آویزه گوشت کن! عین دریاس واسه ماهی، عین یونجه واسه من. عین هویج واسه خرگوش! (دیگه حکایت رونومچه‌ـ نویس‌های نسل من تمام شد که برای نوشتن یک خبر باید گزارش میدانی تهیه و رباط صلبیی پاره می‌کردن. چه بیناوهای مسخره‌ای بودیم ما.)

۰۹۱۲۱۷۰۶: دیگه به امضای ترامپ چه ربطی داره آخه این شقیقه؟!

۰۹۳۰۰۵۲: ..«بگوبخند» از معدود تولیدات مقبول سیما بود که ۲ برنامه بلدایی این ایدئولوژی زده شد.

۰۹۱۲۱۷۰۶: اینا تا نه چیزی رو درنیارن ول نمی‌کنن! نکردن که می‌گما!

۰۹۱۲۳۵۴: ..دست‌اندرکاران صفحه خودرو، عنایت داشته باشند که وقتی رنو «کولیو» را کولموس می‌نویسند باید به جای پژو هم بنویسند «پژوس».

۰۹۳۳۲۲۴: ..استاد افشار بزرگوار، تصدقت. شما که روزهای شنبه با قلم شیوای‌تان روح ما را می‌ـ نوازید بی‌زحمت یک سراغی از حسن آقا حبیبی کاپیتان سابق و آقای جواد رزینچه و آقامهدی مناجاتی بگیرید. نفر سوم روی تخت بیمارستانه. به خرده‌م از نجهای زنده بنویس تا روح ما تازه شه. ویران شود آن شهر که میخانه ندارد عزیز ساد.

۰۹۳۳۲۲۴: آخیش، حسن آقا حبیبی رو چندوقت پیش تو گمده رفقا دیدم، دلم یکید. با آن چشم‌های مات و مبهوتش داشت دور و بر را نگاه می‌کرد و حرکاتش کمی اسلومونش شده بود. لحظه‌ای دلش نمی‌خواست از قیدرخانوم جدا بشه. دلم براش کباب شد. این همان سلطان جهانیم دستگاه بود که هیچ بازیکن یاغی‌ی به عمرش نتوانست در تیم او پایش را بیشتر از گلیمش دراز کند. پیری، اختیارنابذیر است و آدمی را برای گریز از آن، راهی نیست. آقامهدی هم در جریان بیماری‌اش هستم. مردی که یک‌زمانی هیچ کس در اردوهای تیم ملی از دست طنزهای اروتیکش امان نداشت. خواهم هم موقعیت پیش بیاد چشم.

۰۹۳۷۵۰۸: ..نیروهای هفت‌صیح زحمت سرزنن به ویکی‌پدیا را هم نمی‌شه دانش. اینو آویزه گوشت کن! عین دریاس واسه ماهی، عین یونجه واسه من. عین هویج واسه خرگوش! (دیگه حکایت رونومچه‌ـ نویس‌های نسل من تمام شد که برای نوشتن یک خبر باید گزارش میدانی تهیه و رباط صلبیی پاره می‌کردن. چه بیناوهای مسخره‌ای بودیم ما.)

قاب

قاب مشاهیر ۱

دلال بزرگ خودرو در عصر پهلوی: تصور بسیاری از تاریخ دوستان بر این است که شمس در دوره حکومت پدرش محمدرضا، وارد امور اقتصادی شد اما این تصور اشتباه است. شمس از همان دوران آغاز پادشاهی پدرش به فعالیت‌های اقتصادی علاقه‌مند شد و دست به کارهایی زد. البته پیش از آن پدرش رضاشاه، با سپردن پاره‌ای از امور فرهنگی به دخترش، او را بیشتر کم‌تر به تجولات خاص همچون کشف حجاب گرد نه بود. چنانچه ریاست پیشاهنگی دختران که به دستور رضاشاه تاسیس شده بود و یکی از مهم‌ترین اقداماتی بود که به دنبال تأسیس کانون بانوان در اردیبهشت ۱۳۱۴ در راستای اجرای مقدمات فرهنگی کشف حجاب، توسط حکمت صورت گرفته بود، برعهده شمس پهلوی بود. با این حال، شمس به فعالیت‌های فرهنگی محدود نماند. او خیلی زود وارد فعالیت‌های اقتصادی نیز شد. اولین فعالیت تجاری و اقتصادی شمس با تجارت در اتومبیل آغاز شد. البته «مبمی کتب تاریخی تجارت المالی شمس ا اولین فعالیت تجاری او می‌دانند اما اسناد تاریخی حکایت از تجارت اتومبیل توسط او در دوران رضاخان می‌نماید. در این اسناد در خواست‌های متعددی از شمس و دفترش به دربار برای واردات اتومبیل بر تقاضای اتومبیل برای استفاده شخصی وجود دارد، در حالی که تعداد اتومبیل‌های وارد شده بسیار بیشتر از حد نیاز بود» تجارت در اتومبیل سود زیادی برای شمس داشت. زیرا اولا وارد کنندگان خودرو بسیار محدود بودند و به نوعی تجارت این صنعت به طور انحصاری در دست خاندان پهلوی بود. ثانیا از آنجایی که خرید اتومبیل از کمپانی‌های خارجی صورت می‌گرفت و قیمت آن مناسب بود و از طرفی نیاز به پرداخت عوارضی گمرکی نداشت، لذا شمسی می‌توانست با قیمت عالی و با سود فراوان آنها را در بازار به فروش برساند و به دلیل پر سود بودن این تجارت، سوءاستفاده از موقعیت دربار و بر خلاف روال قانونی تقاضای زیادی برای ورود خودرو به داخل داشت که پس از ورود به داخل کشور آنها را در بازار آزاد و سیاه به فروش می‌رساند.

قاب مشاهیر ۲

داستان آن خانم زیبا و خوش‌صدا و آخرین یادگارهای دوران طلایی لالهزار و دوبله ایران: ممنونم و جایی را درداشت. صدای زیبایش عجیب آشنا بود و سحر آمیز. زنی با موهای فلفل نمکی و زیبا با خلق زیر لب. تازه از مراسم تدفین معصومه‌جون مادر بزرگم آمده بودیم که گفتند دوستان دایی جواد و دایی حسین می‌آیند. در میان دوستان‌شان این خانم که خیلی همه به او احترام می‌گذاشتند هم بود. در اتاق پذیرایی همان اتاق پشتی رو رسم نشست. آقاجون بالای اتاق بود و دایی وزن دایی و خاله‌ها هم نشسته بودند. مثل همه خانواده‌های عزادار، وقتی صحبت کرد و تسلیت گفت صدایش عجیب به دل می‌نشست. مات آن صدا، خیره نگاهش می‌کردم. ۱۲ ساله بودم و شاید چهم تو که اینطوری به آدم‌ها زل بزنم. اما آن خانم با نگاهی رد آدم. خندید مامانم صدازد که چرا اینجوری داری نگاه می‌کنی. گفتم این خانم کیه؟ مامانم گفت خانم لاله را از دوستان دایی وزن دایی هستند. با گفت خانم لاله گوینده، رادیو و بازیگر آست. از بازیگرهای قدیمی. تازه فهمیدم صدای‌شان را کجا شنیده بودم. سال ۶۶ بود و هنوز تصویری از خانم لاله ندیده بودم اما صدایش را چرا بعدها فهمیدم که آن خانم زیبا و خوش‌صدا بازیگر تئاتر بوده و بازیگر قدیمی سینما. بعدها خواندم که از رادیو تا سینما و تئاتر فعال بوده است. بعدها که بیشتر درباره‌شان دانستم و فیلم‌هایشان را دیدم و بارها صدای‌شان را شنیدم بیشتر هم دیدم‌شان. در مراسم‌های بعدی و البته مراسم‌های غیرخانوادگی زمانی که تازه خبرنگار شده بودم؛ یک بار با تذکر زمزمه‌گر اواز مصاحبه داشتم. زنگ زدم خانه ببینم کی می‌رود موزه که خانم لاله جواب تلفن خانه‌شان را داد. خانم لاله مادر دکتر شاهرخ زمجو باستان‌شناس و مختصص زبان‌های باستانی بودند. این را آن روز فهمیدم. در این سال‌ها با اینکه خیلی اهل مصاحبه نبودند باز ها همان نمره تلفن را گرفتم و احوال‌شان را پرسیدم. هیچ وقت نگفتم آن دختر مهوش آن خانه قدیمی در امامزاده قاسم بودم اما همیشه با صدای سلام گفتن‌شان باز به یاد همدم. امروز آن صدای جادویی هم رفت. یکی از آخرین یادگارهای دوران طلایی لالهزار و دوبله ایران. یکی از آن صداهایی که تکرار نمی‌شوند. خانم محترم و دوست‌داشتنی که شاید خیلی‌ها با نقش قدرتمند خانه لیلای روزی روزگاری او را به یاد می‌آورم اما ستاره زیبای روزگار سینمای ایران بودند و از نخستین زنان مدیر دوبله در ایران. امروز با شنیدن خبر درگذشت خانم لاله رفتم باز به آن روز نهم تیر ۱۳۶۶. امروز سوم دی ماه ۱۴۰۳ خانم لاله هم رفت اما صدای باشکوه و نقش‌هایی که بازی کرده بود باقی ماند. در تصویر از لاله عوا / در کنار منیر تسلیمی می‌بینید. (از صفحه فرزانه ابراهیم‌زاده)

قاب تاریخ

۱۳ ساله‌هایی که دل به حد مقدم زدند: درباره گروهی که اعضای آن طی سالیان جنگ با سود «جنگ جنگ تا پیروزی» خود هر آنچه داشتند برای روحیه بخشیدن به رزمندگان تا خط مقدم نبرد پیش رفتند. مسعود پورحمزه یکی از اعضای آن گروه سود است که اکنون در شغل معلمی در دهه پنجم زندگی خود بسر می‌برد. او در آن سال‌ها نوجوانی دوازده ـ سیزده ساله بود که به جبهه رفت. ایرنا مصاحبه‌ای با او انجام داده که در ادامه خلاصه آن را می‌خوانید: در تابستان سال ۱۳۶۴ و در میانه جنگ، گروهی دانش‌آموزی زیر نظر مرحوم استاد عیسی سیمونی برای اجرای سرودهای انقلابی و حماسی تشکیل شد. این گروه به همت امور تربیتی آموزش و پرورش شهرستان خرم‌آباد تشکیل شده بود و پس از دو ماه از بین تعدادی محدود از دانش‌آموزان از منطقه استاد بادی گروه سرود با هدایت سیمونی که یک بازنشسته ارتشی بود، اقدام به اجرای برنامه کرد و اولین برنامه رسمی خود را در ۱۳ ایان سال ۱۳۶۴ در مصلای شهرستان خرم‌آباد برای دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مراسم راهپیمایی اجرا کرد. بعد از آن اجرا سیل عظیمی از دانش‌آموزان سراسر خرم‌آباد جهت عضویت در گروه به آموزشگاه مراجعه کردند. این گروه پس از تشکیل تا پایان جنگ مرتبا در جبهه‌های جنوب و غرب حاضر می‌شد و به اجرای برنامه می‌پرداخت. همچنین گروه در اعزام نیروهای استان و استان‌های همجوار نیز حضور پیدا می‌کرد. و مهم‌ترین اعزام نیروی کشور (سپاهیان محمد(ص) سال ۶۵ که در ورزشگاه آزادی تهران بر گزار شد) را نیز این گروه بدرقه کردند و چند ساعت مورزیک رژه زده شد تا تمام این عزیزان در حضور رئیس محترم جمهور وقت (رهبر انقلاب) رژه رفتند. تعداد ثابت گروه بین ۳۰ تا ۴۰ نفر عضو بود اما در طی آن سالیان تعدادی نیز به گروه اضافه یا از آن خارج می‌شدند که البته هم سرود می‌خواندند و هم موزیک می‌نواختند. تعدادی هم بودند که فقط در یکی از این دو دسته حضور داشتند. «اما زمانی که در جبهه‌ها به سر می‌بردید حادثه یا اتفاقی برای گروه پیش نیامد؟» بله! اتفاقات زیاد و هر کدام از بچه‌ها خاطرات خاصی دارند، مثل آن شبی که از خرمشهر برای اجرا به سمت آبادان حرکت کردیم و در بین راه چون توپخانه دشمن شروع به زدن مسیر کرد، ما را سریع برگرداندند یا زمانی که در لحظه اجرای گروه در کوه‌های شهر پاوه درگیری بین کومله و سپاه شروع شد سریع ما را درون لنگرو انداختند و به داخل شهر برگرداندند یا در منطقه سومار شبی که در نزدیکی خط مقدم بود بمبارا کاملا در تاریکی بسر بردیم و کسی نمی‌توانست حتی یک چراغ قوه کوچک روشن کند و از دست خاطرات که شاید مجال گفتن همه آنها نباشد.

قاب مشاهیر ۳

بکن باذور و باین‌مونیخ در تهران ۶ تایی شدند: یکی از عجیب‌ترین بازی‌های دوستانه با تیم‌های بزرگ در ایران، به بازی منتخب تهران و باین‌مونیخ برمی‌گردد که تیم ایرانی موفق شد در تاریخ ۲ تیر ۱۳۵۱ در ورزشگاه آزادی، باین‌مونیخ و تمام ستاره‌هایش را ۶ تایی کند و در نهایت ۶ بر ۳ برنده شود. ۳ گل منتخب تهران را محمد صادقی زد و صفر ایرانیاک، غلامحسین مظلومی و همایون بهزادی ۳ گل دیگر را زدند گرد. مولر و بکن باذور ستاره‌های باین‌مونیخ بعد از شکست سنگین گفته بودند که برنامه بازی‌های فشرده باعث خستگی آنها شده بود. آنها همچنین از تماشاچیان ایرانی که به شدت و بکطرفه تیم تهرانی را تشویق کرده گله کرده بودند.

پاسخ‌های شماره قبل

۵	۴	۲	۷	۸	۳	۶	۱	۹
۳	۶	۹	۲	۴	۱	۵	۸	۷
۷	۱	۸	۶	۹	۵	۲	۳	۴
۶	۸	۳	۱	۷	۲	۴	۹	۵
۱	۲	۴	۳	۵	۹	۸	۷	۶
۹	۷	۵	۸	۶	۴	۳	۲	۱
۴	۵	۷	۹	۲	۸	۱	۶	۳
۸	۹	۱	۵	۳	۶	۷	۴	۲
۲	۳	۶	۴	۱	۷	۹	۵	۸

۲	۷	۹	۱	۸	۵	۳	۴	۶
۴	۱	۳	۶	۲	۷	۸	۵	۹
۸	۵	۶	۳	۹	۴	۷	۱	۲
۷	۳	۸	۲	۴	۶	۱	۹	۵
۱	۶	۴	۷	۵	۹	۲	۸	۳
۹	۲	۵	۸	۱	۳	۴	۶	۷
۶	۸	۲	۳	۷	۱	۹	۴	۵
۳	۴	۷	۹	۶	۲	۵	۸	۱
۵	۹	۱	۴	۸	۶	۲	۷	۳

			۵	۱	۹	۴	۷	۶
			۳	۲	۷	۹	۵	۸
			۶	۸	۴	۱	۲	۳
۸	۲	۳						
۵	۹	۴						
۱	۶	۷						
۴	۷	۲						
۲	۳	۸						
۹	۴	۵						

۵	۸	۱	۹	۴	۳	۲	۷	۶
۷	۳	۴	۱	۶	۲	۸	۹	۵
۹	۲	۶	۵	۷	۸	۴	۳	۱
۱	۴	۹	۶	۸	۷	۵	۲	۳
۳	۵	۸	۲	۹	۴	۶	۱	۷
۶	۷	۲	۳	۱	۵	۹	۸	۴
۲	۶	۵	۷	۳	۹	۱	۴	۸
۸	۱	۷	۴	۲	۶	۳	۵	۹
۴	۹	۳	۸	۵	۱	۷	۶	۲

۶	۹	۴	۱	۳	۷	۸	۲	۵
۱	۲	۷	۸	۴	۵	۶	۹	۳
۸	۵	۳	۹	۶	۲	۱	۴	۷
۵	۶	۲	۴	۱	۳	۷	۸	۹
۷	۴	۱	۵	۸	۹	۳	۶	۲
۳	۸	۹	۲	۷	۶	۴	۵	۱

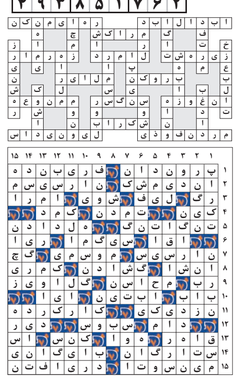

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

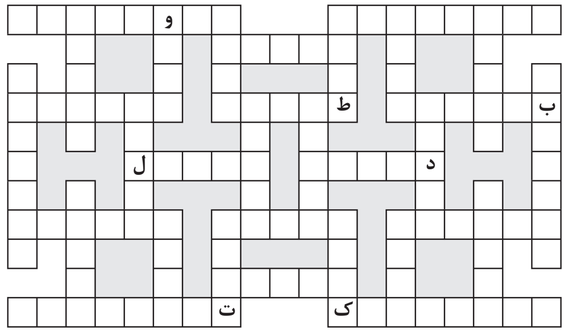

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: بوخوم، دستاس، بخارست، دلفان، راسول، روکوکو، شیدرا، ناریان

۵ حرفی: آرامل، یونان، برانا، نبیل، کیانا، ورگر، ولشت، هلیون، یمگان، تالاهاسی، دنیای وحش، سایه یک شک

۶ حرفی: بلاک، دریک، شباط، نانت، طرقبه، ایوحاتم، گورکی، ویلنا، ابوالهول

۷ حرفی: موستانگ

۸ حرفی: تب و تاب

جدول کلمات متقاطع

افقی

۱-به تنهایی تاختن-اثر تاریخی کرمانشاه
۲-صاحب کار-گود، مقعر
۳-عصاره کنجد-لاغر و ضعیف-حق ناحق سازمان ملل متحد-پراکندگی
۴-رود مرزی ایران-اشاره به دور-درخت بادام کوهی-بزرگترین دریاچه
۵-از وسایل دانش‌آموز-گاهی از خنده می‌روند-کیسه برنج
۶-خاکستر-سنگ طلق-واضح و آشکار
۷-چاشنی سالاد-فراخی-وارث سلطنت
۸-واحد تحصیلی-تو به زبان آذری-یار «هوی»!-همه دارند
۹-چیزهای بلند و رفیع-آداب و رسوم-قدم یکپا
۱۰-ورقه گوشت گاو-نوعی خط قدیمی-سمت راست
۱۱-هر آنتی که با آن بنویسند یا چیزی نقش کنند-آن‌طور و آن‌گونه-همه و سراسر
۱۲-یالیدن-پیروز شدن-عدد ماه-نغمه و بانگ
۱۳-واحد پول ژاپن-درخت انگور-از رنگ‌های قرمز-دختر
۱۴-از شهرهای ایتالیا-معتدل
۱۵-کشوری در قاره سبز-از انواع سگ‌های آلمانی

عمودی

۱-موحد-قاره سه تکه
۲-از آثار تاریخی استان مازندران-مشهور و زبانزد
۳-شامل همه می‌شود-قوم کهن تاریخ-با عقیده-گیره سر خانم‌ها
۴-حرارت و گرمی-تنبل جالیزی-زن شوهر مرده-قدرت و توان
۵-پایه ها-ابریشم-خانم
۶-سیاره خودمان-مفهوم-آنچه که چرک الود و ناپاک باشد
۷-ذهن و خاطر-شهر رازی-یاقوت-حرف ندا
۸-شعر ژاپنی-قادر
۹-حرارت و گرمی-نوشته پژوهشی-صنعت و هنر-ظاهر ساختمان
۱۰-طرح-نوعی رنگ بنفش-فرآیند ساییدن
۱۱-خوش اندام-از فرهنگ‌های لغت فارسی-آهو و غزال
۱۲-درخت مخروطی شکل-نوعی گلیم
۱۳-طاقچه بالا-فرو بردن غذا از گلو-باسواد قدیمی-خدای درویش
۱۴-صفت فندک!-شهری در استان لرستان
۱۵-نیکوترین و خوب‌ترین-نقاشی ظریف ایرانی

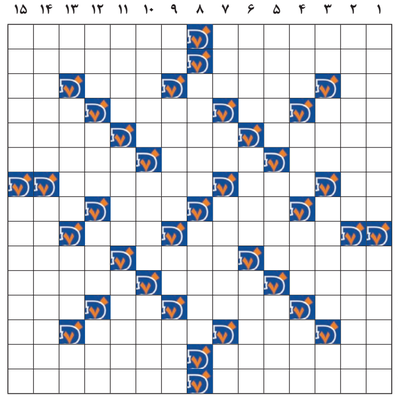

جدول و سرگرمی

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی ت

ابراهیم افشار

مسترجان چاکر تیم، دیگر آواز نخوان!

(دو حکایت از شبِ بدرودِ «اوفارل» رقصنده و «ویه‌را» مغموم)

۱ آخرین خداحافظی‌ام با «والدیر ویه‌را» برزیلی که تیم ملی ایران را به جام‌جهانی برد در یک شب برفی در لابی هتل استقلال گذشت که بیچاره تا دَم‌دَم‌های صبح منتظر چنددلار از فدراسیون فوتبال ایران ماند تا با خاطره‌ای خوش تهران را ترک کند اما قاصد پولکی نرسید و پیرمرد با چهره‌ای عنق و دلی شکسته از تهران رفت. برخلاف او اما تنها مربی خارجی که با رقص و آواز از ایران رفته است خاطرات لحظات آخر زندگی در ایران و مخصوصا گودبای پارتی‌اش در شیراز را هرگز از خاطر نبرد. مرد صورت‌یخی که سابقه سرمربیگری تیم منچستریونایتد را نیز در کارنامه خود داشت اگرچه تیم ملی ایران را به افتخاراتی چون قهرمانی جام ملت‌های آسیا، بازی‌های آسیایی و صعود به المپیک رساند اما هرگز در مطبوعات وقت ایران مورد تجلیل قرار نگرفت اگرچه شیرازی‌ها برای رفتنش سنگ تمام گذاشت و این مرد پرابهت را تا زمانی که روی سن نرقصاندند ولش نکردند. من ویه‌را و اوفارل را به عنوان صادق‌ترین مربیان فرنگی تاریخ فوتبال ایران می‌شناسم. همان اوفارل که از همان اول حضورش اعلام کرد که فقط برای مدت کوتاهی مربیگری در ایران را می‌پذیرد و بعد از ۷۳۰ روز کار در تهران، هرچه کشتیارش شدند که بماند، او ادامه تحصیل دخترش را بهانه کرد و گفت «بچه آدم از فوتبال مهم‌تر است.» برخلاف او اما ویه‌را که طاسش در روزهای آخر، خوش نشسته بود هنگام رفتن از ایران با دلشکستگی تمام رفت. اوفارل در تمام روزهای حضور دو ساله‌اش در ایران با مطبوعات نق‌نقو و ایرادگیری مواجه شد که بدون کوچک‌ترین توجهی به کارکردها و دستاوردهای او، تنها به خاطر مبلغ ۳۶۰ هزارتومانی قرارداد سالانه‌اش ذله‌اش کردند اما او متشخص‌تر و خونسردتر از آن بود که به مطبوعاتی‌ها بپرد یا آنها را بگزد اما ویه‌را، تنها و تنها در روزهای آخر حضورش محبوب شد مخصوصا وقتی از حماسه ملبورن موفق برگشت. او کاستاندایی‌ترین مربی تاریخ فوتبال ایران بود و بیش از آنکه تکنیسین توپ گرد باشد یک روانشناس عرفانگرا بود.

۲ مستر اوفارل برخلاف ویه‌را برزیلی که علنا از ایران طرد شد چنان با خاطرات خوش شب‌های شیراز به موطنش رفت که حتی بعد از ۴۶ سال که ایران را ترک کرده بود هنوز دلش پیِ دل کاکوها بود که در روز گودبای پارتی‌اش بلایایی سرش آوردند که هیچکس سرش نیاورده بود. کاکوها خود را کشتند تا به مستر اوفارل، بشکن زدن و رقص باباکرم یاد بدهند و سر همین مهربانی ایرانی‌ها بود که یک عمر برای دودمانش تعریف کرد «خاطرات ایران یک طرف، بقیه ضدخاطرات دنیا طرف دیگر.» صمیمیت و مهمان‌نوازی کاکوها در جام بین‌المللی فوتبال جوانان شیراز او را شوکه کرد. همان تورنمنت بین‌المللی که با شرکت تیم‌هایی چون جوانان ایران، کره‌جنوبی، مجارستان و جوانان آرسنال برگزار و با قهرمانی خوزستانی‌ها خاتمه یافت. شیرازی‌ها در ضیافت شب آخر نشان دادند حتی دیکتاتورترین مربیان جهان نیز در شهر حافظ و سعدی رام شدنی‌اند! در همین مراسم بود که ناگهان مرد صورت‌یخی که در چند سال حضورش در ایران با هیچکس روابط چندان گرمی پیدا نکرده و همین سردی‌اش باعث شده بود مطبوعات کُتش را روی سرش بکشند چنان یخش آب شد که رفت روی سن و مشغول آوازه‌خوانی شد! چنین بود که جلال و جبروت او در تصاویر کیهان ورزشی شماره دهم اسفند ۱۳۵۳ شکست و برف شد. آن شب صدای دورگه و خشن اوفارل، چنان ستون‌فقرات حضار را به رعشه انداخت که کل مجلس دور و بر او جمع شده و به التماس می‌گفتند «اوفارل‌جان! نوکرتیم، چاکرتیم، تو را به خدا آواز نخوان!» و اوفارل که شدیدا مشغول اُپراخوانی با صدای نکره بود بالاخره تخفیف داد و همان جا بر زمین نشست.

۳ داستان مهمانی شهردار وقت شیراز در ادامه مراسم چنان بی‌پرده پیش رفت که عده‌ای هم افتادند وسط تا به مربی افسانه‌ای فوتبال انگلستان، بشکن زدن با انگشتان دست را یاد بدهند! حالا او که نمی‌توانست پا به پای شَکر شیرازی (نوازنده چیره‌دست ضرب) خودی نشان دهد چند دقیقه تحت تعلیم محمود شیرازی (جوکر و طناز تیم برق شیراز) قرار گرفت اما ظاهرا آنقدر خِنگ بود که پس از ده دقیقه تمرین هم حتی نتوانست یکدانه بشکَن درست و حسابی بزند! همان اوفارلی که روی نیمکت منچستریونایتد، آتش می‌سوزاند و در تیم ملی ایران نیز چنان انضباط پادگانی ایجاد کرده بود که کسی نای جیک زدن نداشت. آن شب در مقابل چشمان حیرتزده بزرگان مطبوعات فوتبالفارسی دهه ۵۰ که نمی‌خواستند سر به تن او باشد تمام ابهتش ریخته بود. آنها اکنون رشک به هنر شیرازی‌ها می‌بردند که چگونه توانستند این مرد باپرستیژ را بیاندازند وسط تا باباکرم یادش بدهند اما روزنامه‌نگارها حتی یکبار هم نتوانسته بودند با یادداشت‌هایشان اخم اوفارل را باز کنند. همان اوفارلی که دستیارش حشمت‌خان را به عنوان جانشین خلف خود برای تیم ملی ایران معرفی و خود به بریتانیا برگشت و در همان روزهای آخر حضورش، نصیحتی در گوش او کرد که همیشه یاد مهاجرانی ماند «هیچوقت بر سر ستاره‌هایت فریاد نکش و آنها را هرگز علیه خود نشوران.» حشمت در آن روز در جواب او گفته بود «اما اینجا ایران است، جواب می‌دهد!» آن سال شاگردان اوفارل در بازی‌های آسیایی تهران، همه تیم‌ها را از دم قتل‌عام کرده و در فینال هم از روی جنازه اسرائیل گذشتند و جام را روی سر برداشتند. توصیه‌های سایکولوژیک اوفارل به حشمت، بعدها رابطه این مربی مهربان ایرانی با شاگردانش را تنظیم کرد؛ «دشمنت هم اگر دیدی به درد تیمت می‌خورد بگذارش تو ترکیب تیم، اما نه به قیمت از هم پاشیدن تیم.» شاید ارزش آن آموزه اوفارل، به تمام درآمد هفتصدهزارتومنی قرارداد دوساله او در تهران می‌ارزید. مربی ایرلندی با تسلیم شدن در برابر تزی که می‌گفت «من معلم اخلاق و موعظه نیستم و تنها یک سرمربی فوتبال‌ام» با شادمانی و سرور از تهران رفت و حشمت‌خان هم ۵ سال بعد از این ماجراها وقتی برای مربیگری به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس رفت اوفارل را برای مربیگری در آنجا به عرب‌ها توصیه و دعوت کرد و جیب او به شدت پرپول شد.

۴ هرچقدر که صورت ارغوانی اوفارل و شادی مستتر در چشم‌های سبزش را آسان از یاد بردم من اما هرگز نتوانستم چشم‌های بی‌پناه و آه‌های دنباله‌دار والدیر ویه‌را مربی برزیلی تیم ملی را در شب آخر حضورش در ایران فراموش کنم که چه حال خرابی داشت. مرد یالقوزی که تیم ۹۸ ما را به جام‌جهانی برده بود در روز آخر اقامتش در تهران چنان پکر بود که کارد می‌زدی خونش در نمی‌آمد. من به دیدار او در هتل استقلال رفته بودم و در تمام آن پنج ساعت مباحثه‌مان درباره فلسفه فوتبال که بسیار برایم تازگی داشت، آتش جهنم را در چشم‌های دلخورش دیدم. تمام آن پنج ساعت را چشم دوخته بود به درِ هتل که بالاخره یکی از مسئولین فوتبال مملکت گل و بلبل که قرار بود برایش چند هزار دلاری پول بیاورد و تصفیه‌حساب کند نزول‌اجلال بفرماید اما تا آخرین لحظه‌ای که با ساک کوچکش عازم فرودگاه بود هیچ بنی‌بشری از فدراسیون فوتبال حالش را نپرسید و او که نیازمند یک صددلاری بود دست زنش را گرفت و با چشم‌هایی اشکبار از ایران رفت. من آن شب دلم برایش کباب شد و آرزو کردم کاش پولدار بودم و نمی‌گذاشتم او و همسر روانشناسش با آن همه شکوه و گلایه از این مملکت بروند. چنان به سردی وداع کردیم که حرف‌های شاعرانه و فلسفی‌اش درباره فوتبال و ادبیات که در تمام عمرم از کمتر مربی‌ئی شنیده بودم زهرم شد. قشنگ یادم هست که آن شب دوتایی چند پاکت سیگار فسدود کردیم و جاسیگاری بزرگ هتل را مستخدمین چهار بار برایمان خالی کردند. آن شب البته همانقدر که من به خاطر گرفتن بهترین مصاحبه عمرم از یک مربی خارجی که حرف‌هایش درباره فوتبال، فلسفه و روانشناسی، بسیار بی‌بدیل و استثنایی بود حال خوشی داشتم او نیز به خاطر اینکه بالاخره در آن روزهای واپسین تلخ‌تر از زهرش در ایران یک نفر پیدا شده که پای صحبت‌هایش بنشیند و تخلیه شود ظاهرا قانع به نظر می‌رسید. نه تنها از نگریستن به حال و احوال داغان آن مربی رمانتیک به پوچی رسیده بودم که وضعیت روحی همسرش که دائم دم در هتل در انتظار ملاقات واپسین با یک مدیر، این پا و آن پا می‌کرد از ایرانی بودنم خسته شده بودم. آن دو، زوج دلپذیری را تشکیل می‌دادند که نظیرشان هرگز در هیچ زمانی به فوتبال ایران نیامده بود و ویژگی‌شان احاطه به اصول روانشناسی بود که بلد بودند مثلا برای استقبال از ستاره تیم خود در فرودگاه، رُز صورتی ببرند (برای کریم باقری و همسرش) و عین آب خوردن بتوانند بین مربی و بازیکن، رابطه عاطفی گسترده‌ای برقرار کنند. آن شب سرد زمستانی، اما قندیل‌بسته‌ترین شب دوران خبرنگاری من بود. چشم‌های چروکیده آقای ویه‌را توی مخم رفته بود و از اینکه او را حتی از هتل محل اقامتش در تهران نیز دیپورت کرده بودند اعصابم داغان بود. برزیلی مهربان منتظر دوزار پول قراردادش بود که دست خالی به وطن برنگردد. آن شب من هر قدر خواستم درباره خوش‌استقبال و بدبدرقه بودن ایرانی‌ها سخنرانی کنم و فریدون شیبانی عزیزم برای او ترجمه کند کلام در دهانم یخ زد و تمام زمان مصاحبه را با گلویی بغض کرده به پیش بردم. هرچه دلداری‌اش دادم که این فرجام تمام مربیان اجنبی در فوتبال توسعه‌نیافته و رادیکال ایرانی است به خرجش نرفت که نرفت. والدیر ویه‌را اگرچه در امر مربیگری یک «استفان کواکس» نبود اما الحق که در حوزه ادبیات، یک «کارلوس کاستاندای» دیگر بود. مردی که توانسته بود تیم ما را بدون پیروزی به جام‌جهانی ببرد و آن رکورد عجیب را از خود به جا بگذارد وقتی آژانسی را صدا زد که به فرودگاه ببردشان، آخرین آهش در تپه‌های شمیران افتاد. وقتی هتل را ترک می‌کردم تهران خسته‌دل و غمگین زیر انبوهی از برف خفته بود و دلم از ایرانی بودنم خون بود! در آن دیدار چیزهایی از ادبیات آمریکای‌لاتین گفت که برایم عجیب تازگی داشت. رابطه ویه‌را و زن فهمیده‌اش، با فوتبال ارتباطی فراتر از نان گندم بود؛ در جایگاه یک توتم و پرستشگاه. یکجور تسلیم محض شدن در یک عشق یکطرفه. یکجور سرسپردگی زیبا و لبریز از حرام‌شدگی. دلباختگی به فوتبال متافیزیکی. انگاری که جفت‌شان از هزارتوی رمان‌های سورئال آمریکای‌لاتین بیرون آمده و جنبه واقعیت به خود گرفته بودند؛ خلق یک قطعه شعر با «ساق پا» در زمین چمن، از نان داغ برایشان خوردنی‌تر بود. شاید آنهمه سکوت و پذیرش و تاب‌آوری «ویه‌را» از جریان طردشدگی‌اش در ایران، ریشه در زمان مربیگری‌اش در کاستاریکا داشت که یک روز هنگام بازی تیم او با تیم ملی بولیوی، سقف ورزشگاه میزبان ریخته بود (۱۹۹۶) و ۸۴ جنازه زیر آوارها مانده بود. ویه‌را برایم تعریف کرد که من آنجا دخترکی را که نفس نمی‌کشید در آغوش گرفتم تا به بیرون ببرم؛ «دخترکی که همیشه صدای نفس نکشیدن‌هایش با من است.» او وقتی داشت در آن بهمن یخزده زمستان سال ۱۳۷۶ با من بدرود می‌گفت و لب‌های سردش بر گونه خشکم می‌نشست علنا گفت که «ببین! من فقط به یک عبارت فارسی «به نام خدا» که بالای سر دعوتنامه فدراسیون فوتبال ایران بود دلخوش کردم.» پرنده سرگردان برزیلی تنها دو روز پیش از رسیدن ایویچ به ایران با رویاهای زردش وداع گفت. ابتدا وقتی وارد هتل شدم دیدم از دور به طرفم می‌آید. گفتم چگونه مرا شناختید؟ ما که همدیگر را ندیده‌ایم؟ گفت «من در رشته روانشناسی تحصیل کرده‌ام و آدم‌ها را بو می‌کشم. از دور معلوم بود که شما گنگستر نیستید و روزنامه‌نگارید.» آنجا بود که به من گفت «من یک دیکتاتور نیستم بلکه یک دموکراتم.» حتی حکیم ابوالقاسم فردوسی ما را هم می‌شناخت و کلی درباره اساطیر جهان بحث کردیم. حالا قرارداد ۱۵ هزاردلاری او و حقوق ماهانه ۵ هزاردلاری‌اش را باید می‌گذاشت در کوزه و آبش را می‌خورد و می‌رفت. گفت من از روزی که قرارداد امضا کرده‌ام تا امروز یک ریال هم پول نگرفته‌ام. حتی اتومبیل هم که قرار بود در اختیارم بگذارند نگذاشته‌اند.» دست کردم توی جیبم ببینم چیزی دارم در جیبش بگذارم. حتی فندکم هم از این مشمایی‌ها بود و فریدون باید پول آژانسم را می‌داد. مجبور شدم قلبم را بهش ببخشم و گریان از هتل خارج شوم. هر برفی را به مثابه جنازه دخترک بولیویایی می‌دیدم که هنوز بغل او چپّه شده بود و نفس نمی‌کشید.

حمید رستمی

مهمانانی که پیاز تعارف می‌کنند!

۱ انتخاب وینفرد شفر برای ساکت کردن هواداران ناراضی از ۱۰ هفته نتایج ضعیف علیرضا منصوریان در استقلال در نگاه اول شاید بدترین انتخاب ممکن بود و اصلا قرار نبود یک پیرمرد ۶۵ ساله که دو سال هم کنج خانه نشسته بود در تیمی در آستانه نابودی با قراردادی ۶ ماهه و ارزان‌قیمت کار خاصی انجام دهد و کل قضیه خریدِ زمان بود برای اتمام فصل و دادن تیم به دست یکی از سوگلی‌ها تا یکی، دو فصلی هم با چشم‌غره‌های ایشان سر هواداران گرم باشد. ولی شد آنچه که نباید می‌شد و کار پیرمرد و بچه‌هایش بالا گرفت و سه تا سه تا گل کاشتند و قفل آهنی هم به دروازه‌شان نصب کردند تا هر بازیکن درجه‌سه هوس «رونالدوشدن» در برابر آبی‌های پایتخت را نکند ولی دم مسیحایی «شفر» بر روح و جان خسته و نیمه‌جان بازیکنان منتخب و در حال فروپاشی منصوریان چنان تاثیرگذار بود حتی سینه‌چاکان سرمربی قبلی هم در دل خود آرزو می‌کردند که ای‌کاش چند بازی زودتر این تغییر لاجرم صورت می‌گرفت تا این همه از کورس رقابت عقب نمانند.

شفر که به ایران آمد گفت به تیمی آمده‌ام که هیچ کس نمی‌خندد این جمله کوتاه‌ترین تعریف یک مربی خارجی از مجموعه تحت‌امرش به اسم استقلال بود اما با این حال نشان داد که گریز و گزیری از علم روز فوتبال نیست و با دست بر سر گذاشتن و قضا و قدری‌شدن شاید بشود چند باری شاهد پیروزی را در آغوش کشید ولی مطمئنا همیشه در نوسان خواهیم بود و در صفا و مروه دکتر جکیل و مستر هاید بودن هروله خواهیم کرد.

۲ از آن شب دم‌کشیده حقارت‌بار و باخت ۶ گله به العین تا همان شب فاتحانه که داور مالزیایی ناجوانمردانگی‌اش را در حد کمال در حق آبی‌های «شفر» روا داشت فقط ۹ ماه می‌گذشت. ۹ ماه از شبی فاجعه‌بار که به خاطر یک سوءتفاهم در دنیای مربیگری، در تاریخ پرافتخار یک باشگاه با رنگ مشکی نگاشته شد تا شبی که همه جانانه جنگیدند و روی خوش فوتبال حسابگرانه را نمایاندند.

شفرِ پیر، فرصت چندانی برای بازسازی تیمی نابودشده و لهیده از لحاظ روحی و جسمی نداشت ولی جادوی علم و عملش چنان در روح و جان خسته و مچاله شده بازیکنان اثر کرد که به یکباره همه تبدیل شدند به مارادوناهای بالقوه که در هر بازی چند نفری خود را به رخ می‌کشند. انگار همان «وریا» نبود که اول فصل از سر ناچاری در لیست نگه داشته شد و حالا ۹۰دقیقه تمام می‌دوید و می‌جنگید و گل می‌زد.

۳ اما زندگی فوتبالی سرمربی آلمانی و کهنه‌کار در تهران به همان خوبی پیش نرفت و بعد از یک سال به زمین سخت خورد تا محبوبیت‌اش هر روز کمتر از پیش شده و روزی که از ورودش به محل تمرین ممانعت به عمل آمد و او از پسرش خواست که از درهای بسته فیلم بگیرد مدت‌ها بود که خیلی از روابط ترک خورده بود. پیرمرد، علیرغم تعلق داشتن به کشوری که الگوی نظم آهنین در موارد مختلف است نتوانسته بود آنچنان که باید در مجموعه تحت امرش انضباط کاری برقرار کرده و کار به جایی رسید که جوانان کم نام و نشان هم توان بر هم زدن تمرکز مجموعه تیمی را داشته و به‌راحتی کل تیم را اسیر حاشیه کنند. از سوی دیگر کف مطالبات خود را از مدیران بالادستی آنچنان پایین بیاورد و هر شرایطی را تحمل کرده و دم نزند که حتی نداشتن حقوق اولیه‌ای چون داشتن زمین تمرین هم موجب تحت فشار گذاشتن مدیران باشگاه نباشد و باری به هر جهت به کار خود ادامه دهد. این نشانه‌های بدِ سالی بود که در بهار و تابستانش تیم آماده‌اش زیر و رو شد و ستاره‌های تابانش به‌سادگی به تاراج رفتند و کسی ککش هم نگزید. ضعف شدید شفر در امر بازی‌خوانی، به دلیل نداشتن تمرکز و آرامش و بروز احساسات بسیار زیاد حین مسابقه و آنالیز نکردن کامل رقیبان و در نتیجه انتخاب نکردن استراتژی مناسب برای رقبای مختلف و تعریف نکردن پلن‌های متفاوت برای دقایق و شرایط مختلف بازی‌ها سبب شده که تیم استقلال صرفا به ارائه فوتبال مخصوص خود پرداخته و کار چندانی به شرایط مسابقه نداشته باشد و از دیگر سو از نقش‌آفرینی مثبت در شرایط حساس بازبماند.

این چنین بود که داستان حضور شفر در استقلال به بی‌ادبانه‌ترین شکل بسته شد تا سال‌ها بعد در راهروهای دادگاه‌های جهانی دنبال غرامتش باشد.

۴ شاید وقتی پیش‌قرارداد آندره آ استراماچونی، مربی خوشتیپ ایتالیایی توسط علی خطیر که هنوز مظنون اصلی اخراج غیرمودبانه وینفرد شفر بود نهایی شد حتی بدبین‌ترین افراد هم حدس نمی‌زدند که قصه‌اش اینگونه غم‌انگیز پیش برود و از همان هفته‌های اول، جدا شدنش از استقلال تهران یکی از محتمل‌ترین گزینه‌های پیش‌رو باشد و بالاخره در کمتر از ۴ ماه عملیاتی شود.

مردی که با جذابیت خاص رسانه‌ای و تجربه نشستن روی نیمکت باشگاه اینتر میلان ایتالیا، وارد یک ماجراجویی ورزشی در دهه پنجم عمر شده بود؛ خیلی زود فهمید که ویژگی مشترک باشگاه ایرانی‌اش با اینتر صرفا در رنگ آبی خلاصه شده و باید خود را برای یک جنگ تمام‌عیار آماده کند. تصاویری که در دو هفته اخیر از استراماچونی در رسانه‌ها انعکاس یافته بود حکایت از مردی داشت که خشمی عمیق در وجودش لانه کرده و عصبانیتی آشکار در رفتار و سکناتش مشاهده می‌شود که انگار ادامه این راه پرسنگلاخ ممکن نبوده و خیلی زود این ماه‌عسل پایان خواهد گرفت، گو اینکه طرفین خیلی پیش‌تر متوجه این همکاری اشتباه شده‌اند و سعی در پیدا کردن راهکاری برای برون‌رفت بی‌هزینه از این انتقال سوءتفاهم‌وار دارند.

از همان روزی که علی خطیر به عنوان مهم‌ترین پشتیبان - و کسی که نقش نخست را در مذاکرات با استراماچونی داشت - از مجموعه آبی‌های پایتخت جدا شد پیش‌بینی کردن چنین روزهایی چندان سخت نبود و در واقع امیرحسین فتحی به عنوان مدیر عامل باشگاه اعتقاد چندانی به مربیان خارجی نداشته و از ابتدا گزینه ایده‌آلش در بحث مربیگری فردی چون امیر قلعه‌نویی بود و چیدمانی هم که برای باشگاه در نظر گرفته بود، نهایتا به این نام یا در درجات پایین‌تر به فرهاد مجیدی ختم می‌شد. در نتیجه در غیاب «خطیر»، تمام تلاشش را برای پایان همکاری با مربی ایتالیایی و ندادن غرامت به کار بست تا «آندره‌آ» خود استعفایش را به باشگاه ارائه دهد.

۵ مقاومت استراماچونی در مقابل کم‌کاری‌های مدیریت در زمینه پشتیبانی تیم باعث شد که او برف تهران را نبیند و چمدانش را برای یک سفر موقتی و هشداردهنده ببندد در حالی که تا به امروز این آخرین پروازش از تهران بود و این درحالی بود که او تمام تلاشش را برای سامان‌دادن به وضعیت تیمش به کار بسته بود.

محمد طالبیان

یک اخراج بی‌حاشیه

پیامی در واتساپ بی‌اهمیت، به درد نخور و احمق که به تازگی از فیلتر در آمده، به دستم رسید که گاریدو سرمربی پیشین پرسپولیس بدون هیچ حاشیه‌ای تیم را ترک کرده و به همین مناسبت قصد داریم به سراغ خروج‌های بی‌حاشیه یا پرحاشیه برویم. اتفاقی عجیب که معمولا در فوتبال ایران رخ نمی‌دهد. اینکه یک مربی خارجی یا حتی ایرانی به باشگاهی داخلی برود و بعد از کسب نتایج ضعیف بدون هیچ حاشیه‌ای از تیم خارج شود. به قدری این اتفاق عجیب بوده که حالا ما چند یادداشت و یک صفحه روزنامه را به آن اختصاص دهیم. با اینکه در ابتدا به حافظه‌ام اعتماد کردم و قرار شد که به نمونه‌های خارجی در این رابطه بپردازم اما بعد از چند ساعتی مطمئن شدم که اعتماد به حافظه کار اشتباهی بود. حتی گوگل هم برای تکان دادنش کارساز نبود و نتیجه‌ای به ذهن نیامد. اینکه یک مربی در تیم‌های مطرح دنیا، خوب یا بد با خروج خود حاشیه‌سازی کند. بازیکن این چنینی تا دلتان بخواهد داشتیم و داریم. آنهایی که تصمیم می‌گیرند باشگاه خود را با وجود داشتن قرارداد عوض کنند و حتی به جان می‌خرند که یک سال با تمام اجزای باشگاه در زاویه قرار گیرند اما به هدف خود برسند. حتی در این سال‌ها کارمندهای بسیاری داشته‌ام که در زمان خروج تا جایی که بشود حاشیه و داستان درست کرده‌اند اما واقعیت ماجرا این است که مربی خارجی به یاد نمی‌آورم. بدترین مربی‌های تاریخ اروپا و دنیا هم بدون حاشیه از تیم‌های خود خارج می‌شوند. بعضا حتی بودند مواردی که بدترین رفتارشان، اخراج شدن، نشستن در خانه و گرفتن حقوقی است که طبق قرارداد قانونی باید به آنها پرداخت شود. بدترین رفتاری که یک مربی فوتبال در زمان اخراج از خود نشان می‌دهد، این است که به تیم دیگری نرود تا باشگاه قبلی خود را مجبور به پرداخت حقوقی کند که برای آن کاری انجام نمی‌دهد. کارلو آنجلوتی هم که باشید، می‌دانید هر باشگاهی می‌تواند روزی دوباره به خانه شما تبدیل شود، پس بی سر و صدا می‌رود ولی راه بازگشت را خراب نمی‌کند. او را از مادرید به شکلی بی‌رحمانه اخراج کردند اما یک کلمه هم حرف نزد. رفت و در تیم دیگری مشغول شد و چند سال بعد دوباره به مادرید برگشت تا تبدیل به پرافتخارترین مربی تاریخ این باشگاه شود. در ایران اما ریزترین و بی‌ارزش‌ترین هم برای خود با این تصور زندگی می‌کند که باید تمام جنبه‌های لجن‌بار شخصیت خود را در زمان اخراج از محیط کار نشان دهد. جالب است که موجوداتی این چنینی معمولا زیربار این موضوع هم نمی‌روند که اخراج شده‌اند. آنها برای دیگران تعریف می‌کنند که ما خودمان تصمیم به خروج گرفته‌ایم. واقعیت اما چیز دیگری است و اکثریت در ایران سعی می‌کنند از آن چشم‌پوشی کنند. ای کاش در ایران گاریدوهای بیشتری داشتیم. البته به نبود مهارت و قرار گرفتن در موقعیتی اشتباه، اشاره نداریم؛ تا دلتان بخواهد از این آدم‌های اشتباهی در موقعیت‌های اشتباهی داریم. فرق گاریدو با آنها این است که مربی سابق پرسپولیس فهمید که آدم مناسبی نیست، سکوت کرد و رفت. در ایران اما عادت کرده‌ایم آن کسی که به هیچ وجه واجد شرایط نیست در جای اشتباهی قرار می‌گیرد و وقتی تصمیم به حذفش می‌گیرید، به بدترین شکل ممکن این فرایند به پایان می‌رسد. در لحظات و ثانیه‌های پایانی به نظر می‌رسد آدم‌های اشتباهی به یکباره متوجه موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند شده و با این واقعیت روبه‌رو می‌شوند که راهی برای بازگشت نیست. نتیجه این می‌شود که تصمیم می‌گیرند تا خروج خود را تبدیل به جنگی روانی برای دیگر اعضای یک تیم یا مجموعه کنند. جنگی که نتیجه‌اش مشخص است اما همواره هزینه‌ای سنگین به همراه دارد. حالا گاریدو از ایران رفته و ما هنوز در شوک هستیم که چطور شد که اینطور شد. چطور یک مربی خارجی اشتباهی آمد، نتایج اشتباهی گرفت و بدون هیچ حاشیه‌ای قبول کرد که برود. بعد از این همه کلمات هنوز مربی خارجی را به یاد نیاوردم که از تیمی اروپایی رفته باشد و برای آنها مشکلی به وجود آورده باشد. اوج مشکل شاید مصاحبه‌هایی باشد که طی آن گفته‌اند ما تا زمانی که اخراج نشویم، نمی‌رویم. همین‌قدر بی‌نمک و بدون هیجان. لطفا بیشتر ما را با اساسی‌ترین و پایه‌ترین اصول رفتاری آشنا کنید. دلمان لک زده برای کمی زندگی عادی و بدون حاشیه.

نادر نامدار

دچار فقر جنتلمن هستیم

راستش از سکانس پایانی حضور گاریدو در پرسپولیس حسابی جا خوردم. اصلا توقع نداشتم بعد از آن همه فشار و چوب لای چرخ گذاشتن از سوی مدیریت باشگاه، مربی اسپانیایی این‌قدر جنتلمنانه رفتار کند و بعد از جدایی از باشگاه، به رختکن محل تمرین تیم بیاید و با تک‌تک بازیکنان و اعضای باشگاه خداحافظی کند. می‌گویند او در رختکن، گریه هم کرده که اگر اتفاق افتاده باشد اصلا تعجبی ندارد. البته گاریدو از همان ابتدای حضورش در ایران، کاملا محترمانه رفتار می‌کرد و پیش‌بینی چنین پایانی از سوی او خیلی هم غیرمنتظره نبود. با خواندن ماجرای خداحافظی گاریدو از پرسپولیس، بی‌اختیار یاد دو سرمربی خارجی استقلال افتادم که هر دو از این باشگاه شکایت کردند و صدها هزار دلار پول از این باشگاه گرفتند. البته به وینفرد شفر حق می‌دهم. جلوی پیرمرد و پسرش را یک روز خیلی راحت و به شکلی تحقیرآمیز گرفتند و اجازه ندادند به محل تمرین تیمش برود! او هم به فیفا شکایت کرد — من هم اگر جای او بودم همین کار را می‌کردم - و در حالی که مدیران باشگاه وعده داده بودند، این پرونده را با صفر ریال هزینه می‌بندند، نزدیک به یک و نیم میلیون دلار از استقلال گرفت و خداحافظ!

اما استراماچونی می‌توانست خیلی بهتر از این رفتار کند. او را دوست دارم و استقلالی را که ساخته بود بیشتر، اما او بعد از آن که وسط فصل و در اوج، ایران را به شکلی ناگهانی ترک کرد و رفت، هر جور می‌توانست استقلال را دوشید و حتی از یکی دو دلار هم نگذشت! می‌توانست به حرمت هوادارانی که عاشقانه دوستش داشتند، این‌قدرها هم کاسبکارانه عمل نکند اما همان قدر که استقلالش زیبا بود، جدایی‌اش هم زشت بود. کارلوس کی‌روش هم با وجود حمایت مردم و فدراسیون، خداحافظی خوبی با تیم ملی نداشت که احتمالا دلیل اصلی‌اش برخورد بد رسانه‌ها با او در یکی دو سال آخر حضورش در ایران بود. خیلی دلم می‌خواهد در هزارتوی ذهنم بگردم و چند مورد مشابه گاریدو را پیدا کنم اما چه کنم که به جز یکی دو مورد مثل جدایی زلاتکو کرانچار فقید از پرسپولیس چیز دیگری یادم نمی‌آید! تازه با همین مرحوم هم در تیم امید جوری رفتار کردند که آدم شرمش می‌آید بنویسد!

باور کنید هر چه می‌گردم، چیزی جز جدایی‌های جنجالی مربیان از تیم‌هایشان یادم نمی‌آید. همین جواد نکونام را ببینید. از روزی که از استقلال جدا شده، یک استوری حاوی دعا یا آرزوی خوب و خوش برای استقلال منتشر نکرده. تنها خبری که از او در این مدت منتشر شده، استوری درباره فوت هوادار خانم پرسپولیس بود که احتمالا این یکی هم برای آن بود که از قافله عقب نماند! فرهاد مجیدی را ببینید. یک بار نیامد مصاحبه کند و درباره آن جدایی نابهنگام از استقلال به هواداران توضیح بدهد. البته که استاد هر بار بعد از ناکامی‌های تیم با یک استوری معنادار و کنایه‌آمیز، موفقیت خودش را به هواداران یادآوری می‌کند. برای این که این‌جور جدایی‌ها فقط مختص به استقلال نباشد، به یحیی گل‌محمدی هم اشاره کنم که بعد از رفتن از پرسپولیس تا مدت‌ها سکوت کرد و خبری از او نبود و انگار پرسپولیس را کلا کنار گذاشته بود. اما در میان بازیکنان، چند جدایی وجود دارد که خیلی محترمانه و بدون دعوا و خون و خونریزی انجام شد و بعدها مشخص شد که چه ارتباط عمیقی میان آنها، باشگاه و هواداران‌شان بود. بازی سپاهان و استقلال و حضور مجتبی جباری در سپاهان و تشویق او توسط هواداران استقلال را به یاد بیاورید. یا تشویق علی کریمی و مهدی مهدوی کیا در لباس استیل‌آذین مقابل پرسپولیس! یا حتی تشویق علی انصاریان توسط هواداران پرسپولیس در دربی، وقتی لباس استقلال را پوشیده بود! خلاصه که میان آن همه سیاهی، این نقاط روشن هم هست که می‌توانیم دلمان را به آنها خوش کنیم.

رضا فراهانی

زیادی محترم هستید آقای گاریدو

۱ حالا دیگر گاریدو سرمربی پرسپولیس نیست، بعد از چند نتیجه بد و بازی ضعیف عذرش را خواستند و او هم بی هیچ مقاومتی با واقعیت مواجه شد و خیلی محترمانه بلیت برگشت را اوکی کرد. همه چیز اینقدر شیک و محترمانه پیش رفت که انگار یک کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است، نمی‌شود باور کنم یک مربی مطالباتش را ببخشد و از قید باقی قراردادش که احتمالا کم هم نبوده بگذرد و خلاص... من هنوز فکر می‌کنم چند ماه دیگر با یک برگه رای از دادگاه می‌افتد به جان پرسپولیس و دوباره چرخه از وزارت بگیریم یا از اسپانسر یا هوادار متمول راه می‌افتد و نهایتا پول از منبع مشکوکِ و لایتناهی پاداش آسیایی پرداخت می‌شود. اما چه خبر راست باشد چه نه مواجهه گاریدو با اخراج و برخورد پرسپولیس با سرمربی اخراجی چیزی ورای آن چیزی بود که سال‌ها در ایران دیده بودیم، برای ما که آنقدر در عمل به تعهداتمان در مقابل خارجی‌ها ضعیف بودیم که بعد از هر مرخصی احتمال برنگشتن‌شان را می‌دادیم این یک پدیده تازه بود.

امیدوارم خبر بخشش پول هم درست باشد و گاریدو واقعا همینقدر جنتلمن و شیک از ایران رفته باشد...

۲ هنوز هیچ خداحافظی دردناک‌تر از رفتن استراماچونی نیست، مرد ایتالیایی که بعد از سال‌ها شکست در تیم‌های مختلف شرق اروپا پای به ایران گذاشته بود و آدم خیال می‌کرد برای احیا برند خودش هم که شده پای استقلال جذابی که ساخته می‌ماند اما عصر یک روز پاییزی بی‌آنکه حرف اضافه‌ای بزند یا چیز اضافه‌ای بخواهد یا حتی راهی برای ماندن پیش پای کسی بگذارد تهران را برای همیشه ترک کرد، ضجه و مویه‌های هواداران همیشه در صحنه هم هیچ فایده‌ای نداشت، او تصمیمش را گرفته بود و بی خداحافظی و بی‌توضیح، وطن و استقلال را ترک کرد و تیمی که بی‌شک رعب‌آورترین استقلال این سال‌ها بود را با کوهی از حسرت تنها گذاشت، درد آن عصر پاییزی آنقدر زیاد است و زخمش آنقدر عمیق است که هنوز هم بعد از هر شکستی که نصیب استقلال می‌شود آدم ناخودآگاه یاد استراماچونی می‌افتد و حسرت به دل می‌شود. چه غریب و عجیب رفت این آقای استراماچونی.

۳ کی‌روش سال‌ها در فوتبال ایران بود و به تیم ملی اعتبار و شان بخشید اما یکی از بزرگترین اشتباهاتش میدان دادن به برخی از بازیکنان بود که هم از نظر فنی ضعیف بودند هم از نظر شخصیتی و اخلاقی و درست وقتی تیم ملی داشت در مقابل ژاپن سرحال مقاومت می‌کرد یکی از همین‌ها به جای رفتن دنبال توپ افتاد دنبال داور و نتیجه فروریختن دروازه ایران و حذف از آسیا و خداحافظی بی‌وقت